

در صفحات دیگر این شماره:

- زندانهای شاه هم کفاف رژیم جمهوری اسلامی را نمیدهد! ۲۱ صفحه
- توطئه و خرابکاری بعثیها علیه جنبش های انقلابی خلقهای منطقه ۱۲ صفحه
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۱۰) ۱۶ صفحه
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۲) صفحه ۶
- پاسخ به نامه ها ۱۸ صفحه

اجتماع کارکنان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان آغاز جنبش اعتراضی در مناطق جنگ زده

صفحه ۷

**پیکارگران شهید رفقا:
حسین نورائی،
غلام سقاط،
بهرام شاهوران
در جبهه جنگ بشهادت رسیدند**

صفحه ۲۳ و ۲۸

اسلام سر مقاله

جنگ، گرانی و جنبش نوده ها

بحران اقتصادی در زمان رژیم مزدور شاه که نتیجه حاکمیت سرمایه داری وابسته بود، در دوران رژیم جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرده و ابعا دجیدی بخود گرفت. رشد بیسابقه گرانی افزایش بیکاری، شکاف باز هم بیشتر واردات و صادرات، سقوط نرخ دلار و کالاهای امپریالیستی تشدید استثمار و فقر نوده ها، همه و همه نشانه های تعمیق بیشتر بحران اقتصادی بود جنگ ایران و عراق این بحران را ابعا دو چندان کرد. تخریب، بکری از مراکز صنعتی و اقتصادی بویژه صنایع نفتی، قطع درآمد گسترده نفت و نابودی مهمات جنگی بحران اقتصاد وابسته رژیم را به نحو بیسابقه ای گسترده نمود و این امر در شرایطی بود که رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ، محتاج تامین بودجه نظامی و منابع مالی جهت خرید اسلحه های امپریالیستی می باشد.

بقیه در صفحه ۲

**در شهری که ضد انقلاب
حکومت میکند
قطب زاده
"مبارز" کهنه کار از آب
در میآید! ۱۲ صفحه**

**روستای ایندرفاش: قارنا و قه لاتانی دیگر
قتل عام فجیع اهالی روستای ایندرفاش**

صفحه ۵

**مجاهدین خلق و جنگ
بیانیه مجاهدین در رابطه با تجاوز عراق
باز هم ترنزل در مقابل انقلاب**

صفحه ۹

رهنمود به هواداران:

در باره فلاکت جنگ و جنبش نوده ای

صفحه ۲۷

جنگ عادلانه چیست؟

صفحه ۱۳

**جنگ،
افزایش قیمت ها و
گرسنگی هر چه بیشتر
زحمتکشان**

فحطی و گرسنگی و فلاکت ناشی از جنگ برای زحمتکشان ما از هم اکنون بوضوح چشم میخورد. برنج و روغن و قند و شکر و تخم مرغ و کبره نایاب است، نفت و بنزین، بخصوص با آغاز فصل سرما کفاف نیاز زحمتکشان را نمیکند. صفهای نان روز بروز طولی تر میشود و انسواغ دیگر کالاهای مصرفی و مواد غذایی با املا وجود داشته و توسط سرمایه داران احتکار شده است و با قیمت های سرسام آور خودنفسه و خانه زحمتکشان، بلکه سفره و خانه سرمایه داران، بازاریان مرفه و جبرخواران رژیم جمهوری اسلامی را رنگین میکند.

بقیه در صفحه ۲۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ جنگ...

رژیم ارتجاعی حاکم برای حل بحران موجود بقایای می پردازد، اما مقابله ای که بقیمت شدید وابستگی به امپریالیسم و تشدید فقر و فلاکت بوده است، جمهوری اسلامی از یکسو میگوید تا هر چه زود تر مناسبات خود را با امپریالیسم آمریکا بهبود بخشد و قرارداد های اقتصادی اساسی باری را به امضاء برساند و از سوی دیگر با گران کردن مایحتاج اولیه مردم و تشدید استثمار طبقه و توده ها به وضع بحرانی اقتصاد سروسامان دهد، جیره بندی آذوقه و مایحتاج اولیه مردم، افزایش مالیاتها حذف مزایای کارگران، و کارمندان، افزایش آهنگ تولید توسط کارگران، افزایش قیمت اجناس و کالاهای مصرفی و بخصوص قیمت بنزین از یک تومان به سه تومان از جمله اقدامات ضد مردمی رژیم حاکم است.

آنچه مسلم است اینکه این اقدامات بحران را تشدید کرده و زمینه عینی اعتراضات توده ای را گسترش خواهد داد. این اقدامات مستقیماً بر توده های زحمتکش فشار آورده و آنان را تحت شکنجه اقتصادی بیشتری قرار میدهد. کافی است به اثرات بعدی افزایش قیمت بنزین توجه شود تا بتوان با بحران را که بردوش زحمتکشان سنگینی میکند، ارزیابی نمود. همانطور که میدانیم، بعنوان نمونه در سیستم حمل و نقل بنزین نقش اساسی بازی میکند. حال با توجه به نقش شبکه حمل و نقل در مجموعه تولیدات صنعتی و کشاورزی و سیستم توزیع متوجه میشویم که افزایش بی سابقه قیمت بنزین چه اثرات وسیعی در ساخت قیمت مجموعه کالاهای موجود میآورد. برخلاف عوام فریبی های حکومت که چنین وانمود میکنند که گویا فقط قیمت بنزین افزایش یافته و قیمت کالاهای دیگر تغییری نخواهد کرد، حقیقت این است که گران شدن بنزین بطور مستقیم و بلافاصله بر قیمت تمام اجناس و کالاهای هزینه خدمات عمومی تأثیر گذاشته و بطور سراسری آوری هزینه زندگی زحمتکشان را با افزایش میدهد. رجائی عوام فریبانه گران شدن بنزین را کوشش در ایجاد "تبادل نسبی عادلانه میان مردم" وانمود میآورد. حال آنکه این اقدام ضد انقلابی عامل دیگری در جهت تشدید فقر و فلاکت توده ها و در جهت غارتگری سرمایه داران و دولت آنها بشمار میآید. اگر افزایش قیمت بنزین، قیمت نان، گوشت، برنج، بوشاک، خدمات عمومی و دهها و دهها مورد دیگر را افزایش میدهد و وضع اقتصادی زحمتکشان را وخیم تر نموده و آنان را به گرسنگی و محرومیتها بیشتر میکند، اما برای سرمایه داران و دولت آنان ثروت بیشتر به ارمغان میآورد. برواضح است که مسئله فقط مسئله گران شدن بنزین نیست، امروز بحران را با همه ما و در

ستران بیکاری، گرانای عمومی و گرسنگی گلو کارگران و توده های ستمدیده میهن ما را در پیچهای خود می فشارد. امروز حاکمیت ستمگران رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر توده ها را به ستوه آورده و جنگ غیر عادلانه دولت سرمایه داری ایران گلو زحمتکشان را بیشتر فشرده و فلاکت توده ها را به نحوی سابقه ای گسترش داده است. مسئله اساسی درک این مطلب است که رژیم حاکم هرگز نمیتواند به وضع اقتصاد حاکم سروسامان بدهد و جنگ کنونی نیز سربا دادن بحران اقتصادی می افزاید و محرومیت و گرسنگی توده ها را افزایش میدهد. جنگ کنونی هزاران هزار نفر را توده ها را آواره کرده و خانه و کاشانه شان را نابود ساخته و گرسنگی و انواع و اقسام بیماری ها را در میان آنان رواج داده است. جنگ کنونی مستمکی به دست رژیم داده تا با نام "دفاع از میهن و اسلام" برای تمامین اعتبارات جنگی، مردم را بیشتر غارت نماید. جنگ کنونی بهانه ای به دست رژیم داده تا از طریق گرانای، مردم را به خانه خرابی بیشتر بکشانند. آری جنگ کنونی برای توده ها فلاکت بیشتر به ارمغان آورده است. اما فلاکت توده ها به چه معناست؟ فلاکت توده ها یعنی غارت شدن بیشتر مناسبات بورژوازی، یعنی فرو ریختن بیشتر توده ها، یعنی تشدید تفاقی های طبقاتی و سرعت یافتن سیر مبارزه طبقاتی در جامعه، فلاکت توده ها یعنی نزدیک شدن انفجار رعبان نهفته توده ها. بقول لنین:

"در زمینه بحرانی که ناشی از جنگ است، تک جوشهای انقلابی در بین توده ها روبه افزایش میروند و آنها اعتصابات و تظاهرات سیاسی... و سرعت می پذیرد. مگر این آغاز برآمدهای انقلابی توده ای نیست؟"

(اپورتونسم و ورژشکنی انترناسیونال دوم)

امروز در ستر بحران ناشی از جنگ توده ها بیش از پیش نسبت به رژیم حاکم بیزار میشوند. در چنین شرایطی برخلاف روزیونستها و اپورتونستها که با داران صلح بورژوازی بوده و مخالف گسترش انقلاب می باشند، کمونیت - های راستین، کمونیتها ای که پیگیران راه انقلاب پیش میروند، خواهان برهم زدن صلح داخلی می باشند. آنان از صلح تحت حاکمیت بورژوازی نفرت دارند و این نفرت را به میان توده ها می برند، آنان از هر ناراضی جرقه ای میسازند و از هر جرقه شعله ای درختان بیایمی کنند، آنان میدانند که لایه ای انقلاب فردا در گرو برافروختن شعله های ختم انقلابی امروز توده ها است. در واقع کنونی که جنگ نا عادلانه نارضایتی عمومی را گسترش داده و با زهم خود داد، کمونیتها ای پیگیر فعالانه میگویند تا نشان دهند که فلاکت توده ها از جنگ است و جنگ

اقدام سیاست رژیهای ارتجاعی دو کشور است و برای از بین بردن قطعی فلاکت و محرومیت توده ها و ستمگری ارتجاع باید به انقلاب دست زد. کمونیتها می گویند تا به کوچکترین نارضایتی و اعتراض توده ها جهت داده و توده ها را در مسیر مبارزه علیه حکومت سرمایه بکشانند.

بقول لنین:

"به پشتیبانی از برآمدهای انقلابی توده ای، بسط و توسعه و تشدید آن، ایجاد سازمانهای غیر حزبی... اینست تمام سرنام عملی سوسیال دموکراسی در این جنگ" (همانجا)

بنابراین وظایف ما روشن است. برای اینکه انقلاب فرایرد، برای اینکه قدرت بورژوازی سرنگون شود و کارگران و سایر توده ها قدرت را تصرف کنند باید خشمناشی از جنگ و حکومت ستمگران را با بذراکهای انقلابی پرورش داده، اعتراضات و تظاهرات آنان را به مبارزه متشکل علیه حکومت تبدیل ساخته و هر چه بیشتر دامنه جنبش سراسری را گسترش داد.

اگر چه شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی یک شعار استراتژیک است، اما این شعار بدون تدارکات قبلی تحقق نخواهد یافت حتی اگر موقعیت انقلابی برجای همه مستولی شود ولی اگر مانداریکات لازم را ندیده باشد شمشیر راه به پیروزی نخواهد گشاید. بنابراین ما باید انقلاب را در ستر بحران ناشی از جنگ بیش از هر زمان دیگر تدارک ببینیم. این تدارک یعنی بردن آگاهی انقلابی به میان توده ها، یعنی جهت بخشیدن به اعتراضات ضد جنگ آنها علیه حکومت، یعنی بسیج سازماندهی و هدایت مبارزه توده ها.

رفقا!

جنبش توده ها در حال گسترش و اجگیری هر چه بیشتر است، فعالانه به استقبال آن بشتابیم!

★ ★ ★

بقیه از صفحه ۲۶ لیبرالها...

کرده و آلترنا تیک کمونیتها را شدیداً سرکوب کنند، همچنانکه کمونیتها نیز برای بجنگ گرفتن قدرت می بایستی با این آلترنا تیکهای ارتجاعی دست و پنجه نرم کنند.

(۱) - هنگامیکه میگوئیم میزان، کیهان و انقلاب اسلامی یا ران غمگنا را امپریالیسم آمریکاست، به آن معناست که آزادگان، اطلاعات و جمهوری اسلامی در خطی غیر از حفظ منافع امپریالیسم گام بر میدارند. روزنامه های ارتجاعی اخیر که بنحوی زیر نفوذ حزب جمهوری اسلامی قرار دارند بلندگوهای ضد خلقند که بر علیه کمونیتها و نیز حفظ منافع امپریالیسم مرتب به لجن پراکنی می پردازند. ما در گذشته در این باره سخن گفته ایم و در آینده باز هم خواهیم گفت.

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده ها بشتابیم

جنبش کارگری



تبلور قدرت کارگران (کفش ملی) در مبارزه بر علیه عوامل سرمایه داران!

روز دوشنبه ۵۹/۷/۲۱ دوش از کارگران شرکت استانداریا بسته به گروه صنعتی کفش ملی که بعلت شرکت در جلسه عمومی شورا، چند دقیقه ای دیرتر به سرکار میایند، بوسیله فورمن قسمتشان، به ساعت جریمه میشوند. شورا که دارای عناصر مارکسیستی است برای گوشمالی دادن به فورمن، او را بمدت سه روز جریمه میکند. این عمل موجب میشود که کلیه فورمن ها فردای آن روز پس از کارت زدن در ساختمان مدیرعامل و حسابداری و... بیست بنشینند. کارگران که از این امر مطلع میشوند، خشمگین شده و به "هو" کردن فورمنها می پردازند و بدین طریق کینه دیرینه خود را نسبت به این عوامل سرسبزده سرما به داران نشان میدهند. کارگران برای آنکه نشان دهند که در تولید به این انگلیسها احتیاجی نیست، خود به سازماندهی کار می پردازند. و در طرف دوروزی که فورمن ها سرکار نبودند، تولید را افزایش میدهند. اما شورا که نظرات سازشکارانه بر آن غالب شده بود، طبعی جلسه عمومی برای تصمیمگیری کارگران در مورد فورمن ها، موضع قاطع نمیگیرد و کار را به رای گیری واگذار میکند که در نتیجه در آخر موجود در جلسه فورمن های وحشت زده و بزدل نیز در آن حضور داشتند، عده ای از کارگران در رودر - بایستی قرار گرفته و رای به بازگشت فورمن ها میدهند.

این حرکت علیرغم ضعفهای آن که مهمترین عدم وجود رهبری قاطع بود، بسیار قدرت لایزال و کوشنده کارگران بود که نشان دادند، زمانیکه اراده کنند هیچ نیروی را برای مقاومت در مقابلشان نخواهد بود و این فقط کارگران و زحمتکشانی هستند که چرخهای تولید را میچرخانند، نه مفت خورانی نظیر سرمایه داران و عواملشان (فورمن ها و سرپرستها و...)

"جنگ" بهانه ای برای تشدید خفقان و افزایش تولید در کارخانه لایزال

جنگ و تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی هر روز به انواع و اقسام متفاوت گسترش می یابد. و هر چه بیشتر شیره جان کارگران و زحمتکشان مکیده میشود. در این رابطه در کارخانه های مختلف و

بقیه در صفحه ۷

اخراج و محاکمه کارگران تراکتورسازی تبریز: نشانه وحشت رژیم از قدرت کارگران!

راضی بودند. بعد از زنجی شورا بوسیله نماینده استانداری (نقیسی) منحل اعلام میشود و سرپرست جدیدی به کارگران معرفی میگردد. کارگران نسبت به این عمل دست به اعتراض زده و کار نمیکنند. نقیسی بلافاصله به طاقتش رفته و از طریق تلفن با سداران را با خبر میکند و سداران مبلغ به کارخانه ریخته و ۳۴ نفر از کارگران را سوار ماشین نموده و به دادگاه انقلاب اسلامی تبریزی می برند. در همان روز پنج نفر از کارگران با تعهد آزاد میشوند. بعد از آزادی این پنج نفر بازجویی بقیه شروع میشود که چند روز بعد از آن از آنها را آزاد میکنند و بقیه به بلاتکلیف باقی می مانند.

مادر زیر قسمتهاش از اعلامیه ای از کارگران مبارز و بسته به سازمان را در این باره می آوریم:

جندی بیش در راه بسته با سازماندهی جدید تولید در کارخانه تراکتورسازی تبریز، مدیران تصمیم میگیرند که ۱۲۰۰ نفر از ۲۷۰۰ نفر کارگران کارمند را اخراج کنند. تصمیم به اخراج کارگران بدون نظرخواهی و منافع آنها صورت میگیرد. بخاطر جلوگیری از هرگونه حرکت اعتراضی، از ورود کارگران مبارز و آگاه و اعطای شورا به کارخانه جلوگیری میکنند. از پرداخت حقوق به آنها ممانعت مینمایند و با سداران را در کارخانه مستقر می کنند.

بعد از تمام شدن روز و رگوشی ها به کارگران یک نفر از مهندسین را بعنوان سرپرست قسمت خط "هولر" انتخاب میکنند.

قسمت خط هولر بعد از قیام بصورت شورائی اداره میشوند و تمام کارگران از کارهای شورا

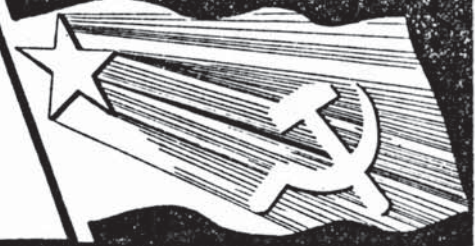
با استفاده از جنگ ارتجاعی ایران و عراق فولادپون ها آزاد میشوند و کارگران بطور دسته جمعی اخراج و زندانی!



کارگران مبارز!
■ - جنگ ارتجاعی ایران و عراق، که از اول مهرماه، بخاطر سرکوب انقلاب و زحمتکشان و حفظ منافع سرمایه داران هر دو کشور، دامنه و شدت بیشتری یافته، زحمتکشان و کارگران این دو کشور را بیشتر به فلات و بدبختی خواهد کشاند.
■ - گرانی، قحطی، احتکار مواد غذایی صفهای طولانی برای نان و مایحتاج اولیه زندگی و سیکاری هر روز از روز قیل بیشتر میشود و جیب گشای سرمایه داران هر دو کشور با گران فروختن مایحتاج زندگی به قیمت قهقری و بدبختی زحمتکشان پرتر میشود.
■ - رژیم جمهوری اسلامی با بهانه فرار دادن جنگ تا عادلانه ایران و عراق، با شدت عمل بیشتری به سرکوب انقلاب و زحمتکشان پرداخته و سرمایه داری وابسته را با تمام نهادهای مخدلقی اش، به سرعت بازسازی میکند. بقیه در صفحه ۷

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۵)

اصل سوم: در آمیختن با توده‌ها (از توده‌ها به توده‌ها)

"عقاید بنحویت بنحویت، بلکه بنحویت بنحویت، جبهه را میسر می‌سازد، عقاید بنحویت بنحویت محتوای فکری خود، بلکه بنحویت بنحویت زنده‌ای که در پاره‌ای ساعات تاریخ از آن بیرون می‌تراود، آدمیان را در پیچیده خود میگرداند، پنداری بوی تند است که بر می‌خیزد - خیر، ضعیف ترین شامه‌ها نیز آن را می‌شنود، والا ترین عقیده تا روزی که مسری نگردد، بی اثر است." (۱)

تبلیغ نیز بایستی مانند هر وظیفه عملی دیگر، بر مبنای یک سبک "از توده‌ها به توده‌ها" استوار باشد. در تشریح دوقانون اول و دوم، آنچه را که بایستی از توده‌ها بگیریم نشان دادیم اکنون میخواهیم بگوئیم که تبلیغ بایستی با توده‌ها درهم آمیزد و در میان توده‌ها مری شود. ما بذری هستیم که اگر در خاک توده‌ها جای بگیریم، نمی‌توانیم ریشه بدو انیم و تنگوفه بدو انیم و یادگی تا بودخواهیم شد. برای این ریشه دواندن بایستی تبلیغ، شریک و سازمان - دهی کرد. در آمیختن با توده‌ها قانون مشترک در میان کلیه وظایف عملی است. اما تبلیغ بایستی به مقیاسی بسیار وسیع تر توده‌ها را در برگیرد. توان یک حزب یا سازمان کمونیستی نه در تعداد اعضا و کارکنان درهای سازماندهی شده آن بلکه در ارتباط با نفوذ توده‌های آن ارزیابی میشود. تبلیغ در میان وظایف عملی، سنگانه‌ای است که تبدیل مشخصات و فواید سیاسی آن، قابلیت نفوذ در میان توده‌های بسیار وسیع را دارد. بدین ترتیب بیش از دیگر وظایف عملی بایستی با توده‌های وسیع هم‌مرزی گسترده انطباق یابد. برای انقلاب لازم است که اکثریت توده‌ها خواهان انقلاب شده و فعالانه در مبارزه شرکت ورند و با حداقل آن بخشهایی که در این مبارزه شرکت ندارند بر مبنای مشترک اتحاد نمایند و این ممکن نمی‌شود مگر با ائتلاف وسیع دشمنان توده‌ها، روشن ساختن ذهن توده‌ها نسبت به مسائل انقلاب و جلب اعتماد توده‌ها با راهم‌مودهای مبارزاتی و افشاکرپهای موقع

(۱) - رومن رولان - ژان کرستف - جلد ۲

بدین ترتیب به منظور آماده ساختن توده‌ها برای انقلاب بایستی به هر جایی که توده‌ها هستند رفت و در هر گام، ذهن توده‌ها را روشن ساختن و نگاهبان را در جهت سوسیالیسم ارتقاء بخشید، به همین خاطر است که لنین تاکید می‌کند:

"توان حزب به این امر بستگی دارد که کار تبلیغی اش تا چه حد قابل درک و مفهوم است و نیز تا چه حد میتواند سرمشق توده‌ها قرار گیرد (۲)

برای در آمیختن با توده‌ها کافی نیست که روحیات آنها را بشناسیم و از مسائل اساسی آنها حرکت کنیم، بلکه باید بدانیم تبلیغ شوندگان ما کیستند تا دریا بیم که چگونه با آنها صحبت کنیم، بدین ترتیب باید به دو نکته توجه داشت:

اولا: تبلیغ در میان طبقات مختلف متفاوت است، چرا که غرایز طبقاتی، احساسات و نیازهای آنان نیز متفاوت است، لنین در این مورد میگوید:

"تبلیغ باید به نحوی صحبت کند که منظور درک شود، و باید چیزی را که برای شنونده - گانش کاملاً آشناست، بعنوان نقطه شروع کار خود اتخاذ کند، همه این نکات، به خودی خود بدیهی است و کاربرد آن منحصر تبلیغی نیست که در میان دهقانان صورت میگیرد، شخص ناچار است با سوری‌ها به نحوی متفاوت با ملوانان و با ملوانان به نحوی متفاوت با کارگران چایخانه صحبت کند. تبلیغ باید انطباق فردی داشته باشد." (۳) (تا کنون از ما است)

بدین ترتیب گذشته از ارگان مرکزی که متعلق به کمونیست‌ها و توده‌های بی‌شروط است، نشریات، جزوات و... تبلیغی خاص دیگری نیز

برای انقلاب لازم است که اکثریت توده‌ها خواهان انقلاب شده و فعالانه در مبارزه شرکت ورزند و با حداقل آن بخشهایی که در این مبارزه شرکت ندارند بر مبنای مشترک اتحاد نمایند و این ممکن نمیشود مگر با ائتلاف وسیع دشمنان توده‌ها، روشن ساختن ذهن توده‌ها نسبت به مسائل انقلاب و جلب اعتماد توده‌ها، با راهم‌مودهای مبارزاتی و افشاکرپهای موقع.

سازمان کمونیستی برای در آمیختن با توده‌های وسیع نه تنها به توده‌های پیشرو، بلکه به توده‌های عقب مانده نیز بایستی توجه داشته باشد. تنها اشکال و کیفیت تبلیغ در مورد این اقشار متفاوت است. ارگان مرکزی برای توده‌های پیشرو، (و نیز اتحاد وی توده‌های متوسط) و نشریات محلی برای توده‌های متوسط (و نیز اتحاد وی توده‌های عقب مانده) (۴)

بایستی برای طبقات دیگر در نظر گرفت. اینکه تبلیغ شوندگان جز کدام طبقه هستند، در کیفیت اشکال و انواع تبلیغ تأثیری ندارند.

ثانیا: تفاوت میان اقشار مختلف طبقه کارگر و توده‌ها، توده‌ها عموماً از نظر آمار دگمی برای انقلاب به سه قشر پیشرو، میانی و عقب مانده تقسیم میشوند. کمونیست‌ها کارگران پیشرو را بایستی مورد توجه ویژه قرار دهند و با تکیه به آنها بکوشند، کارگران میانی را تا سطح پیشروان ارتقاء بخشیده و عموماً مرعوب مانده را نیز به طرفداران خود تبدیل کنند و آنان را نیز ارتقاء بخشند.

تبلیغ برای این سه قشر متفاوت است، لنین درباره نقش فشرستی کارگران در چگونگی تبلیغ و در ارتباط با ارگان مرکزی میگوید:

"بنا بر این روزنامه‌ای که میخواهد ارگان کلیه سوسیال دموکرات‌های روسیه شود، باید در سطح کارگران پیشرو باشد این روزنامه نه تنها باید سطح خود را بطور ساختگی و تصنعی پایین آورد، بلکه بالعکس بقیه در صفحه ۲۵

بدین ترتیب برای رهبری مبارزه طبقاتی توده‌ها، بایستی تبلیغ کمونیستی در میان توده‌های وسیع خانه‌کند و در هر کارخانه، مزرعه، محله، جمعیت‌ها، مدرسه، اداره و... مبارز انقلاب بکار برد، به خود نیست که کمترین فرمان میدهد: "حتی یک خانه کارگران نیز در منطقه نفوذ حزب نباید خارج از تبلیغات ما قرار گیرد." (۳)

چرا که تنها تبلیغ میتواند هم‌کاری و وحدت سازمان با حزب کمونیست را با توده‌های وسیع گسترش بخشد، اما برای این گسترش بایستی یک مسئله اساسی را در نظر بگیریم و آن اینست که تبلیغ ما با کدام طبقات و کدام اقشار توده‌ها در هم می‌آمیزد.

تبلیغ در میان طبقات مختلف و اقشار پیشرو، میانی و عقب مانده توده‌ها

(۲) - نقل قول لنین از کتاب علم انقلاب لنین و روانشناسی اجتماعی آورده شده است، صفحه ۳۷

(۳) - سومین کنگره کمترین - اصول تشکلات حزب

خلق ها و مسئله ملی



خاطره رفیق شهید،
پیشمرکه زحمتکش
وانقلابی کومله

”کاک احمد قادر مجید“ را
گرامی بداریم

اخباری از کردستان

روستای ”ایندر قاش“: قارنا و قه لاتانی دیگر قتل عام فجیع اهالی روستای ایندر قاش

با سداران و مزدوران رژیم بارديگرکسی از روستاهای کردستان را به حمام خون تبدیل کردند. آنها زنان و کودکان را قتل عام میکنند. جوی خون راه میاندازند و جنایات فجیع همچون قتل عام قارنا، قه لاتان، کاشی ماسید و... می آفرینند. اما هیچکدام از این اعمال کوچکتر - بین تزلزلی در راه استوار خلق قهرمان کرد بوجود نیاورده است. بهرچشمش مقاومت خلق کرد در دست پیشمرگان رزمنده جنبش و توده های زحمتکش شهروستا همچنان در اهتزاز است. رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر محاصره اقتصادی شهروستاها را با خاک و خون میکشد تا خلق کرد را برانورد و آرد. اینک نوبت قتل عام در روستای ”ایندر قاش“ رسیده است.

در تاریخ ۵۹/۸/۱۳ حدود صد نفر از اجاشا و با سداران کمیته های نقده در محبت چند زره یوش توسط اتوبوس و مینی بوس به نزدیکی روستا - های ”ایندر قاش“ و ”دریاس“ ۱۵ کیلومتری مها با در شدند. آنها پس از توقف نیروی خود را در دو قسمت برای با سلاح پاکسازی و خلق سلاح مردم به این دور و ستا گسل داشتند. یک دسته از پیشمرگان حزب دمکرات که قبل از ورود مزدوران رژیم، به روستای ”ایندر قاش“ رفته

بودند بمحض اطلاع از ورود با سداران از ده خارج شده و در باغی اطراف موضع گرفتند. با سداران پس از ورود به ده، مردم را در مسجد جمع کرده و با تهدید و ارعاب، آنها را به با دنا سرا و کتک گرفتند. با سداران به اهالی زحمتکش روستا میگفتند: ”شما ضد انقلابی هستید و میدانیم که کدامتان اسلحه دارید اگر آنها را تحویل ندهید همه را قتل عام خواهیم کرد.“ در این اثنا، توسط بسم به فرمانده دسته اطلاع داده میشود که هرچه زودتر آنها همه را ترک کنند. پیشمرگان حزب که قبلا در باغی موضع گرفته بودند بطرف آنها تیراندازی کرده و سپس عقب نشینی می نمایند. بدنبال این واقعه مزدوران جنایتکار رژیم به داخل ده میگردند و با جنایتی که انجام میدهند در وی فاشیتهای هیتلری را سفید میکنند. مزدوران ضد خلق بجان مردم سد دفاع روستای ”ایندر قاش“ افتاد و با کشتار عام اهالی ده کهده جوی خون راه میاندازند. آنها ۳۶ تن از اهالی ”ایندر قاش“ را قتل عام میکنند که علاوه بر عده زیادی پسر مرد، چند کودک و دو زن در بین اجساد کشته شدگان دیده شده است. جنایتکاران رژیم، بار دیگر قتل عام روستاهای قارنا و قه لاتان و کاشی ماسید را در روستای ”ایندر - قاش“ مها با دنگرا و کردند.

حمله منول و ارجنایتکاران به روستاهای حومه نقده

هفته گذشته مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر در روستاهای کردنشین اطراف نقده به جنایات خود ابعاد تازه ای دادند: روستای ”محمد شاه“: مزدوران ضد خلق، این روستا را بکلی به آتش کشیده و چهار نفر از اهالی بیدفاع آن را بشهادت رسانیدند. اهالی این روستا هم اکنون در کوهها آواره شده اند.

روستای ”باشیز آباد“: نبی ازابین روستا به آتش کشیده شد. جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی در نغرا کشته و چند نفر را مجروح نمودند. روستای ”گلوان“: مزدوران رژیم پس از محاصره و کتک زدن عده ای از اهالی، - برای ارباب آنها چشمان دو نفر از اهالی روستا را از حلقه در آوردند.

تظاهرات پر شور مردم مبارز علیه
اجتماع ۱۰۰ نفری چریکهای اکثریت،
پاسداران، حزب توده و...

مهاباد ۵۹/۷/۲۹

ساعت ۱۰ صبح به دعوت سپاه پاسداران و به منظور پشتیبانی از رژیم ایران در جنگ ایران و عراق ”تظاهراتی“ در شهر ترتیب داده شده بود. در این تظاهرات حدود ۱۰۰ نفر شرکت داشتند. سازمان چریکها (اکثریت)، حزب توده، پیروان کنگره چهارم حزب دمکرات و پاسداران هر کدام طی اطلاعیه هایی هواداران خود را به شرکت در این تظاهرات دعوت کرده بودند. همزمان با آن عده کثیری از مردم مبارز و قهرمان مها با د با برپائی تظاهرات پرشوری نشان دادند که علیرغم همه جنایات و کشتاری که رژیم در این شهر بر آید انداخته است، همچنان با روحیه انقلابی مبارزه می امان خود را بر علیه سرکوب - گران ضد خلق به پیش خواهند برد. تظاهرات کنندگان در جایی که بدنبال اجتماع ۱۰۰ نفری پاسداران، چریکهای اکثریت، حزب توده و دیگر مرتجعین برای افتاده بودند شعار میدادند: ”هر بیژی جوسیئی موقا و مه تی خه لگی کورتا“ (زنده باد جنبش مقاومت خلق کرد)، ”بیژی هیژی پیشمرکه، دوزمن نه سب مه رگه“ (زنده باد نیروی پیشمرک، نصیب دشمن مرگ است).

”شهری شیران و عراق، شمیری کوله به ره ستان، نه ز به رحمة تکیاشانه“ (جنگ ایران و عراق جنگ مرتجعین است با هم و بر علیه زحمتکشان) در نزدیکیهای کارا زاطمینان پاسداران به تظاهرات کنندگان حمله کردند و نظا هر کنندگان ضمن جنگ و گریز خیابانی با پاسداران شعار میدادند مرگ بر پاسدار، مرگ بر جاش.

تظاهرات ۱۰۰ نفری چریکها و حزب توده و پاسداران و دیگر مرتجعین نشان داد که آنها چه اندازه در شهر مها با د اروپا خسته اند و خلق کرد چگونه آنها را از خود می راند. (بنتقال از خبرنامه ۸۶ کومله).

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



با چشم باز در افق خونین کردستان

جست و جوی نظارتی را می توان از آنها داشت گاهی این فکر من دست می دهد که اطرافم پر از مزدورانی است که نمیتوان با آنها مثل دوست رفتار کرد. اما میدانم که این نمیتواند درست باشد. آنها انسانهایی هستند که در درون این نظام گرفتار آمده اند. نظام حاکم آنها را چنین می پرورد: مهره هایی برای کشتار. مهره هایی که چون و چرا نمی کنند نمی پرسند که دشمن ما چیست؟ چرا باید مردم زحمتکش را بکشیم؟ (ارزش جرات دارد!) آنها هم خانواده ای دارند، دوستانی و زندگی ای که به آن تعلق دارند. آنها نمی خواهند جان خود را برای خودداری که خودداری نمی دانند به کجای می رسد از دست بدهند، اما در اجبارند. در پیچ و مهره های این دستگاه، جا سازی میشوند و بدور از اراده شان بکار می افتند خسته و کسل میشوند، وحشی و درنده میشوند و فحش میدهند، ناسازی می گویند، می درند... می کشند بی آنکه بدانند چرا اینها را این مسائل، با فهمیدن موقعیتشان، باید ستوانیم با آنها برخورد کنیم تا آنها که میتوانیم با ایشان دهیم به شناسند و آگاه شوند.

اما چرا این روحیه را پیدا کرده ام؟ تا به اندازه این انتخاب که باعث میشود، فقط به فکر خودی باشی! باید فکر کنیم و تصمیم جدی تری بگیریم. ایمان و عشق به خلق، قادر است که جلوی این سردرگمی - هارا بگیرد، بیش برو! ما ندان مردن است. (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۲۵ تا کسمانگان...

امروز رانندگان آگاه که به توطئه های رژیم واقف میشوند، مانند ما بر توطئه های خلق ما شدیداً معترض هستند. آنان به افزایش قیمت بنزین اعتراض داشته و در پی اعتصاب می باشند. بنظر ما این حق مسلم رانندگان تاکسی و وانت - ها را است که به اعتصاب دست زنند. رانندگان آگاه و دربار این دولت فریبکار را بدست به مقاومت بزنند. آنان باید دیدند که افزایش قیمت بنزین یعنی افزایش قیمت مواد مسرور. نیاز همه مردم و فقر و فلاکت آنها، آنان با سد بداند که افزایش قیمت بنزین یعنی خدمت به سرما نه داران و خدمت به رژیم حاکم.

رانندگان آگاه! مبارزه شما جزئی از مبارزه تمام مردم آگاه ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی میباشد. شماست که هر چه بیشتر به افشگری از رژیم حاکم دست زده، مقاومت و مبارزه خود را علیه رژیم گسترش داده و همبستگی خود را با کارگران و مبارز جنتان مستحکم سازید!

خطرات يك سرباز (۱۲)

اینهارا باید بهر وسیله از بین برد

۲۷ اردیبهشت

امروز گردان تانکی که از زنجان حرکت کرده بود، به سقز میرسد. شاید با رسیدن این گردان وضع ما روشن شود. اما در هر صورت، ما موریت شوم خود را که همان زدن کبزیست و افروختن آتش جنگ بوده است، انجام داده ایم. روحیه همه سربازان سخت گسل است. این یکما به جنگ فرسایشی و شرکت در کشتاری که هدفش را خود شناسی، دانش و پیوستن آن اعتقادی ندارند، افسرده مان کرده است. آنها هیچ اعتقادی به ادا به جنگ ندارند و روحیه شان ضعیف شده است. همه در انتظار بارگشت به خانه هستند. شاید در زمانی که از کشتار این هنگامه هستند، بتوانند قدری فکر کنند که در این مدت چه بخشی داشته اند! اما اکنون هیچ چیز جز بارگشت برای شان مطرح نیست. از شدت کالت به زمین و زمان فحش می دهند و با دیدن زخمی ها به توده ها ناسازی - گویند! و به این تروشیب با مطلق "دق دلی" خود را خالی میکنند. دیدنشان در این حالت ترجمه انگیز است و نفرت از جنگ افروزان را - آنان بالاشی هارا که دور از میله گسل آمده اند و بدست ایشان در قلم می نشاند. اکنون که می نویسم، در سقز هستم. در سقزی که متعلق به من نیست، فکر و روحم در رفتار است. از یک سو دندان درد کلافه ام کرده، و از سوی دیگر فشار افکار ناراحت کننده - ای که در سقز می جرد، سخت کلم.

ساعت ۷/۵ بعد از ظهر، روز ۲۷ اردیبهشت:

آمدن به سربازی، فشرده شدن در مکتبه مقنضات و پیش آمدن و رفتن زیر و آنچه در جریان است، باعث شده که هر چه بیشتر از درست فکر کردن و درست اندیشیدن دور شوم. بعضی مسائل در فکر من بهم آمخته و گاه نمیتوانم در برابر حوادث و عملکردهای دیگران برخورد درستی داشته باشم در روحيات خود نیز تغییراتی احساس میکنم. گاه خود می آیم و می بینم که برخورد ما با دوستان سرباز غلط بوده است. بر سر مسائل ساده با آنها در افتادن با خود مله برخورد نکردن و... بدون آنکه در نظر بگیریم که موقعیت آنها

نا می ای به حضور آیت الله خمینی! خواهان این میشود که "خون پا سدا روفاشی درهم با سز و" از طرف دیگر وسیله هوادارانش تصمیم به برگزاری مراسم برگزار شد مدین روز شهادت "عبدالله - قزل" میگردد. و او را از افراد خود میخواند. ما میسریم آبا خون یک رزمنده خلق ترکمن چگونه میتوان آبا خون پا سدا را نی که قاتل او هستند درهم آمرد؟ آبا عبدالله قزل را میتوان در زمره کسانی دانست که امروز به دروغ گسی از قاتلین این رزمنده خلق سرخاسته اند؟

کردستان در آستانه قحطی و گرسنگی

کردستان قهرمان همچنان در محاصره اقتصادی شدید از جانب رژیم قرار دارد. رژیم اربال هرگونه پوشاک و خوراک و دارو به شهرهای کردستان جلوگیری میکند. هم اکنون خلق کرد از داشتن غذا و دارو به شدت تریس و جده در مضیقه هستند. برنج کیلوئی ۲۵ تومان، تخم مرغ هر عدد ۴ تومان، نفت بشکه ای ۹۶۰ تومان و یک لنگه آرد ۱۸۰۰ کیلوئی ۶۰۰ تومان. باری همه - جان به خلق کرد و اربال مواد غذایی، داروئی و پوشاک به کردستان به هر طریق ممکن و طیفه تمام نیروهای انقلابی است.

خبری از ترکمن صحرا =

سوء استفاده خانانه سازمان چریکهای (اکثریت) از خون شهدای خلق ترکمن

روزمجمعه ۵۹/۸/۱ به مناسبت مدین روز شهادت رزمنده خلق ترکمن "عبدالله قزل" قرار بوده اربالان سازمان چریکهای فدائشی (اکثریت) مراسم در روستای "خوجه لر" - زادگاه قزل - برپا کنند. قابل پیش بینی بود که روبرو بنیستهای اکثریت چیزی خارج از چهار - چوب قوانین جمهوری اسلامی نخواهند گفت. البته آنها هر چه میخواهند خود را به رژیم با مطلق خدا میر با لیست بچسانند تا بد مقامی بدست آورند. رژیم به آنها توهین میزند، آنها را در مرکز خلق سلاح میکنند و در نقاط دیگر مسئولان و هواداران را دستگیر و زندانی میسازند...

در برگزاری مراسم مدین روز رزمنده شهید "عبدالله قزل" نیز با سدا ران (که فدائیان خونشان را با خون آنها در ما میزند) با جلوگیری از اجرای مراسم بزرگداشت، "برادری" خود را با چریکهای اکثریت نشان دادند. با سدا ران به محل برگزاری مراسم، "برادران" حمله کرده و چند نفر را نیز دستگیر کردند. خائنین به خلق بدون آنکه مقاومتی نکنند، بنا به خواست با سدا ران بر ما بزرگداشت را سپردند. آنها با ردیگرتان دادند که در خدمت به رژیم و در همدستی با با سدا ران، خون شهدای جنت را و شیشه نوکری بی جیره و مواجب خود به رژیم قرار داده اند.

جالب اینکه همزمان با مدین روز شهادت "عبدالله قزل" بدست دشمنان رژیم جمهوری اسلامی، سازمان چریکها (اکثریت) از یک طرف طی

اجتماع کارکنان پالایشگاه پتروشیمی آبادان: آغاز جنبش اعتراضی در مناطق جنگ زده

بویژه ما مجموعه‌های شهرها (نظیر بروجرد) ما مجموعه‌ها و آیت الله دستفیب در شیراز (علیه‌آوارگان جنگ .

ب - پرداخت حقوق شهروندی و مهر
ج - لغو دستوری که غاشبین پس از ۱۵ مهر را معلق تلقی میکند.

تاکنون مقامات شرکت نفت کوچکترین پاسخ مثبتی به کارکنان نداده‌اند. بگفته‌اند آن‌ها در شهر جنگ زده آبادان، قحطی بیداد می‌کنند. آب و برق قطع شده، نان پیدا نمی‌شود و بیمارانه‌ای متوالی به هیچ جنبه‌های اجازه نکان خوردن نمیدهد. جاده‌های خروجی شهر در کنترل مزدوران عراقی است و کسانی که روزهای اخیر شیراز ترک کرده‌اند مشکلات فراوان و حتی پیدا دروهای ۴۰ - ۵۰ کیلومتری توانسته‌اند تا خود را نجات دهند.

این جنگ زدگان برای رسیدن به خواست‌هایشان نمایندگانی انتخاب کردند تا مبارزه‌شان را بطور متشکل به پیش ببرند.

تهران:
۳ - روز شنبه ۱۰ آبان ماه در حدود ۳۰۰ نفر از کارکنان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان گسه توانسته‌اند خود را از مهلکه جنگ نجات دهند برای رسیدگی به وضعیت و تحقق خواسته‌هایشان در جلوی ساختمان مرکزی شرکت نفت اجتماع کرده بودند. مقامات وزارت نفت بجای رسیدگی به خواسته‌های بحق این جنگ زدگان هستی باخته با وقاحت به آن‌ها گفته‌اند که "چرا آمده‌اید" این منطق ارتجاع است؛ حالا که پالایشگاه و کارخانه - ای در کار نیست که شما را اشتغال بدهیم، ما را با شما کاری نیست! اینان با ختم زبرخوردی زنده مسئولین می‌گفتند که: "شما اگرنا را احتیاد به پادارانتان بفرا میدهمین الان ما را بکشند، چون اگر در آبادان می‌ماندیم سرنوشتان همان برگ بود."

خواسته‌های کارکنان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان عبارت بود از:
الف - قطع حملات دستگا‌های تبلیغاتی

بقیه از صفحه ۲ جنگ ...

با حمله‌های متفاوت، تولید وسایع کار را افزایش میدهند.

گزارش زیر یکی از نمونه‌های فراوانی است که موارد فوق را نشان میدهد. این گزارش از کارخانه لایزال تهیه شده است.

به بهانه جنگ و "دفاع از میهن" بریت کار کارگران افزوده شده است. ساعات کار را افزایش داده‌اند.

از پرداخت دستمزد به بهانه اینکه با نکهات پول نمیدهند، خودداری میکنند، و حتی تعدادی از کارگران را اخراج کرده‌اند.

کارگران را در مواقعی که وضعیت فرس است به کار می‌کشاند و از خروج آن‌ها جلوگیری به عمل می‌آورند.

رویزونیستهای فدائی (اکثریت) و دیگر جویان با انحرافی به کمک عوامل رژیم در کارخانه می‌شمارند و جلوی هر اعتراضی را به بهانه اینکه "جنگ است" و "میهن در خطر است" می‌گیرند.

کارگران بخوبی عوارض ناشی از جنگ را حس میکنند، و رفته رفته نارضایتی از جنگ در آنان شدت می‌گیرد.

بقیه از صفحه ۸ افزایش ...

این است که طبقه کارگر و متحدینش را نه تنها از راه حقیقی مبارزه‌شان که همانا راه انقلاب است منحرف سازند، بلکه با تمام توان تلاش نمایند تا بغول لعین آموگزار بزرگ طبقه کارگر، "از این پریشان (ناشی از جنگ) برای پیشبرد انقلاب بهره‌برداری کنند.

بنا بر این "افزایش تولید" در چنین شرایطی چیزی نیست جز تقویت و تحکیم رژیم سرمایه‌داری چیزی نیست جز گردن حین سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها از یک طرف و افزایش فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان از طرف دیگر، و بالاخره افزایش تولید در شرایط کنونی نتیجه‌ای نخواهد داشت جز به تعویق انداختن انقلاب و تقویت ضد انقلاب.

طبقه کارگر که زندگی در فشار و رکود طاقت - فرما می‌گذرد هیچگاه از افزایش شدت کار بخود خود هراس ندارد، اما مسئله اینجاست که آیا این افزایش تولید به نفع چه کسی تمام خواهد شد؟ زمانیکه افزایش تولید در خدمت انقلاب و نفع کارگران و زحمتکشان باشد، و یا زمانیکه کارگران و زحمتکشان قدرت را در دست بگیرند و قدم در راه سوسیالیسم بگذارند، آری در آن زمان خواهد بود که کارگران به منظور پیشبرد انقلاب و تسریع ساختمان سوسیالیسم که راهی انسان راسه - دنبال خواهد داشت، با تمام توان خویش کار خواهند کرد و از تمامی استعدادهای خود - به منظور افزایش تولید استفاده خواهند نمود!

بقیه از صفحه ۳ استفاده از ...

۱- خلق کردار باشد هر چه تمام تر به خاک و خون میکشد
۲- شوراها را منحل میکند.
۳- نمایندگان کارگران و کارگران مبارز را اخراج و زندانی میکند.

۴- مدیران و سرپرستان طاغوتی را به سرکار باز میگرداند.
۵- جهت حفظ منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران، ارتش ضد خلقی را بازاری کس کرده و جناحین کاران شاهنشاهی را سرکار باز میگرداند.
۶- قرارداد های تسلیماتی با امپریالیست‌ها میکند.
۷- سود و بهره را که جزئی از حقوق ماست، لغو میکند.
۸- ساعات کار را از ۴۰ ساعت به ۴۴ ساعت میرساند و ما گوشه‌ای از این اعمال ضد انقلابی را در کارخانه خودمان (تراکتور سازی) بخوبی مشاهده میکنیم:

- میبینیم که توراها ایمان را منحل و نمایندگان منتخب ما را اخراج و زندانی میکنند.
- میبینیم که مدیران و سرپرستان طاغوتی، باز میگردند و باز هم قوانین شاهنشاهی اجرا میشود.
- می‌بینیم که کارگران خط هور - رانتها بجرم اینکه خواهان شورائی اداره کردن قسمت خود می‌باشند، دست جمعی تحویل دادگاه ضد انقلاب اسلامی میدهند.
آری، رژیمی که فوادیون (مدیرعامل سابق کارخانه) را بیگناه تشخیص داده و با

معذرت خواهی آنان را آزاد میکند، با به هم کارگران را بجرم شورا خواستن در دادگاههای ندامتگاهی خود محاکمه کند و این خصلت تمام رژیمهای ارتجاعی و سرمایه‌داری دنیا میباشد.

کارگران مبارز!
دولتهای سرمایه‌داری ایران و عراق، کارگران و زحمتکشان و فرزندان آنها را با ایجاد این جنگ، به جان هم انداخته‌اند تا هر یک به قیمت کشته شدن عده‌ای بیشتر از طبقه زحمتکش و رنج دیده منافع طبقاتی خود را که همانا چپاول و غارت بیشتر زحمتکشان است، برآورده سازند. ولی کارگران باید این شعور جنگی را که تنها، منافع سرمایه‌داران و امیر - بالیستها در آن نهفته است، محکوم ... نمایند. کارگران فقط باید در جنگی شرکت کنند که عادلانه باشد، یعنی جنگی که برای از بین بردن ستم و استثمار و برای برقراری حکومت انقلابی باشد و ما تنها چنین جنگی را با برحق و قابل دفاع میدانیم و جنگ ایران و عراق را، که جنگی ارتجاعی و ستم‌ساز سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها، به خصوص امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی میباشد، به همراه تمام زحمتکشان ایران و عراق محکوم ... میکنیم.

عده‌ای از کارگران مبارز تراکتور سازی وابسته به سازمان پیکار در آزادی طبقه کارگر

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

- قسمت دوم -

۲- راه کارگر چگونه طبقه کارگر را به سازش دعوت میکند؟

در شماره قبل گفتیم که چگونه سرمایه داران ورژیم به بهانه جنگ ارتجاعی که برآه انداخته - اند، در مددند که فشار را با زهم بیشتر برگردانند. کارگران و زحمتکشان منتقل کنند و لذا افزایش کار و تولید را تبلیغ میکنند. همچنین گفتیم که رویزیونیستها (این خائنین به طبقه کارگر) چگونه همدا با بورژوازی همین شعار را تکرار میکنند و در این رابطه "افزایش کار و تولید" از دیدگاه رویزیونیستهای "اکثریت" را بررسی کردیم.

اما این فقط رویزیونیستها نیستند که به کارگران "ره نمود" (ره نمودی که در واقع کارگر - ان را به چاه بورژوازی هدایت میکند!)، "افزایش تولید" را میدهند، رفقای "راه کارگر" نیز (هر چند خولانه!) همین "ره نمود" را به کارگر - ان ارائه میکنند، رفقا میگویند: "افزایش تولید ضروری است" (راه کارگر ۵ صفحه ۹) و حتی آنچنان پیش میروند که "۱۲ ساعت کار" کارگران در قبال دریافت "۸ ساعت حقوق"، یعنی ۴ ساعت سگاری کارگران را، تا بشود و شوق کرده و آنرا "فداکاری قابل ستایش" (۱) میخوانند (همانجا) (باید از راه کارگر "شوال" کرده که به راستی حاصل این بیگاری عاید چه کسانی می - شود و "فداکاری قابل ستایش" برای کیست؟! ما "راه کارگر" که گویا حدس زده است باید جواب این سئوالات را بدهد، به شرط و شروط ترائی می - برد از دو میا فزاید: "افزایش تولیدی که بدین ترتیب بدست میاید با بدست آوردن شورای کارگران و مستقیماً توسط خود او به مناطق جنگ زده فرستاده شود این محمول به هیچ وجه نباید و از آزاد گردد." (همانجا) فرض کنیم تحلیل "راه کارگر" از جنگ ارتجاعی کنونی درست بوده و فرض کنیم که جنگ عادلانه است (که نیست)، در این صورت مگر امکان پذیر است که تولید اضافی کارگران را آنطوری که راه کارگر میگوید به مناطق جنگ زده منتقل کرد؟ در صورتیکه میدانیم: اولاً بسیاری از شوراهای کارخانجات آلت دست کارفرما و ورژیم هستند، ثانیاً در کارخانجاتی هم که شوراهای واقعی کارگری وجود دارد، چه تضمینی وجود دارد که محصولات اضافی تولید شده حتماً به مناطق جنگ زده میرود و کارفرما و دولت هرکاری که بخواهند با آن نمیتوانند بکنند؟ و اصولاً مگر تمامی محصولات کارخانجات بدرد مردم مناطق جنگ زده میخورد؟ ...

اگرچه اساس تفکر راه کارگر در مورد "افزایش تولید" تا درست و انحرافی است ولی مطالب

"افزایش تولید" در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار!

حاکم، میکوشند تا کارگران و زحمتکشان را به دفاع از منافع سرمایه داران وادارند. نگاه، رفقای "راه کارگر" با همداشی با آنان، عملاً به تقویت مقوف غذا انقلاب و انحراف مبارزات کارگران می پردازند.

اما ببینیم منظور "راه کارگر" از مفهوم جنگ میهنی "که میخواد برای کارگران آنرا "روشن" نماید چیست: "راه کارگر" صراحتاً فرمان توقف مبارزه طبقاتی و نبرد توقف نا پذیر طبقه کارگر با سرمایه داران را صادر میکند و بالاتر از آن صحبت از "همکاری" سرمایه داران با کارگران میکند! رفقا می نویسند: "هر کذا ما ز آنها - (سرمایه داران) (خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند، اقدا می سر علیه آنها (از جانب کارگران) صورت نخواهد گرفت." (تاکید ها و پراکنده از ماست - همانجا) و با باز هم واضح تر میگویند: "سرمایه داران و مدیران را قبل از اینکه عملی برخلاف منافع خلق، یعنی اختلال در مقاومت مدتها و انجام ندادند، نباید از خود دارند." (تاکید از ماست - همانجا صفحه ۱۰) برآستی این رفقا چه میگویند؟ مگر و احتراماً از این میتوان آشنایی طبقاتی را تبلیغ کرد؟! رفقا آشکارا (و ناشیانه - ترا) رویزیونیستها حکم سازش بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار را میدهند! رفقا که ادعای پیروی از آرمان طبقه کارگر دارند، چگونه است که این چنین به نقض اصول اساسی آن پرداخته و سازش طبقاتی را آشکارا تبلیغ میکنند؟ رفقا دفاع از ارتجاع داخلی (ورژیم) را در مقابل نیروی "تجاوزگر" که گویا "ارتجاعی تر" است، تجویز میکنند! و این چیزی نیست جز به فراموشی سپردن مبارزه طبقاتی و فرمان "تعطیل" آنرا دادن! در صورتیکه طبقه کارگر در راه رسیدن به اهداف انقلابی، راه پرپیچ و خم و دشواری را پیش رود و در که همواره تحت هر شرایط، مستقیم و غیر - مستقیم، با سرمایه داران، نبردی حادث و سنگینی نا پذیر دارد. کارگران هیچگاه و حتی از "رانده شدن" بورژوازی نداشته و اتفاقاً میخواستند برای همیشه این طبقه استثمارگر را از روی زمین "براند"!

فقط کسانی که سودای سازش طبقاتی دارند از "راندن" بورژوازی می هراسند. در شرایط کنونی که جنگی نا عادلانه و سوله رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق برخلافی دو کشور تحمیل گشته است، وظیفه کمونیستها و انقلابیون راستین

فوق را از آن جهت گفتیم که نشان دهنده تا چه حد با به استدلال این رفقا است و آنهم استدلالی که برای "سودگی وجدان" و در واقع توجیه - نظرات در مورد "لزوم افزایش تولید"، میا و رند که در نتیجه آنها را تا حدیک "انجمن خیریه" که برای مردم جنگ زده کمک جمع آوری میکنند، "نیز" میبدهد. "راه کارگر" اگر چه برای "افزایش تولید" شرط و شروطی میگذارد، اما با مشاهده بی - با یکی این شروط، چیزی جز سب - رویزیونیستهای "اکثریت" در باره "افزایش تولید"، باقی نمی ماند. و این خود اشکالی از گرایش رویزیونیستی "راه کارگر" است که عملاً کارگران را در مقابل سرمایه داران خلع سلاح میکند و سازش طبقاتی را تبلیغ مینماید (۳) شعار راه کارگر یک شعار سرمایه راییزیونیستی است. "راه کارگر" خود اعتراف میکند که جنگ کنونی در شرایطی "مورت میگرد که بی اعتمادی زیادی به حاکمیت فعلی وجود دارد. نمونه های زیادی وجود دارد که ثابت میکند حتی عقب مانده - ترین کارگران با جان و دل در راه "میهن سرمایه داران" مبارزه نخواهند کرد." (همانجا) ولی بدنبال آن می افزاید: "... به همین - دلیل مفهوم جنگ میهنی (بخوان جنگ ارتجاعی - بیگار) برای آنها باید روشن گردد. - آری کارگران و زحمتکشان میهنمان رویزیونیست - به ما هیت ورژیم جمهوری اسلامی بی می برسد. آنها با راه و بارها دیده اند که چگونه جنگ مدر - گیری با سرمایه داران و مطالبه خواستهای به حقشان از آنها، همواره این پاسداران ورژیم بوده اند که به دفاع از سرمایه دار برخاسته اند و مبارزات کارگران را سرکوب نموده اند. بنا - براین طبیعی است که کارگران به آسانی فریب تبلیغات سرمایه داران ورژیم حاکمیتان را نخواهند خورد و به دفاع از "میهن سرمایه داران" برخوانند خاست. به همین دلیل است که سرمایه داران و رویزیونیستهای خائنین با انواع و اقسام حمله ها، از قبیل "سو" استفاده از احساسات و وطن پرستانه توده ها و تظهِر ورژیم

(۳) - لازم به تذکر است که ما رفقای "راه کارگر" را همواره از رویزیونیستهای "اکثریت" تمیذانیم این رفقا جزو بخش نا پیگیر جنبش کمونیستی هستند. در صورتیکه رویزیونیستها خائنین طبقه کارگرند.

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

مجاهدین خلق و جنگ بیانیه مجاهدین در رابطه با تجاوز عراق: بازهم تزلزل در مقابل انقلاب

این که تحت هیچ عنوان (منجمله صدور مکانیکی انقلاب) قمع تحریک و دخالت در امور داخلی دیگران را ندارد و... بیانه بدست عراق ندهد؟" (بیانیه مجاهدین...)

از شیوه برخورد لیبرالی مجاهدین که نه تنها در حملات بالا، بلکه اصولاً جرئی از شیوه برخوردشان نسبت به مسائل انقلاب است فعلاً میگردیم و بجای دیگری موقوف میگردیم فقط نشان میدهم که گرچه مجاهدین بخشی از حقیقت را دریافته اند ولی بخشهای اساسی آن را انکار کرده و بدین ترتیب موفق به اتخاذ تاکتیکی صحیح و انقلابی در رابطه با مسئله جنگ نشده و بالاخره تزلزل ذاتی خود را بار دیگر عیان ساخته اند.

حقایق که مجاهدین توانسته اند انکار کنند؟
مجاهدین خلق برای این واقعیت آشکار که جنگ کنونی، جنگی غیر عادلانه میان دودولست ارتجاعی است برده میگویند، آنها تحت عنوان "دفع تجاوز و دفاع از مسکن و مردم" توده ها را به شرکت در این جنگ ارتجاعی فرا میخوانند، تا گوشت دم توپ سرما به دایران دوشویشند. (برای شناخت بیشتر نسبت به موضع ما در مقابل سوسیال شوینستها و دفاع طلبان به ضما تم بیگسار و بیگارتشوریک شماره ۱۰ رجوع کنید).

تزلزل مجاهدین هنگامی بیش از پیش آشکار میشود که آنها در مقابل واقعیات موجود به مدونینگی کوشی می افتند:

"... ولی جنگی مدد در مقابل پذیرش و استقبال است که جنگی انقلابی بوده و نتایج آن بر علیه شیطان بزرگ امپریالیسم خونخوار و فرزندانش شروع آن صهیونیسم جنایتکار و به نفع خلقهای تحت ستم تمام شود، جنگی که دیگر و افکار اجتناب ناپذیر و در جهت برانداختن مطلق جنگ و بیروزی و استقرار صلح جهانی باشد، اما آری ما میتوان گفت که جنگ ایران و عراق به نفع خلقهای ایران و عراق و نه به سود امپریالیسم و صهیونیسم تمام میشود؟! البته واضح است که دفاع عادلانه در برابر تجاوز و زلطمه - طلبانه از موضع انقلابی کاملاً قابل قبول و ناشدگرددنی است." (بیانیه مجاهدین...)

مجاهدین به ساق سابقان از سرخوردن صریح با مسائل احسان کرده و هنگامی که با مسئله اصلی جنگ روبرو میشوند یعنی آما اس

مجاهدین بدروستی معتقدند که این جنگ در ارتباط با دولتهای ایران و عراق تحقق یافته و در این راه از آن کمونیستهای که دم از "انقلاب مغلوب" و "توطئه امپریالیسم آمریکا" برای سرکشی رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب انقلاب میزنند، بشروشنند، آنها بدروستی معتقدند که امپریالیسم آمریکا نه خواهرسان سرکشی رژیم بلکه، خواهان رام با ختن آن است آنها ضمن آنکه توسعه طلبی و شوینسم رژیم عراق را با جمله میگردانند (۲) رژیم ایران را نیز تا حدی مقصود برافروختن جنگ میدانند:

"جنگی که بر اساس پاره های اختلافها و تضادهای در دادا میگردی تحریکات و سرخوردنهای موضعی و مقطعی اینک ایستادگستردن و بی - آمد های خطرناک به خود گرفته است، نفس جنگ و آریایی این مسئله که این جنگ تا چه حد اجتناب ناپذیر یا قابل اجتناب بود فعلاً مسئله میرماند و از آن میگردیم، (چرا؟ بیگار) اگرچه این سوال بجای خود باقی است که آیا اختلافات ایران و عراق نمیتوانست در مسیر برخورد های دیگری از سوی طرفین و یا بهرهاز تحریکات متقابل و رعایت اصول مسلم عرف و قوانین بین المللی به سرانجامی جز جنگ منتهی شود؟ و به خصوص جدایا بد سوال نمود که آیا ایران نمیتوانست از همان ابتدا با اتخاذ ساسی انقلابی و هوشیارانه و با اعلام

(۲) - تا س با رایج است که مجاهدین به تنها نسبت به جمهوری اسلامی دچار توهم اند، بلکه نسبت به دولت عراق نیز دچار توهم هستند، آنها طرفیت مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم برای رژیم خلقی عراق قائلند و در هیچ کجا این رژیم را ارتجاعی نخواهند اند، در بیانیه خود مجاهدین میگویند:

"... و با یکا را ندا حتن و تحلیل بردن قدرت نظامی عراق در جنگ علیه ایران (بجای یکا گرفتن آن علیه اسرائیل) ... بدین ترتیب مجاهدین بر قوای نظامی عراق دل میبوزانند و از اینکه این قوا به اسرائیل فرساده نشده اند اظهار تاسف میکنند، اما از مجاهدین می پرسیم مگر عراق یک دولت انقلابی است که از آن انتظار داریم به خلق فلسطین با اسرائیل بجنگد، آیا این شیوه برخورد یک رژیم ارتجاعی، لیبرالی نیست؟

سیاست مجاهدین در مقابل جنگ دقیقاً ادامه همان سیاست کجدار و مریز پیش از آنها در مقابل انقلاب است.

مجاهدین تا کنون تزلزلات فراوانی از خود در مقابل انقلاب نشان داده و در آنجا که شرکت فعال در مقابل مبارزات طبقاتی توده ها را طلب میکرد، میدان را خالی کرده اند، آنها نه تنها در جنبش مقاومت مسلحانه خلق کشور شرکت نکرده، بلکه حتی در پیشمیانهای آن نیز کوناهای ورزیده اند، آنها بجای سوق دادن مبارزات توده ها بر علیه رژیم سرکوبگر کسم کوشیده اند در بسیاری مواقع رفر میسم و اصلاح طلبی را تبلیغ کنند و بجای افشای حاکمیت ارتجاعی، بصورت اندرز و گویخواه رژیم درآمده و در حقیقت توده ها را نسبت به ماهیت رژیم بیشتر دچار توهم کرده اند، مجاهدین علیرغم حتی سرکوب و شکنجه و تیرباران اعضا و هواداران خودشان و جدت توده ها را با دشمنان نشان (یعنی جمهوری اسلامی) تبلیغ میکرده اند، به قانئون سرما به داران تن داده و کوشیده اند فعلاً اینها ی خود را در چهار رجوب مورد قبول ارتجاع محدود نگه دارند، در بسیاری مواقع دفاع از یک جناح ارتجاعی هیات حاکمه (لیبرالها) در مقابل جناح ارتجاعی دیگر ساخته اند، هر جا که مبارزات کارگران و زمینگان اوج گرفته است دودلی، تزلزل و تردید از خود نشان داده اند، بجای حرکت از منافع جنبش از منافع حقیر گروهی خود حرکت کرده و هر چند که باز هم سرکوب و کشتار شده اند اما باز هم از تمکین در مقابل سرما به داران چشم نبیوشیده اند... سیاست مجاهدین در مقابل جنگ نیز ادامه تزلزل در مقابل دشمنان توده ها ناپیگیری در دفاع از انقلاب و حرکت کردن از منافع خود و نه منافع جنبش میباشد.

بیان بخشی از حقایق و انکار بخش دیگر حقیقت

تحلیل مجاهدین در ارتباط با جنگ، گرچه در خدمت بورژوازی حاکم بر مین ما در مایند، اما بهر حال حاوی بخشی از حقایق نرسهست، حقایق که نه تنها رویز و نیستهای خاص، بلکه نیروهای کمونیستی ناپیگرجون راه کارگر و رزمندگان نرسه نفی آن برداخته و خاک در چشم توده های می پاشند. (۱).

(۱) - مجاهدین در مورد جنگ از جنبه های دیگری نیز بر نیروهای ناپیگرجون کمونیستی چون راه کارگر راجحان دارند، راه کارگر طبقه کارگر ایران را دعوت میکند تا به قیمت استعمار بیشتر سود بورژوازی تولید کند، در حالیکه بازوی انقلاب تشریه کارگری مجاهدین اخبار اعتماد کارگران بر علیه ساعات کار اضافی را چاپ میکند!

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

محبوب نمیشوند؟! از دیدگاه انقلابیون ادعاهای طرفین در جنگ اهمیتی ندارد، شروع کننده جنگ نیز چه کسی بوده است، مهم نیست، مهم مسافع خلقهای دو کشور است، و این همان چیزی است که مجاهدین آن را از نظر دور داشته اند.

جسمداشت از بورژوازی (محافظة کاری در برابر ارتجاع)

سازمان مجاهدین سنا به آن پاسخ

*** ما از مجاهدین سوال میکنیم، اگر این جنگ قوای دو کشور را تحلیل برده و بسودا میرالیم و صهیونیسم است و برخلاف منافع خلقهای دو کشور، چرا در آن شرکت میکنند؟ معیار مجاهدین برای عادلانه بودن یک جنگ چیست؟ آیا از دیدگاه مجاهدین اگر یک جنگ برخلاف منافع خلقها باشد، باز هم عادلانه است؟ اگر یک جنگ تنها بسودا میرالیم و صهیونیسم باشد، باز هم عادلانه است؟ اگر آنطور که خود مجاهدین ذکر میکنند این جنگ تودمار از صحنه اصلی نبرد با صهیونیسم و امپریالیسم دور میکند، آیا باز هم میتوان آنرا جنگی انقلابی دانست؟**

طبقاتی، نگاملا از بورژوازی قطع امید نکرده است. تزلزل خرده بورژوازی ناشی از آن وجه اشتراکی است که در ارتباط با مالکیت خصوصی با بورژوازی دارد. اقتارمبانی و پاشینی خرده بورژوازی که در همین ماجرا از سوی ارتجاع و امپریالیسم موقوف انقلاب رانده میشوند، هنوزنگاهی به دستهای بورژوازی دارند و انتظار ملاطفت و رحمی!

مجاهدین که در طی این ۲۰ ماه، همواره در کنار دیگر نیروهای انقلابی موردتهاجم قرار گرفته اند، هنوز هم معتقدند که باید سرکوبگران خلقهای ایران و جلادان زحمتکشان، کمونیستها و مجاهدین بر سر لطف بیایند، هر بار که مجاهدین قهرمانی توسط ارتجاع بخون کشیده میشود، مجاهدین ملتسمانه از قاتلان آنها تقاضای شفاعت میکنند، آنها هر بار که موردتهاجم قرار میگیرند، شروع به نامه پراکنی برای دادستان کل و رئیس مجلس و فلان وزیر و رئیس جمهور میکنند و غافل از اینست که سرکوب و کشتار را به کمک می طلبند، آنان گذشته از اینکه توده ها را می فریبند تا غافل از اینست که سرکوب را نشناخته و در رژیم حاکم را دوست و "شفیع" خود حساب آورند، تزلزل خود را در مقابل ارتجاع نیز آشکار کرده، نشان میدهند که نمیخواهند به یک خط کشی انقلابی با دشمنان توده ها دست بزنند و خود را هنوز به مراحم ارتجاع دلگرم میدانند. آنان بخاطر همین تزلزل و محافظه کاری در مقابل ارتجاع است که بارها از دفاع از انقلاب چشم پوشیده اند، قارنا و قلاتان سوخته میشود، کردستان قهرمان بمباران میشود، سنجج حوس، بکما، نماز بر آتش خیمه را در آتش و خون مسورد، دلوران کمونیست در سارمیهن بخاطر عی بدرحمتکشان به خون کشیده میشوند، اما اس ساران ساسگر، کشتگان هم نمی گذریم به داسکاه حمله میکنند و دانشجویان انقلابی را کشتار میکنند، اما مجاهدین فرار را برقرار

مسافع خلقهای دو کشور است شرکت کرد؟ مجاهدین در اینجا از حرکت از مصالح انقلاب چشم پوشیده، بحای عزیمت از منافع خلقهای دو کشور مسئله دفع تجاوز و دفاع از زمین را پیش میکنند و این پاسخ دیرینه و کهنال همه گمانی است که به چشم توده ها خاک می پاشند و بیاری سرمایه داران می شنایند:

"دشمن به میهن من تجاوز کرده و ما باید از میهن خود دفاع کنیم".

چه طبقاتی این جنگها را رهبری میکنند؟ نیست، چه ساستی در این جنگها دنبال میشود؟ مهم نیست، اینکه این جنگها بر علیه خلقهای کشورهای درگیر در جنگ و بسودا میرالیم و ارتجاع است، مهم نیست، مهم آن روحیه صهیونیسم بورژوازی است که خرده بورژوازی را بدین حال خویش میکند و منافع ارتجاع حاکم میکند بر ساستی معیار مجاهدین چیست؟ دفاع از منافع خلقها! پس چرا شرکت در جنگی بر علیه خلقهای دو کشور را تبلیغ میکنند؟ شرکت در جنگ از دیدگاه روبرو نیستیهای خائنی که جمهوری اسلامی را در خطر دیده و برای حفظ این رژیم، خون پاشا و فدا شای (اکثریت) را در هم می آمیزند، سیستم ستره و مشخص است:

"بورژوازی حاکم در خطر است، بیاریمش بشناسیم و چون" ارتجاع حاکم" انقلابی است. دفاع از آن سافع خلقهای دو کشور است". اما مجاهدین که معتقدند این جنگ بسودا خلقهای دو کشور نیست، چگونه شرکت خود را در آن توجیه میکنند، تنها اینکه عراق تجاوز کرده است؟! اینکه معیاری انقلابی نیست، پس حرکت از منافع خلقها چه میشود، گذشته از آن مگر هواپیماهای ایرانی به کشورهای تجاوز نکرده است. مگر همچنانکه ارتش ضد خلقی عراق، خلقهای ایران را کشتار میکند، ارتش ایران و سیمبازان-های مناطق مسکونی و اقتصادی عراق و کشتار و فلات برای زحمتکشان عراق به ارمغان ما آورد؟ شاید مجاهدین بگویند عراق اول حمله کرد، این پاسخی است عوامفریبانه، چرا که نقطه عزیمت خود را به منافع خلقهای دو کشور و نه بر طبقات حاکم بر این کشورها و نه بر ساستهای آنان قرار میدهد، هم دولت عراق و هم دولت ایران یکدیگر را به شروع تجاوز متهم میکنند، رژیم مدخلی عراق علت شروع جنگ را "صدور انقلاب اسلامی"، حمایت از نیروهای چو حزب - الدعوه و دخالت در امور داخلی عراق عنوان کرده است. آیا اینها از دیدگاه مجاهدین تجاوز

جنگ بسودا خلقهای ایران و عراق تمام میشود، یا نه، پس از مقدمه چینی هایی که بدستی این مفهوم را میرساند که این جنگ بسودا خلقهای دو کشور نیست، ناگهان پاسخی متفادیا آنهاهمه مقدمه چینی میدهند، آنها کرچه درحای دیگر از همان بیاسنه تلویحاً جنگ را بر علیه خلقهای دو کشور اعلام کرده اند:

"(جنگ ایران و عراق) امکانات و مقدرات مختلف دو کشور را هر چه بیشتر تحلیل برده و موجب نادمانی هوجه بیشتر صهیونیسم و امپریالیسم جهان بخوار آمریکا گردد." (بیاسنه ...)

اما در نقل قول بالاتر می بینیم بحای پاسخ مریح به سوالان، گوئی که از این همه "حسارت" خود را به بورژوازی حاکم ترسیده باشند و از این سوال "مذموم و کفرآلود" به خود آمده سبکراه پاسخی میدهند که نه ارتباطی با مقدمه - چینی های پیشین ایشان دارد و نه با مصالح انقلاب ایران!

ما از مجاهدین سوال میکنیم، اگر این جنگ قوای دو کشور را تحلیل برده و بسودا میرالیم و صهیونیسم است و برخلاف منافع خلقهای دو کشور، چرا در آن شرکت میکنند؟

معیار مجاهدین برای عادلانه بودن یک جنگ چیست؟ آیا از دیدگاه مجاهدین اگر یک جنگ برخلاف منافع خلقها باشد، باز هم عادلانه است؟ اگر یک جنگ تنها بسودا میرالیم و صهیونیسم باشد، باز هم عادلانه است؟ اگر آنطور که خود مجاهدین ذکر میکنند این جنگ توده ها را از صحنه اصلی نبرد با صهیونیسم و امپریالیسم دور میکند، آیا باز هم میتوان آن را جنگی انقلابی دانست؟ تراژدی تحلیلهای مجاهدین و تزلزل ذاتی آنان در مقابل انقلاب در همین جا نهفته است، آنان متعلق به اقتاری از حاکم معما هستند که کرچه بر سر لطف امپریالیسم قرار دارند، اما بیعت با ی سندیون به مالکیت کوچک و اسائل تولیدشان از یکسو محکوم به ماندن در ضد انقلابند و از سوی دیگر از سر دفاع بسا بورژوازی و ارتجاع نیز تزلزل میورزند، مالکیت خصوصی زنجیرگرانی برای خرده بورژوازی است (۲) و چنین است که از قاطعت تحلیلهای آنها جلوه گرفته، نظراتی دودلانه و مردود و متزلزلانه را به پیش میاورد، "با وجودیکه چنین است و لسی آنچنان نیز هست"، "علیرغم این مسئله، باید بدستال آن مسئله افتاد و ..."، "علیرغم اینکه این جنگ بسودا خلقهای دو کشور نیست، ولی، اما ... خوب ... البته با بدتر آن شرکت کرد"، "چرا با بستی در جنگی که بسودا میرالیم و برخلاف

(۲) ما در اینجا بشوید بر خورده بورژوازی مجاهدین نیست به جنگ، انقلاب و مالکیت را با زگو کرده ایم، بشوید بر خورده بورژوازی مجاهدین نیست به مالکیت خصوصی خود مغول و جدا گانه ای است که با بستی با آن مستقلاً بر خورده کرد.

ارزش بسیار بیشتری از مبارزان کردستان و با کشته شدن هزاران نفر در جنگ غیر عادلانه کنونی و فلاکت و آوارگی شده ها دار دو اینهم جدا از یکاه طبقاتی مجاهدین نیست (۴).
خرده بورژوازی نازمانی که مالکیت خصوصی حقیرش در خطر قرار گرفته است، به جهنم که کارگران کشته و سرکوب میشوند! اما وقتی فشار سرما به بقا و راهم گرفت، آن موقع داداش

کمتران حاکم بریم، چرا همه قدرت را برای خود برداشته اند و... مجاهدین باید بدانند منافق طبقاتی رژیم با منافق آنان بطور عمده در تضاد است و بدین ترتیب اتحاد نیروهای ما نیستند. مجاهدین با رژیم کنونی امری سعید است (مگر آنکه مجاهدین از منافع انقلاب صرف نظر نکنند) دعوت به اتحاد با رژیم کنونی چیزی جز فراموش کردن مصالح انقلاب ایران نیست.

*** مجاهدین خلق برای واقعیت آشکار که جنگ کنونی جنگی غیر عادلانه میان دود و لست ارتجاعی است برده میکنند. آنها تحت عنوان "دفع تجاوز و دفاع از زمین و مردم" توده ها را به شرکت در این جنگ ارتجاعی فرا میخوانند تا گوشت دم توپ سرما به داران د و کشور شوند.**
*** آنها در مقابل بسیاری از مسائل انقلاب سکوت میکنند، اما حمله به خود را مجاز نمیدانند. انگار فلان حرف فلان مرتجع در مورد مجاهدین ارزش بسیار بیشتری از مبارزان کردستان و با کشته شدن هزاران نفر در جنگ غیر عادلانه کنونی و فلاکت و آوارگی توده ها دارد و اینهم جدا از یکاه طبقاتی مجاهدین نیست.**

درمیان برای مجاهدین هم جنایات رژیم است و روسکوب توده ها در کارخانه ها، مزارع، کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه... مهم نیست. کافی است رژیم حرفی به ما مجاهدین بزند و مثلاً بگوید ما هدین در جنگ نمیتواند تا دهها ضمیمه و اعلامیه بپخش شود. مجاهدین دفاع از خود را بر دفاع از زمینکشان و انقلاب رجحان میدهند، اما نظریه خرده بورژوازی خود را ما و را طبقات و محور عالم وجود میبندد.

مجاهدین باید بدانند که راه انقلاب نه از نامه پراکنی برای مرتجعین و نه ریختن خاک در چشم توده ها برای ندیدن ماهیت رژیم (۵) بلکه از دفاع از منافع زمینکشان افشای ارتجاع و مقابله با بورژوازی حاکم میگردد. حتی اگر مجاهدین هم نخواهند، واقعیت خشن مبارزه طبقاتی آنان را با همه تزلزلات و سازشکاریها نشان ماما میکشد. بخوانند در صف انقلاب بمانند، به دیدن ایس حقایق وادار خواهد کرد.

(۴) - اعتقاد به توده ما رزده در راه حق نیست. تشکیلات انقلابی و دفاع از خود را هنگام پیشرفت ارتجاع و افشاکری در این زمینه را در نمیکنیم اما دفاع از تشکیلات انقلابی جزئی کوچک از مبارزات ما را در جهت افشا و مقابله با ارتجاع تشکیل میدهد. انگار ای اصلی مجاهدین در اینجا است که آنان پیش ویش از آنکه به مسائل اساسی انقلاب ایران توجه داشته و دفاع از زمینکشان و انقلاب بپردازند، به مسائل از زاویه دید تشکیلات خود نگاه میکنند و نسبت به جنبش کارگران، دهقانان، زمینکشان، خلقها، نیروهای کمونیست که در مورد بورژوازی ارتجاع و امیرالینم قرار میگیرند، بسیاری مواقع ساکت می نشینند، مگر آنکه در یک مورد، خود آنان نیز مورد هجوم واقع شده باشند، آنان خود را ما و را منافع انقلاب قرار میدهند.

(۵) - چه با ما هدین، عدم افشای ارتجاع و دفاع قاطع از انقلاب و حمایت بخشهایی از ارتجاع

ثالثاً، حرکت از خود و دنباله روی از توده ها برای فریب آنان

کشته از محتوای بیانشه که تزلزل در مقابل انقلاب را بخوبی نشان میدهد، شیو، برخورد مجاهدین نسبت به جنگ نیز، مانند همیشه شیوای عوامفریبانه، مظلوم نمایی به و دفاع از خود بجای دفاع از منافع جنبش است.

مجاهدین که در مقابل توده ها نیستند به آیت الله خمینی و رژیم جمهوری اسلامی، بسیاری مواقع به دنبال توده ها افتاده اند، تا با نا شدن نظرات عقب مانده بخشی از توده ها، آنان را بسوی خود جلب کنند. در مورد جنگ نیز به دنبال روحیه "دفاع طلبی" توده ها که بر اثر فعالیت آگاه کارگران انقلابی میتوان آن را ضرورتاً اعتقاد دانست، آنان برای جذب توده ها از طریق عوامفریبانه، شروع به مظلوم نمایی کرده و در قوی الباده هم آنان مجاهد فریبنا بر ما و رید که "ما در جنگ شرکت داریم، میخورد به ما تهمت عدم شرکت بزنند، آنها بجای افشای کثرت جنایات رژیم ایران و عراق، فلاکت و بدبختی توده ها، وضعیت آوارگان و دفاع از کشورش انقلاب بر علیه رژیمهای حاکم و... سخفات بسیاری را غلط به این اختصاص داده اند که ده ها وادار در فلانجا، یا ده ها وادار در جای دیگر به سپاه پاسداران برای گرفتن ایلحه رجوع کردند، اما با سخ و دشمنی و بورژوازی دست زد بدسته این زمان متزلزل جمهوری اسلامی و سپر واداران متزلزل انقلاب زده این شیوه همیشگی مجاهدین است، آنها در مقابل جنایات رژیم در مورد کارگران، زمینکشان و خلقها سکوت میکنند، اما وای بروزی که حرفی در مورد مجاهدین زده شود، دهها ضمیمه و اعلامیه و مدها میلشای مجاهدین آماده اند بمقاومت و در پشت بگرفت و ثابت کنند که رجوی سا و اکی نبوده است آنها در مقابل بسیاری از مسائل انقلاب سکوت میکنند، اما حمله به خود را مجاز نمیدانند. انگار فلان حرف فلان مرتجع در مورد مجاهدین

ترجیح میدهد و همواره در طی این مدت دوباره به نامه نگاری برای حضرات جلاد خلقهای ایران مشغول میشود و چشم به بالا سدوزندویه تنگنای دوران ارتجاع امیدوار شده، به دفاع از بخشی از ارتجاع (اسرائیلیها) در مقابل بخش دیگری بپردازد و... شماره های "مجاهدین" بنگرید، برای استغاثه و استخراج از حاکمان در قدرت است و نیز سکوت در مقابل اکثر جنایات رژیم بر علیه کمونیستها، کارگران، زمینکشان و خلقهای قهرمان ایران. آنان در مورد مسئله جنگ بسیار دیگر به سیاست استفاده و اسیر حمله پساه برده و مانند صاحبی خبرخواه منافع رژیم جمهوری اسلامی را به آنان با آ ورمیوسدو میکشند:

"بدیهی است که مسئولین حکومتی نمی توانند بیایست با پرهیز از هر نوع تنگ نظری و انحمارطلبی و خاشنه دادن به تمام تفرقه های درونی، زمینه شرکت فعال کلسه نیروهای مردمی را در یک بقا و ست همه - جانشه علیه تجاوز و عراق و دفاع از زمینکشان و مردم قرار بدهند که در دفاع از منافع سیاسی ارغی کشور و بقا و ست در برابر تحسار و سلطه طلبانه خارجی امری است که حسن مشروع تمام اقا و مردم ایران است و هرگز نباید در خدمت قدرت طلبی محافل رجحان - های خاص قرار بگیرد که متاسفانه تاکنون قدم مثبتی در این زمینه برداشته نشده است" (بیانیه مجاهدین نقل ارفوق العباد مجاهدین آنان).

ماهیت ارتجاعی رژیم چیست؟ یا رژیم سرکوبگر بورژوازی حاکم یا امپرواندرمینه اتحاد مردم را ایجاد کند؟ یا رژیمی که خود مردمی نیست میتواند در راه مردم مبارزه کند؟ مجاهدین به این سئوالات کاری ندارند. آنها بسیاری مواقع به رنگ آمیزی هیات حاکمه برداشته اند و این را با و نشان نیست. در همان هنگام که هواداران نشان توپ پاسداران اسیر شده و با به ثبات میرسدند، مجاهدین چریکهای نیم وقت خود (میلیشیا) را تمام وقت در خدمت پاسداران قرار داده و به جنایات این ارگان صدمه می دست میرا و گفتند، امروز سبب مجاهدین به همه توده های هوادار خود فرمان میدهند که در ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی بدون آرم و مشخصات و حرکت از موضع مستقل به جنگ بپردازند و تنها خواهشان این است که دست آرومند مجاهدین برای باری و باری به رژیم جمهوری اسلامی رد بگردد! چه باک اگر حتی در همین دوران اعلامیه های مجاهدین نیز ممنوع اعلام میگردد! مجاهدین در ارتباط با مسئله جنگ نیز فقط دادشان از انحمارطلبی بلند است:

حاکمین در قدرت (حزب جمهوری اسلامی) اینقدر انحمارطلب نباشید، صندلی قدرت که خیلی بزرگ است، کمی آنطرف تر بنشینند، ما هم

در شهری که ضد انقلاب حکومت می کند قطب زاده مبارز کهنه کار از آب درمی آید!

رسمی بعمل آورند و ارباب عنوان یک مبارز
شرشاس ایرانی به محافل امپریالیستی معرفی
نمودند؟ آیا فکر میکردند برای چنین روزهای
بدرشان میخورد؟ همینجا نیست به رویزبونیت
- های حزب توده اشاره کنیم که در همان کنفرانس
همراه با آقای قطب زاده "هیات نما بندگی
ایران" را تشکیل میدادند و آرزوی دمکراسی
سلطنتی شاه را می نمودند.

مردم ما می پرسند تماس نزدیک آقای
قطب زاده و یزدی با پروفیسور خاگیا را ما مور
سیا که در لیبس محقق اسلامی و مترجم آثار سیمتی
به ایران آمد و با "ما" همصاحب کرد گفت که
دارد کتابی در شرح احوال آیت الله خمینی
می نویسد برای چه بوده است؟ (رجوع کنید به
پیکار ۴۱ مورخه ۱۵ بهمن ۵۸).

قطب زاده که دارای روابط نزدیکی با
موسی صدر بود و از طریق او با لیبسهای آمیکائی
خاورمیانه نیز سروی داشت و در یکی از سفر -
هایش به لبنان در سال ۵۵ مورد استقبال
کسانی قرار گرفت که دروا بستگی به امپریالیسم
آمریکا در لبنان معروف اند. "جرج ابو غضل"
سرما به داروا بسته لبنان و صاحب مجله "الاسبوع"
- لمرسی دربار و در صفحه اول مجله اش شرحی
نوشت و عکس او را بعنوان یک "مبارز علیه شاه"
که دربار ریس زندگی میکند چاپ کرد. در آن مجلس
که لاند قطب زاده دربار میزانش داد سخن داده
یک لیبس را آمریکائی دیگر هم بنام دکتر
کلوفیس مقصود (نماینده لبنان در یونسکو) به
عنوان دوست قدیمی قطب زاده حضور داشته است
چشمها و مغزهای آنگاروپنها را امپریالیسم
بازی لیبس انماشی و حقوق بشرشان از آنروزها
چه میدهاشی به قطب زاده داشته اند؟

آیا اینکه آیت الله خمینی بوسیله اینگونه
لیبرالهای "برومند" دربار ریس احوال شده
بود و یزدی و قطب زاده، میزبان و
هماندار همه کاره "ما" نبودند، با موضوعی
که دولت فرانسه گرفت و در کنفرانس گوادلوپ
آمریکا شیها بر سه پیشنها دفرا نه برای انتقال
مسالمت آمیز قدرت از شاه به آیت الله خمینی
به توافق رسیدند و از ارتش خواستند که خود را
"تسلیم انقلاب اسلامی" کند عجب مینماید؟ و
آیا تعمی دار که قطب زاده حتی در همین
منظره تلویزیونی نا راحتی شدید خویش را از
ریختن مردم به یادگاریهای ارتشی و افتادن
سلاح بدست توده ها در جریان قیام ۲۲ بهمن
ایرا میدارد؟ مگر نه این است که امپریالیسم
بقیه در صفحه ۱۷

آیا عجب می شما ید که او در مصاحبه با مجله تایم
یکی دو هفته پیش از طرح مساله گروگانها در مجلس
شورا، افتخار میکند که او اولین کسی است که
رسمی برای حل مساله گروگانها به مجلس نامه
نوشته است؟ سردبیر کیهان در مدیحه سرائی خود
به تنفع قطب زاده از سفر او به مصر در زمان
عبدلنا صرودیدن دوره آموزش چریکی سخن
میگوید. آری، او با چومان و یزدی و چند نفر دیگر
این هوس ما چرا جواب ندادند؟ هم کردند، ولی اگر
انقلابی بودند آیا کوچکترین قدمی در راه ایجاد
یک سازمان انقلابی در داخل کشور نمودند؟
آیا هیچ حمایت جدا نه و مداقانه ای از مبارزین
داخل کشور بعمل آوردند؟ آیا آنچه (بنام
حمایت از مبارزین داخل و بخصوص مجاهدین
خلق کردند جز به قصد استفاده از نام مجاهدین
و جز در راه معرفی مجاهدین در همان قالب
لیبرال - مذهبی مورد نظرشان بود؟ آری آقای
قطب زاده "مبارز کهنه کار" است. اما "مبارز"
لیبرال و کنارگودشتین. "مبارز" در آب و هوای
خوش پاریس و سواحل نیس فرانسه.

اگر مبارز بودن را معادل از خود ما به
گذاردن وفاداری در راه خلق و توده های
زحمتکش بدانیم، باید پرسید، آقای قطب زاده و
امثالش دکتربیزدی و چمران و بنی صدر چه چیز را
از دست دادند؟ آنها با لیبس در خارج گوش خوابانده
بودند که در به نخته بخور و آنرا بر موج سوار
شوند و چنین شد. آیا بورژوازی حزبیت سو -
استفاده از مبارزات خلقها و وفاداریهای آنان
برای بیک قدرت تکیه میزند؟ بیپهوه نیست که
آقای بنی صدر از لیبس پیش خود را اولین
رئیس جمهوری ایران تصور میکرد و قطب زاده و
چمران و نیز جلال الدین فاریسی خواب رهبری جنبش
را میدیدند. لیبسها میگویند، قطب زاده مبارز
کهنه کار "است ولی مردم از لیبسها نمی دانند که
قبله شان آمریکاست می پرسند کدام مزیت
قطب زاده و آتقدر مورد توجه "سا" و "حقوق
بشر" کارتر قرار داده بود که در دیماه ۵۵ و در حالی
که در داخل کشور، لیبسها به راس نامه های
گدائی به شاه میرداخته بودند در یکا ردا تمایز
با باقیه سیدارما حبه ای با مجله "تودل" او بزر
- و اتور "چاپ پاریس" شایعه کوشش برای
ترور قطب زاده را بر سر زبانها انداخت؟ و چرا
عمال شناخته شده امپریالیسم جهانی که مژوز
بنام "بین الملل سوسیالیست" معروف اند
کنفرانسی برای باطله افشای دیکتاتوری
شاه تشکیل دادند و از آقای قطب زاده هم دعوت

مبارزه بر سر قدرت بین لیبسها و حزب
جمهوری اسلامی در اوچگیری فراینده خود به
بخش منظره تلویزیونی قطب زاده و مللی -
اسلامی در تلویزیون کشید. قطب زاده دستگیر
شد و این بهانه ای شد برای لیبسها و بویژه
قطب زاده که "بی" برای "روی" خود دست و پا
کنند. دربار قطب زاده که عملکردهای و قیام نه
ولکند اندازها بش طلی دوسال گذشته، حتی
بسیاری از طرفدارانش را منجر کرده بود،
مقاله زیادی نوشته شد.

بازرگان او را "مبارز کهنه کار" نامید و
سردبیر کیهان شهریار روحانی دربار و قضا شل
نداشته قطب زاده مدیحه سرائی ها نمود. لیبسها
که مدت ها بود گوش خوابانده بودند فرصت طلبانه
سر برداشتند و بهانه دستگیری قطب زاده برای
لگد مال شدن "آزادی" توده سردادند و آشک
تمساح ریختند. البته اینکه زندانهای رژیم
جمهوری اسلامی دیگر جای پذیرفتن و
انداختن کمونیستها و مجاهدین و رزمندگان
خلق کرد و عرب و... را اندارد و اینکه جوخه های
اعدام و بیدارگاههای خدا نقلاب هربا مداد خون
تا زه طلب میکنند برای آقایان لیبسها نظیر
بازرگان و امثال او چیزی نیست. خوب هم
هست!

بهر حال قطب زاده را "مبارز کهنه کار"
نامیده اند. ببینیم مخالفهای او با حکومت
تا ه و فعلیتهای او در خارج کشور از موضع
انقلابی بوده است یا لیبسالی؟ با بنفیع
زحمتکش ایران بوده است یا در راه بطله با خط -
مشی لیبسهای آمریکائی و اروپائی؟
قطب زاده در اواسط سالهای ۴۰ در آمریکا
دا نشجو بوده و در اتحادیه دانشجویان ایرانی
مقیم آمریکا فعالیت میکرد. فعلیتهای افشا -
گرانه دانشجویان علیه شاه را بشکل ظاهرات
و تخمین... صورت میگرفت. قطب زاده همراه با
سیف پور نامی که هم اکنون گروهی لیبسالی
بنام "گروه سیاسی ایران امروز" را دارد در
ساختمان وابسته به ملل متحد اعتبار غذا
کردند و رژیم شاه با سیورت آندورا لغو کرد. رژیم
سوریه و مصر بخاطر اختلافاتی که با شاه داشتند
اعلام کردند که آندورا نشجور بعنوان شهروندان
تبعه خود می پذیرند. قطب زاده از آن زمان تا
سال ۵۷ با سیورت سوریه ای در خارج زندگی
میکرد.

خوب، او دانشجوی "مبارز" است. اما
بنظر شما چطور میشود که او در همان سالهای پیشهاد
میکند که کنفدراسیون دانشجویان ایرانی به
یک "اتحادیه بین المللی دانشجویان" (I.U.S.) که مستقما
بوسیله "سا" حمایت و تامین میشود بپیوندد؟
و مگر اخراج او از کنفدراسیون توسط دانشجویان
مبارز ایرانی پس از طرح چنین پیشنهادهاشی
از طرف او نبود؟

قطب زاده از آن زایک لیبسها بوده و هست.
لیبرالی که همیشه بی طبقه نش با لیبسهای
آمریکائی و در واقع با امپریالیسم آمریکا است

جنگ عادلانه چیست؟



گمونیستها درجه جنگی شرکت میکنند؟ یا سح به این سوال بسته به این است که ما اینستدا ما هیت یک جنگ را بشناسیم، یعنی بدانیم که کدام طبقات و در کدام مکها میسای طبقاتی اقدام به شروع و گسترش جنگ نموده اند. ما هیت عادلانه و انقلابی و یا غیرعادلانه و ارتجاعی را فقط و فقط از این طریق میتوان تعیین نمود و برپا به تحلیل از ما هیت جنگ تا کتیکهسای مشخص برای شرکت با عدم شرکت در آن را نتیجه گرفت. ما در جنگ ایران و عراق شرکت نمیکیم چون این جنگ زاشیده سیاستهای استثمارگرانه سرما به داران دو کشور، در جهت تامین منافع طبقاتی شان و با اهدافی مخالف با انقلاب میباشد. بهمین سبب میگوئیم جنگ ایران و عراق جنگی ارتجاعی و غیرعادلانه، به نفع سرما به داران و سرود طبقه کارگر و خلقهای دو کشور میباشد. شرکت در این جنگ خیانت به خلقهای دو کشور و همدستی با سرما به داران استثمارگر خودی در خرابی کردن کارگران و زحمتکشان است.

آیا کمونیستها با هر نوع جنگی مخالف هستند؟

جنگ در حوامن طبقاتی و در عصر امپریالیسم امری اجتناب ناپذیر است. لنین میگوید: "جنگ فقط زمانی غیر ممکن میگردد که ما بورژوازی را نه تنها در یک کشور، بلکه در تمام کشورها سرکون سازیم و بطور قطعی بر آن غالب آئیم و از آن لب مالکیت نسازیم". (برنا مهنکی انقلاب پرولتاریات) پس تا بورژوازی و ستم و استثمار موجود است، جنگ نیز وجود دارد. اما جنگ ها برد و نوبستند: جنگهایی که بین طبقات سرما به داران و استثمارگر اینجا میگرد و جنگهایی که از جانب طبقات تحت استثمار و خلقهای ستمدیده علیه استثمارگران و امپریالیستها بوقوع می پیوندد. نوع دوم جنگ که کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم برای آزادی و رهائی از ستم بورژوازی و امپریالیسم بدان اقدام میکنند جنگی است انقلابی و عادلانه. زیرا: این جنگ از ساستی ناشی میشود که رهائی و آزادی را تعقیب میکند. لنین آموزگار کمینر زحمتکشان با زدن این مورد میگوید:

"جنگهایی هستند که طبقه کارگر با آنها را بعنوان تنها جنگهای برحق تلقی کند. اینها جنگهای رهائی آزردگی و از سلب سرما به داری هستند و چنین جنگهایی را حرام انان میباشند. زیرا ما نمی توانیم رهائی خود را بدون مبارزه بدست آوریم." (سحرانی در یک گردهمایی در خانه مسردم (الکسف) مجموعه آثار جلد ۲۸، صفحه ۷۷-۷۶). آری، فقط و فقط جنگهایی مورد حمایت

طبقاتی است. چنین جنگی عادلانه و "برحق" میباشد و طبقه کارگر میتواند آزادی خود را به دست آورد مگر با برپا کردن چنین جنگی و مقابله مسلحانه با بورژوازی برای نابودی آن. شرکت ما کمونیستها در چنین جنگهایی و هدایت آنها تا بهر نوعی خطمی امری بدیهی و غیرقابل تردید است. فساد و جنگ داخلی روسیه که منجر به انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ و حاکمیت طبقه کارگر در این کشور گردید، از نوع جنگهای عادلانه و انقلابی بود.

همچنین جنگ خلقها و زحمتکشان در سبک کشور ترکیه رژیم وابسته و مزدور امپریالیسم برای نابودی سلطه سیاسی - اقتصادی امپریالیسم و رژیم محافظ آن، ما هیتی انقلابی و عادلانه دارد. طبقه کارگر و کمونیستها باید در این چنین جنگی تیرا گرفته و با شرکت متکسل فعال، و گسترده در جنگ، رهبری آن را بدست بگیرند. در غیر این صورت چنین جنگی به نفع ما ندن انقلاب و در نهایت به شکست انقلاب می انجامد بعنوان نمونه انقلاب پیروزمند خلق چین تحت رهبری کمونیستها در ۱۹۴۹ از این نوع جنگها میباشد. نمونه دیگر این نوع جنگ قیام بهمن ماه بود. کارگران و زحمتکشان ایران در روز ۲۱ بهمن ۵۷ با قیام مسلحانه خود بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه چنین جنگی را آغاز کردند. اما عدم رهبری طبقه کارگر و کمونیستها باعث شد که قیام نتواند به تحقق اهداف انقلاب منجر شود و این باعث نا تمامان انقلاب دمکراتیک - فدا میرا - لیستی خلقهای زحمتکش ایران گردید.

جنگ خلقهای تحت ستم بر علیه رژیم ارتجاعی و بورژوازی حاکم نیز عادلانه و انقلابی میباشد. برای مثال جنبش مقاومت خلق کرد بر علیه رژیم جمهوری اسلامی برای رهائی از قید ستم ملی - طبقاتی که سرما به داران طی سالها بر خلق کردها اعمال کرده اند، عادلانه است. مبارز جنگ و مقاومت خلق کرد بر علیه بورژوازی بسا تمام فوشارت کرده و خواهم کرد. ما نه تنها مخالف مقاومت مسلحانه خلق کرد در مقابل رژیم ستمگر موجود نیستیم، بلکه آن را "برحق" از سیاسی نموده و آزادی و پیروزی خلق کرد را در گرو ادامه این مقاومت و پیوند آن با جنبش خلقهای سراسر ایران می بینیم.

۲- جنگهای آزادیبخش ملی: امپریالیستها برای استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان خلقهای جهان، سرزمینها و کشورها را به زیر سوغ خود در آورده و آنها را به مستعمره و نو مستعمره خود تبدیل میسازند. خلقهای ستمدیده و زحمتکش این کشورها برای رهائی از یوغ مستعمراتی امپریالیستها و استثمارگران به یکبار مسلحانه با آنها بر می خیزند. جنگ خلقهای

کمونیستها می باشد که به ما ره ستمدیدگان مدد رسانده و به رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ما میسازند. اینها جنگهای عادلانه هستند، چون کارگران و زحمتکشان برای قطع ستم و استثمار و حسیانه بورژوازی و نابودی سرما به داران به آن اقدام میکنند. ما کمونیستها بسا به وظیفه و آرمان انقلابی خود، در چنین جنگهایی شرکت میکنیم و از هر گونه از خود گذشتگی و جانفشانی شیزد در این سیمورژیم. این جنگها عادلانه میباشند زیرا آزادی طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم در گرو ادامه تاپیروزی میباشد این جنگهای چرخهای تکامل تاریخ را به پیش میبرند. حال بسیم جنگهای عادلانه بر چند نوعند؟

انواع جنگهای عادلانه:

جنگهای عادلانه و انقلابی به سه قسم هستند:

۱. جنگ داخلی (انقلاب): در یک جامعه سرما به داری، جنگ داخلی شکل قهرآمیز مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان بر علیه سرما به داران میباشد. این جنگ ادامه ساستهای طبقه کارگر برای رهائی از قید ستم و استثمار

جنگ غیرعادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



توطئه و خرابکاری بعثی ها علیه جنبش های انقلابی خلفای منطقه

کوشش عراق برای خریدن یک گروه از پوزیسیون عمامی، در نتیجه هشیاری جبهه خلق عمان به نتیجه نرسید و سازشکاران خودفروش منسوزی گردیدند.

در رابطه با جنبش آزادیبخش اریتره:

دولت بعثی عراق با ارائه کمکهای ناچیز که همواره با سروصدای فراوان همراه بوده است سعی در زیر نفوذ قرار دادن هر دو سازمان عمده این جنبش رهاشی بخش نموده است. بعثی ها بارها کوشیده اند از طریق ظمع برخی از اریتره ای ها را بسوی خود جلب کرده و با ارسال آنها به داخل مناطق آزاد شده و شرکت در انتخابات کنگره ها در مدارهای مسئولیت قرار گیرند. این امر با هشیاری مبارزان اریتره ای خنثی شده و طرفداران عراق نتوانسته اند جاشی برای خود باز کنند.

شبهه های حزب بعث:

دولت بعثی عراق در کشورهای عربی شبهه های حزب بعث طرفدار خود را با صرف هزینه های سنگین دایر میکند تا بفتح اوجا سوسی کنند و جنبش مترقیانه نموده ای در این کشور خراحتی الا مکان از مسیر خود منحرف کرده بفتح بعثی های عراق بکشاند. هم اکنون دولت عراق در بحرین، یمن شمالی و لبنان، شبهه های رسمی حزب بعث را دادر کرده و در جاهای دیگر هم که ممنوع است باز به کشودن این لانه های جاسوسی مشغول است. برای نمونه یمن جنوبی تاکنون چند بار شبهه جاسوسان بعثی را کشف کرده و آنان را دستگیر و به زندان انداخته است.

در رابطه با مبارزه توده های ایران علیه رژیم شاه:

طی ۱۲ سال که از حاکمیت بعث در عراق میگذرد مبارزه توده های ایران از مرا حیل مختلفی گذشته است و سرخورد رژیم عراق با این مبارزات همواره با هیتی فرصت طلبانه، معا مله گرایانه و اساسا خدا نقلایی داشته است. وقتی روابطش با رژیم شاه خوب بود هدست بسا شاه به سرکوب نیروهای انقلابی ایرانی پرداخته

عرب مرکب از برخی از نظامیان عراقی و فلسطینی های هوادار بعث ساکن عراق برآه انداختند. این با صلاح جبهه (که نیروی بسیار اندکی دارد) صرفا با حمایت و فشار سیاسی و نظامی عراق، در شورای ملی فلسطین و نیز در هیات اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین راه یافته است و وظیفه آن جز جاسوسی و بیباده کردن نظرات عراق در درون جنبش فلسطین نیست کار این گروه دست نشاند که خود را "جبهه آزادیبخش عرب" مینامد، هیچگونه ربطی به مبارزه داخل سرزمینهای اشغالی ندارد، بلکه به درگیری با مخالفان سیاست عراق و سرکوب انقلابیون فلسطینی و جز آنها در لبنان محدود میشود.

رژیم عراق همواره کوشیده است با ظمع و تهدید، سازمانهای فلسطینی را تحت نفوذ خود درآورد و اگر نشد عناصری از آن سازمانها را از طریق اعطای کمکهای مادی و معنوی بصورت عامل خود درآورد، تا آن سازمانها را از درون متلاشی کنند. هم اکنون رابطه رژیم عراق با "الفتح" و "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" که مهمترین سازمانهای فلسطینی هستند کاملاً تیره است.

از سوی دیگر همانطور که در پیکار ۷۶ انا ره کرده ایم نیروی بعثی ها علیه انقلاب فلسطین در سپتامبر سال ۱۹۷۰ و عدم حمایت از انقلاب در برابر برشته جارش ملک حسین در اردن به کشتار دهها هزارتن از مردم فلسطین کمک نمود. نمونه دیگر از رفتن عراق با انقلاب فلسطین دست زدن به یک سلسله اعمال تروریستی علیه رهبران و مسئولین مقاومت فلسطین است که منجر به قتل چندین نفر از مبارزان فلسطینی گردیده است.

در رابطه با جنبش رهایی بخش خلق عمان:

عراقیها کوشیدند با دادن کمک های مالی آنها را تحت نفوذ خود درآوردند، ولی وقتی آنها سعی در حفظ استقلال عمل خویش کردند و موقعیت سیاسی منطقه برای ایجاد رابطه با قاپوس فراهم گشت، عراق علیرغم همه شمارهای با صلاح ضد امپریالیستی و انقلابی با منقط رابطه دیپلماتیک برقرار کرد و حمایت خود را از جبهه آزادیبخش عمان تا حد زیادی کاست. همچنین

ارزما شبکه بعثی ها در عراق قدرت را بدست گرفته اند (۱۹۶۸) به خلقهای عراق از توطئه ها و جنایات آن در امان نبوده اند و به دیگر خلقهای منطقه از شدت خالتهای توطئه گرانه و کودتا گرانه آن بدور مانده اند. بعثی ها برای پیشبرد مقاصد خلقی شان به هر سودست دراز میکنند، دانه می پاشند، مزدور میگیرند و هر وسیله ای را - هر اندازه هم که جنایتکارانه باشد - در راه تحقق هدفهای خویش بکار میگیرند. نگاهی به روابط رژیم بعثی عراق با جنبشهای رهاشی بخش خلقهای منطقه نشان میدهد که این روابط علیرغم اومانی مانند "برادرانه"، "انقلابی"، "حمایت گرانه" و "مصمیمانه" تا چه حد پیکرایی جنبش ها ضریات دردناک وارد آورده است:

در رابطه با جنبش انقلابی خلق فلسطین:

بعثی ها ادعا میکنند که "از لحظه ای که حزب بعث تشکیل شده و در طول تاریخ مبارزاتی آن، همواره مسئله فلسطین به مثابه مساله مرکزی حزب مورد توجه بوده و حزب این مساله را عمیقاً در پیوندی همه جانبه با مبارزه خلق عرب در راه نیل به آزادی، وحدت و سوسا لیم تلقی کرده است" (۱).

کسی که این ادعا را میبشود اگر اندکی به ماهیت و عملکرد بعثی ها نسبت به مساله فلسطین آشنا باشد نتواند یک چیز در ذهنش انداخته شود و آن نوع دروغهای گویلی است که میگفت "دروغ را چنان باید بزرگ گفت که شنونده به خیالش هم نزند که کسی حرات بافتن چنین دروغی را دارد و ناگزیر باورش کند!"

مساله فلسطین برای خلقهای عرب و منحمه خلق عراق مساله ای محوری و آرمانی است و هیچ دولتی بدون ادعای حمایت از آن نمی تواند از مردم خود گواهی حسن اخلاق بگیرد بعثی ها با صلاح حمایت از خلق فلسطین خود را "مترقی" جا میزنند و تا بهتر نتوانند توده های زحمتکش عراق را سرکوب کنند و هر فریاد اعتراضی را بر خاسته از خلقوم اراشیل معرفی کنند، خلق فلسطین از این رهگذر بسیار مورد تهاوز، مورد معا مله، وسوسه، استفاده بعثیها فرار گرفته است.

از ۱۹۶۴ بعد که سازمان آزادیبخش فلسطین و نیروهای نظامی کلاسیک آن (بنام ارتش آزادی بخش) تشکیل شد، قسمتی از آن نیرو که لشکر قادیسه نامیده میشود در عراق بود و آموزش میدید بعثی ها وجود این لشکر را وسیله ای برای وارد آوردن فشار سیاسی بر سازمان آزادیبخش فلسطین قرار دادند و وقتی دیدند رهبری انقلاب فلسطین زیر اینگونه اعمال فشارها نمیروند سازمانی وابسته به خود را بنام "جبهه آزادیبخش

(۱) گزارش مدا حسین به هشتمین کنگره حزب بعث، بغداد ۱۹۷۵.

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

سازد، تا علیه خلق کرده توطئه بپردازد زنده نمونه اینگونه همراهی ها و سازش ها را در مورد ملا - مصطفی پارتی رها رها رتجای کرده های عراق، چندتن از ریزو نیستهای کرده به وزارت در حکومت البکر رسیدند و نیز فردی بنام "علیرضا" که به معاونت صدام حسین رسید میتوان دید، ادامه همین تلاشهای توطئه گرانه بعثت در جنبش انقلابی منطقه، امروز به کردستان ایران هم کشیده است، خبرهایی حکایت از این دارد که بعضی های با سوءاستفاده از مطالبات اقامات سرکوبگرانه ای که از سوی جمهوری اسلامی علیه خلق کرد اعمال میشود و نیز با توجیه به سازشکاری خائسانه حزب دمکرات میگویند جنبش خلق کرد را زیر دغ و خودبگیرند، این خبرها حکایت از روابط خطرناکی بین بعضی های عراق و حزب دمکرات کردستان (ایران) دارد.

ما به خلق قهرمان کرده که قریب دو سال است دوره جدیدی از سرکوب را از سر میگرداند و با بدست به سرنوشت خود بسیار رهبرها را شد و همراه با دیگر خلقهای ایران، جمهوری دمکراتیک خلق را به رهبری طبقه کارگر برپا دارد، نسبت به توطئه های عراق و سازشکاری نیروهای مثل حزب دمکرات هشدار میدهیم.

تجاه امیریا لیستها به کشور سوسیالیستی در حقیقت تجاوز و زبانه انقلابی بر ولتای را شایر جهان است، پس حمایت و شرکت فعال در چنین جنگهای عادلانه و وظیفه انقلابی کمونیستهای سراسر جهان است، جنگ کبیر میهنی خلقهای شوروی سوسیالیستی برهبری حزب بلشویک و رفیق استالین علیه فاشیسم هیتلری در جنگ جهانی دوم، جزو همین جنگها بود.

★ ★ ★

اکنون با توجه به موارد ذکر شده هر آینه جنگ ایران و عراق جنگی عادلانه، در جهت گسترش انقلاب و آزادی طبقه کارگر و خلقهای می بود، ما با تمام قوا در آن شرکت میکنیم، اما این جنگ ما هیئت ارتجاعی، بر ضد انقلاب، در جهت اسارت هر چه بیشتر طبقه کارگر و خلقهای می باشد، جنگی است که سرمایه داران دو کشور در ادا میسازند - های خود آغا ز کرده و کارگران و زحمتکشان را گوشت دم توب خود قرار داده و به کشتار آنها - بزداخته اند، ما جنگی عادلانه طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم ایران بر علیه بورژوازی خودی و امیریا لیسم را نه تنها نفی نمیکنیم، بلکه در صورت آماجی توده ها آن را بهمان ضرورتی عاجل برای رهایی طبقه کارگر و خلقهای آزادی می میکنیم، ما در تمام جنگهای عادلانه، در مبارزات انقلابی هر طبقات استماری شده و هر خلقهای ستم دیده بر علیه امیریا لیستها و استعمارگران ستمگر شرکت میکنیم، هر جنگی که آزادی طبقات و خلقهای ستم دیده را بدنبال دارد مورد حمایت ما است.

★ ★ ★

خودا خلال ایجاد کند، رژیم عراق با دامن زدن به احساسات شوونیستی با شکل مختلف منجمله را دیوبند و در صفوف متحد خلقهای ایران شکاف ایجاد میکند، رژیمی که خود را بقای کم نظیر در سرکوب خلق کرده دارد، طرفدار "کرده های ایران" میشود و بدنبال آن "سپاه زرگاری" را در کردستان ایران بر اه میاندازد و در خوزستان با مصالح جبهه های آزادی بخش عربستان و اهواز درست میکند و با زبانه بر همان عناصرونیرو - های ارتجاعی که گفتیم در بلوچستان هم جبهه آزادی بخش بر اه میاندازد، هر چند بسیاری از این کوششهای توطئه گرانه عراق در نتیجه هوشیاری توده ها و نیروهای آگاه خنثی شده، ولی همین به خرابکاری های گوناگون و منحرف کردن اذهان نا آگاه این خلقهای تحت ستم پرداخته اند و چه بسیار رند جوانان مبارزی از این خلقها که قربانی سیاستهای غلط و خود فروختگی رهبران نشان در برابر رژیم عراق شده اند، در پایان به این نکته مهم در رابطه با خلق کرد و توطئه های جدیدی که رژیم عراق برای آن تدارک دیده است می پردازیم:

رژیم عراق، در سرکوب خلق کرد (در عراق) تمام شیوه ها را آزموده و در برخی موارد نتوانسته است عناصر خود فروخته های را نیز با خود همراه

بقیه از صفحه ۱۳ جنگ...

کشور تحت سلطه امیریا لیستها و اشغالگران نیز جنگی عادلانه، انقلابی و "برحق" است، این جنگ را هکشی انقلاب توده ها بوده و خلقهای تحت سلطه آزادی خود از بردگی را از طریق چنین جنگی بدست میآورند، شرکت طبقه کارگر و کمونیستها در این جنگهای ضد امیریا لیستی در جهت تامین رهبری طبقه کارگر برانقلاب و قطع کامل ریشه های امیریا لیسم و سپس انجام انقلاب پرولتری امری مبهم، ضروری و حیاتی است، جنگی آزادی بخش خلقهای ویتنام، کامبوج، لائوس، فلسطین و ظفار بر علیه امیریا لیستها و نوکران داخلی آنها از جمله جنگهای عادلانه می باشد.

۳- جنگ برای دفاع از میهن سوسیالیستی

امیریا لیستها دشمنان سر سخت طبقه کارگر و سوسیالیسم میباشند و همین خاطر با تمام قوا میگویند تا به کشوری که در آن سوسیالیسم پیروز شده حمله کرده و آن را نابود سازند، آنها به میهن سوسیالیستی یعنی میهن کارگران و زحمتکشان تجاوز میکنند، پرواضح است که در برابر گستاخی امیریا لیستها، طبقه کارگر حاکم بر کشور سوسیالیستی به همراه تمام زحمتکشان و خلقهای آن کشور برای مقابله با تجاوزات امیریا لیستها بدفاع از میهن خود برخیزند، جنگ پرولتاریا و توده های زحمتکش کشور سوسیالیستی با امیریا لیستها نیز جنگی عادلانه و انقلابی است چون کارگران و زحمتکشان از انقلاب سوسیالیستی، دسنا وردهای آن و سیستم تحاکم بخش سوسیالیسم دفاع میکنند، تجاوز و

و آنگاه که روابط تیره بوده و درگیری وجود داشته است میگویند با حمایت فرصت طلبانه خود از مبارزات مردم ایران بعنوان برگ برنده ای در مذاکره و چانه زدن با رژیم شاه استفاده کنند، از سال ۱۳۴۸ تا اسفند ۵۳ که اختلافات بین ایران و عراق گاه به گاه به اوج خود رسید بسیاری از عناصرونیروهای مبارز ایرانی به عراق رفتند تا از آنجا علیه رژیم شاه به یک سلسله فعالیتهای تبلیغی و سیاسی و آموزشی نظامی بپردازند، این خواست مبارزین ایرانی بود، ولی دولت عراق در کنار قرار دادن برخی امکانات جزئی قصد واقعی کمک به مبارزه مردم ایران را نداشت بلکه به در دست داشتن برگهای پرنده بیشتر در مقابل با ایران می اندیشید، این است که به خائسانی همچون تیمور بختیار فرماندار نظامی سابق تهران (از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۳۷) نیز پناهندگی سیاسی داد و اموکانات بسیار زیادی در اختیارش گذاشت، صدام حسین در پاسخ به اعتراض نیروهای مبارز ایرانی در این باره گفته بود: "ما از بختیار بعنوان یک اسب استفاده میکنیم"، برای اودا شدن اسب مهم بود نه سرنوشت مبارزه مردم ایران، همانطور که می بینیم امروز خائسانه به او بی و شاپور - بختیار پناهنده و کمک میدهد و را دیوی دولتی بغداد با مزخرفاتی که می پراکند ذهن توده های نا آگاه را مسموم می نماید، بعضی ها در برابر یک موضع تا شید میزبند و نیروهای مبارز ایرانی از آنها نظارت حمایت مقابل داشتند، ولی نیروهای انقلابی ایرانی هیچگونه امتیازی به بعضی ها ندادند.

بعضی ها وقتی پای میز مذاکره با شاه نشستند، به آسانی همه شعارهای با مصلا مترقیانه - شان را بفرا موشی سپردند، خیانت به خلق کرد و به خلقهای ایران و همکاری با رژیمهای ارتجاعی منطقه زیر چتر شاه علیه خلقهای ستم دیده پیرامون خلیج از دست آوردهای نوافقی بود که در ۶ مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۵۳) در الجزایر بین شاه و صدام حسین به امضاء رسید، این واقعتی است که برای رژیمهای بورژوازی، توده ها حکم گوشت دم توب را دارند، از آنها استفاده میکنند و وقتی با مصلا خرشان از بل گذشت، بودند و نبود پل نزدشان هیچ است.

اخراج ایرانیان از عراق

مورد گرفته و آواره کردن خانواده های که چه بسا یکی دو نسل در عراق زیسته اند و تا کنون چندین بار انجام شده و تعدادشان به صدها هزار نفر بالغ میشود یکی دیگر از اقدامات ضد خلقی رژیم بعثت است.

در رابطه با مبارزات خلقهای ایران:

رژیم عراق با تکیه بر نفوذ الپا و سهران عشا بر عناصری خود فروخته، همواره کوشیده است در مبارزات حق طلبانه خلقهای تحت ستم ایران که از حقوق ملی خویش محروم بوده و هستند ستم

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

مطروح در این کتاب وجود داشت که من سعی میکنم محور آنها را ذکر کنم. از جمله نکات مهمی که درباره مطالب این کتاب مورد بحث ما قرار گرفت، چگونگی برخورد با روحانیون مرتجع و وابسته به رژیم شاه بود. مساله از این قرار بود که ما در کتاب "ما و حسین" آنجا که به فتوای قبل اما از طرف "شریعت" قاضی القضاة درباره امویان میرسد، به افشای نقش روحانیون مرتجع در تاریخ و از جمله در عصر خودمان پرداخته و به توده های مردم درباره عوام فریبی و ریاکاری آنها و خیانتشان به مردم و خواسته های آنها هشدار داده بودیم. آیت -

بلکه در تمام آثار و مواضع ما به چشم میخورد، به بهترین وجه بیان بارزالتفاظ در ایدئولوژی و تفکر آن روز ما (و امروز مجاهدین) بود، التقاطی که میخواستیم ما ده و خدا، عین و دهم - ما تریا لیم و ایدئولسم آشتی برقرار کند و یا عاریت گرفتن چیزی از این و چیزی از آن ایدئولوژی التقاطی ای بسا زده که بهرحال جوهر ایدئولستی و غیر علمی را به همراه خود دارد. علاوه بر این و در رابطه با عملکرد همین دیدگاه التقاطی، این کتاب در مواردی و از جمله در مورد صلح اما و حسن و یا استکلاف "مسلم" از کشتن "ابن زیاد" موضع کاملاً توجیه کارانه ای

● ما از زمان روزاؤل که قدم در راه مبارزه گذاشتیم، انتظاری نیز جز این نداشتیم که نه تنها از سوی رژیم، بلکه حتی از طرف علما و مجتهدین مرتجع نیز مورد حمله و طعن و لعن قرار گیریم و این طبیعی است که این دسته از علما و رهبران افشار گریهای مابه مخالفت با ما برخیزند، ولی آنچه که اهمیت دارد این است که آیا ما میتوانیم بخاطر طعن و تکفیر این حضرات در مقابل خیانت آنها و دغلبا ریهایشان سکوت کنیم و آنها را در برابر مردم رسوا نسازیم؟

الله خمینی نسبت به آوردن این مطالب افشاگرانه علیه روحانیون مرتجع اعتراض داشت و از ما خواست که این قسمت را حذف کنیم. من از آیت الله سوال کردم که آیا این پیشنهاد شما در رابطه با درستی این مطالب است و یا اینکه علیرغم مضمون درست آن جنبه ملاحظه کاری و با صلاح تاکتیکی دارد؟ آیت الله اظهار داشت که مضمون این مطالب مورد قبول من نیز هست و پیشنهاد مرا من جنبه ملاحظه کاری دارد و آنرا بیفایده خود شما نمی بینم و دلیلی هم ندارد که شما این مسائل را حالا مطرح کنید. من گفتم آقا اگر شما قبول دارید که این مطالب درست است و اگر قبول دارید که این روحانیون مرتجع در خدمت رژیم هستند و یا سوء استفاده از مقام و موقعیت مذهبی و اجتماعی خود به فریب توده ها مشغول بوده و به سدی در راه مبارزه آنها با رژیم شاه در آمده اند، چرا نباید چهره کشیف آنها برای توده ها افشا شود؟ یا این به معنی سازش با این مرتجعین و زیر پا گذاشتن منافع توده ها نیست؟ یا این به معنی کتمان حقایق برای مردم نیست؟ یا این به معنی میدان دادن و باز گذاشتن راه برای ادا معیات ننگین و اقدامات فزاینده این دسته از غلامان و مجتهدین که فراوان نیز هستند، نیست؟ آیت - الله که انتظار چنین حارثی را از ما نداشت، بلافاصله در جواب گفت: خوب اگر شما این سراسر بنویسید، آنها هم شما را تکفیر میکنند و ما نفع کارتان میشوند، من گفتم که ما از زمان روزاؤل که قدم در راه مبارزه گذاشتیم، انتظاری جز این

در پیش گرفته و کوشیده است اقدام محافله کارانه اما و حسن و مسلم را در موارد فوق الذکر، بیگ اقدام مولی و تقابلی جلوه دهد که البته حای بحث آنها در این مصالحه نیست.

همانطور که گفتیم کتاب "ما و حسین" از نظر شکل هم ایدئولوژی التقاطی ما و چگونگی برخورد ما به مذهب و مارکسیسم را به وضوح نشان میدهد. بسیاری از صفحات این کتاب مربوط از استبداد و مذهب و نهج البلاغه از یکسو و نقل قولهای از لنین و دیگر بزرگان مارکسیسم از سوی دیگر و از جنبه نحوه برخوردی نه منحصر به این کتاب، بلکه مبتدا به یک شیوه عمومی مناسرا از ایدئولوژی التقاطی آن روزمان، در اکثر آثار و مدارک سازمانی نظیر کتاب شناخت راه انبیا و... بکار گرفته میشد.

و اما در مورد برخورد آیت الله با کتاب "ما و حسین" باید بگویم که در مجموع، از زحمات تهیه کنندگان آن تعریف و تمجید کرد و از اینکه بنظر او ما توانسته ایم چنین تحلیلی از قیام "ما و حسین" ارائه دهیم، تحلیلی که تا آن زمان هیچک از سرحستان روحانیت نیز نتوانسته بودند نظیر آن را ارائه دهند، متعجب بود و این تعجب خود را به شکل غیر مستقیم و با گفتن این مطلب که آقا هنوز روحانیت ما نتوانسته تحلیلی همدانیه از "ما و حسین" ارائه دهد، ابراز داشت. علاوه آیت الله خمینی کوچکتر - من استنادی به نقل قولهای این که در این کتاب از بزرگان مارکسیسم، نظیر لنین و... آید ندانم اما از اینها که بگذریم، اختلافات شخصی بین دیدگاههای اما و ما در برخورد با مسائل مختلف

(قسمت دهم)

پیکار: رفیق روحانی، شما در خلال صحبتها بتان از دادن کتاب "ما و حسین" نوشته مجاهدین خلق، به آیت الله خمینی سخن میمان آوردید و شما میخواستم توضیحاتی در باره این کتاب و نظرات آیت الله در باره آن به ما بدهید.

رفیق روحانی: همانطور که قبلاً اشاره کردم، ما در توضیح مواضع سازمان مجاهدین برای آیت الله، علاوه بر توضیحات شفاهی، مدارکی از سازمان و از جمله کتاب "ما و حسین" را نیز برای مطالعه در اختیار آیت الله قرار دادیم. این کتاب که حاصل کوشش مجاهدان و پیگیرانسه یکی از جمعهای وابسته به گروه ایدئولوژی سازمان در سال ۴۸ بود، با نثری شیوا و علمی دارد تا فلسفه و انگیزه قیام "ما و حسین" و نقش تاریخی و اجتماعی آن را تحلیل نماید و در این میان نقش عناصر آگاه را در هر شرایط و از جمله شرایط حاضر در قبال رژیمهای ضد خلقی و مقابل با آنها و همچنین وظیفه آگاهها را نشان داده های تحت ستم و استعمار را بازگو نماید. این کتاب از آن جهت که مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان را به نحو برجسته ای توضیح میدهد، از آن بعنوان جزوه آموزشی نیز استفاده میشد این کتاب برای اولین بار بصورت پبلی در سال ۵۱ در سطح جنبش منتشر شد که تا شرات حال منی بر روی هوا داران سازمان مجاهدین بحمای گذاشت.

من در اینجا فرصت برخورد تحلیلی و تفصیلی به این کتاب را ندارم و حای آنها هم اینجا نیست، ولی با اختصار با اشاره کنم که این کتاب به چهار نظر مضمون و چهار نظر شکل تقسم بارزی از ایدئولوژی التقاطی سازمان مجاهدین بود. تحلیل ما از قیام ما و حسین از یکسوی آن طریقه ایدئولوژی اسلامی و اعتدالیه خدا، وحی و قیامت و الزاماً "ما و حسین" و تعبیرات دیگر نفی ما تریا لیم و دیا لکتیک بود، و از سوی دیگر نظارت بر برداشتهای "ما و حسین" و از آن رویدادهای تاریخی و از آن جمله قیام اما و حسین و واقعه عاشورا داشت. ما از یکسوی بروی محرکه تاریخ را که "اراده رب تعالی" و یا میران و اما مان دانسته و از دیگر سوسا رزه طیفاتی و توده ها را بعنوان نیروی محرکه تاریخ بحساب میاوردیم. از یکسو "ما و حسین" را یک عنصر "برگزیده" و متمایز از دیگران و از سوی دیگر انسانی "عادی" همچون دیگر افراد خلقی میکردیم. از یکسوی سالت "ما و حسین" را راسلنی الهی و آسمانی که ما متا کزیر از انجام آن است و از سوی دیگر سالت وی را راسلنی انسانی و با صلاح زمینی که ما متا کزیر از سالت و سالت با رزانتلاشیدن دست مبارزه، مورد ارزیابی قرار میدادیم...

همانطور که ملاحظه میکنید، این وجه دوگانه و متضاد که در بالا فقط به برخی از آنها اشاره کردم و بی شک موارد آن نه در این اشیر

نداشتیم که نه تنها از سوی رژیم، بلکه حتی از طرف علما و مجتهدین مرتجع نیز مورد حمله و طعن و لعن قرار گیریم و این نیز طبیعی است که این دسته از علما، در برابر افشاگریهای ما به مخالفت با ما برخیزند، ولی آنچه که اهمیت دارد این است که آیا ما می توانیم بخاطر لعن و تکفیر این حضرات در مقابل خیانت آنها و دغیل کاریهایشان سکوت کنیم. و آنها را در برابر مردم رسوا سازیم؟ نه! ما اهل خدعه و فریب نیستیم، اینجا منافع خدعه ها مطرح است و ما نباید ذره ای به سازش و ملاحظه کاری تن دهیم. این ملاحظه کاری، خود فریب بوده ها و کنایه های نا بخودوسی است. ما حاضریم لعن و تکفیر این حضرات را بشویم و عوارض آن را نیز تحمل شویم ولی دست از افشای حقایق برنداریم. نقطه عزیمت ما باید منافع توده ها و مصالح جنبش باشد و هرگونه برده بوشی و کنایان این مسائل بر زبان توده ها و مصالح جنبش است.

در اینجا من برای توجیه آیت الله واعظ - ای را که خود من هم امروز تا حد آن بودم تعریف کردم. جریان از این قرار بود که من برای اعلام و شناخت بیشتر وضع روحانیون نجف، با اتفاق همین آقای دعائی به منزل آیت الله شاهرودی رفتم. اتفاقا هم امروز فرزند آیت الله شاهرودی از مسافرت مکه برگشته بود و منزل آقای بودار جمعیست که برای دیدن او آمده بودند. پس از ورود ما به میان جمعیت، فرزند آیت الله شاهرودی مقابل جمعیت ایستاد و شروع کرد به سخنرانی و ما فکر کردیم که حتما حالا میخواهد از نقش و اهمیت حج و روزه و خودش از این سفر حرف بزند، ما او بجای همه این حرفها شروع کرده به تعریف داستان رفتن به قبرستان بقیع (واقع در شهر مدینه) و انجام مراسم مذهبی و جلوگیری پلیس سعودی از انجام این مراسم و در این میان رخسار د معجزه ای که طی آن رئیس پلیس آنجا ناگهان به زمین می افتد و می میرد و به این ترتیب به سزای عملش میرسد.

فکر میکنم آیت الله خمینی چه پاسخی در برابر این حرفهای من که کوچکترین تردیدی در صحت آن نبود، میتوانست داشته باشد؟ آیت الله خمینی چاره ای جز اقرار به این مسائل که در ایران و بیش از آن در همان نجف و در کنار خود و حضور داشت نمیتوانست داشته باشد و لذا خیلی خودمانی به من گفت: "آقا شما هنوز کجایش را ندیده اید. من وقتی حکومت اسلامی (منظور کتاب ولایت فقیه است) را در اینجا درس دادم، اکثر اینها (منظور علما، روحیه عراق است) بعد از آن در آنرا را بدعت در اسلام دانستند و از این قبیل حرفها!"

باسج من روشن بود، به آقا گفتم پس اگر اینطور است که میگویند، دیگر سکوت شما در قبال آنها چه معنوی دارد و چرا بعد از این همه رسوائی

و فحاحات این حضرات، بارها مایوسه میکنند که دم از افشای آنها بر زمین راستی چرا؟ و اصلا دلیل شما برای این کار چیست؟ شما مسا را از تکفیر و لعن و طعن مرتجعین می ترسانید، در حالی که تکفیر و لعن شما آنها به ما خود بهترین بیان حقانیت ما است. کسی که با دشمن و طرفداران او سازش نکند طبیعی است که نباید هم انتظار خوش آمدگویی از آنها را داشته باشد. این مسا له کا ملا روشنی است. شاید شما تعجب کنید که عکس العمل آیت الله در برابر این همه توضیحات خارج کننده من و حتی اقرار به مرتجع بودن من نیست به این مسائل، سکوت بود و سکوت! و تا آخر این لحظه نیز کوچکترین تغییری در نظر او نشده است!

آنها را سیدید میکرد، نمودند. اما مردم ما میدانند که نه افشای جزیه کشف روحانیت مرتجع فریب کاری است و نه دفاع از فرزندان انقلابی خلق! فریبکاری ما نیستیم، ما چیزی را نه از ما و نه از مردم پوشیده نداریم، فریبکاری رکنی هستند که نمیخواهند مردم ما بهت از رخا می روحانیون درباری و سازشکاری سرگرد و ریاکارانه در مردد بوش و کنایان حقایق بر ما بپایند که در صورت روشن شدن آن موقعیت روحانیت را در کلیت خود به خطر می اندازد. فریبکاری رکنی هستند که آخوند و ابستهای چون فلسفی واعظ در باره ما هیت و عملکرد او در طول سالهای گذشته برای توده های وسیعی از خلق ما و همچنین برای خود آیت الله شانه خسته شده بود، او را در کنار خود قرار داده و به تعریف و تمجید از او می پردازند.

● فریبکاری ما نیستیم، ما چیزی را نه از شما و نه از مردم پوشیده نداریم، فریبکاری رکنی هستند که نمیخواهند مردم ما بهت از رخا می روحانیون درباری و سازشکاری سرگرد و ریاکارانه در مردد بوش و کنایان حقایق بر ما بپایند که در صورت روشن شدن آن موقعیت روحانیت را در کلیت خود به خطر می اندازد. فریبکاری رکنی هستند که آخوند و ابستهای چون فلسفی واعظ در باره ما هیت و عملکرد او در طول سالهای گذشته برای توده های وسیعی از خلق ما و همچنین برای خود آیت الله شانه خسته شده بود، او را در کنار خود قرار داده و به تعریف و تمجید از او می پردازند.

کنا را خود قرار داده و به تعریف و تمجید از او می پردازند.

آری، ملاحظه کاری و سازش بی دلیل نیست. بخاطر افشادن منافع روحانیت مرتجع، منافع خود شما را نیز به خطر می اندازد. آگاه شدن توده های خلق نسبت به روحانیت مرتجع، آنها را نسبت به خود شما و سازشکاریهایشان نیز آگاهتر خواهد ساخت. و شما فادرتخواهید بود با سوار شدن بر موج نا آگاهی و توهم مردم نسبت به خود و ریا سیتی که خود شما امروز جزئی از آن هستید، همچون گذشته به فریب آنها سیرا زید.

ادامه دارد

آیت الله خمینی در سخنرانی اخیرش (۴ تیر ماه)، آنجا که از ملاقاتش با من صحبت میکند میگوید و برای فریب من آمده بود. من از آیت الله سوال میکنم که آیا تا کید ما روی افشای روحانیون مرتجع و گفتن حقایق به مردم و پنهان نکردن آنها مفهوم فریب دادن شماست؟ آیا مرا را روی ضرورت پشیمانی شما از فرزندان انقلابی مردم که در شرف اعدام بودند، یعنی فریب دادن شما؟ اگر معنی و مفهوم فریب این باشد، حرف شما درست است و باید گفت که شما فریب نخورده اید، چرا که نه حاضریه افشای خیانت روحانیون عالیه مقام مرتجع شدید و نه کوچکترین حمایت از انقلابیونی که خطرا عدا م

بقیه از صفحه ۱۱

مجاهدین...

را "تاکتیک" قلمداد میکنند. از دیدگاه های انقلابی تاکتیک در خدمت استراتژی است و هرگز نهایی آن نمیتواند باشد. وقتی مجاهدین روزانه و همواره در دفاع از انقلاب تحلیل میورزند و در عوض با آیه های برای ارتجاع، دستهای خونسر جلادان را میبندند و با علنا بدفاع از سختی از ارتجاع (البراهیه) می پردازند، دیگر این تاکتیک نیست، این یک استراتژی انحرافی و مغایر با اهداف انقلاب ایران است. آیا عدم دفاع از خلقها (ترکمن، کرد و...) میتواند یک تاکتیک باشد؟ اگر این چنانکه میگویند است که ۲۰ ماه حبابات رژیم بر علیه جمعیتهای را (در کردستان و ترکمن صحرا و...) میگویند میگذارد. تاکتیک باید در خدمت انقلاب و استراتژی انقلابی باشد، نه برای نجات ارتجاع از زیر ضربات توده ها.

بقیه از صفحه ۱۲

در شهری که...

با تا به نیز طبقه تیش جریانیهای خونخوار خود را خوب می شناسد؟ مردم ما می پرسند آیا همین دستگیری او اقدامی برای آبرودادن به لبرالها و ستفم آمریکا نبوده است؟ توده های نا آگاه و سمدیده ما که با تجربه دوساله خود با این رژیم، سدرج داشتند اشتباه عویس را در جمع کردن طومار برای قطب زاده منوچه میدند. باز با موهمی تازه - هر چند مسلما موقت - کرمانا میسند. افشاکری و امثال این و روش کردن ما هیت طغیانی آنان، کفشن حقیقت به توده ها را که از وظایف خدش با بدیرمان است هرگز نمی سدد فرا موش کنیم.

به موضع گیریهای قطب زاده از قدام به همسر سعد در جای دیگری با سدر خور دگم.



نامه یك رفیق کارگر به سازمان

مخیر یک کارگر بدرفقای غریب!

خدمت رفقای عزیزم سلام! امیدوارم حالمان برای همیشه خوب باشد و هیچ وقت کوچکترین کمالی نداشته باشیم. بدینسان به یاد بدهد و از شما می خواهم تشکر کنم، با سبب تحلیلی که راجع به جنگ دادید و مثل این سازمانها که دچار راست روی شدند، این سازمان عزیز ما طرمانافع طبقه را چنانکه دجرا این راست روی شد، میخواستم تشکر کنم و در ضمن از شما می خواهم به سازمانها و دانشجویان و همکاران و سربازان و غیره به شما بگویم، تا کمیو بیست و نه کی که واقعا عاقل اند، ولی بدلالی هواداران این سازمانها می که به انحراف کشید، عده اندی که دارند میگویند، هر چه رود ترا سازمان خوشبود بخوانند که به این استغادات جواب بدهند یا سازمان خود معیبه حساب کنند.

راجع به تبلیغ و ترویج همین طور که خودتان میدانید، لنس میگوید: "۸۰ درصد کار قیام را تبلیغ و ترویج انجام میدهند ولی ما ۲۰ درصد هم به این امرها نمی دهیم، با سبب یک سر خوردن طاع و صریح انجام میدهم و این را هم با دلتان باشد که اگر ما حرکت از شما برکت و ما منتظر برکت شما هستیم، رفقا حرا سببی اینفلات بیکار را که واقعا به درد علامه شدن محوورد و با بدبختی این طبقه را چنانکه سر دقت در شریه بیکار می آورند؟

موفق باشید و بیروز

رفیق کارگر!

اگر ما به بیروز و ترا می گوییم، می گوئیم به پیشانی دانت عمل کنیم، در ضمن رفقای هواداران خود را بد مطالب ما بیکار برای کارگران را با توجه به منطقه و محیط کارخانه ها... بکنید.

بیروز باقی

نامه ای از یک مادر مبارز!

دوستان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر! من خودم قالی می بافم و پیر می رسم، منم در حدود ۵۵ سال است، ما مردمان رنجکش می هستیم، با چه؛ که ما شما همکار می میکنیم که می - کیم، بپریم موقعی که کاغذ (منظور علامه است - بیکار) می آورد ما کمک میکنیم و نگهداری می - کنیم و آنها را تا می زنیم، ما کارهایی را که انجام میدهم به طر مردم طبقه موم است که هیچ راهی ندارند، خانواده ما هم همان همکار می

کند و به نظر من حکومت خوب نیست چونکه به مردم نمی رسند، گویند ما می که ملت می - دادند، ملت خون داد ما می کرد که وضع خوب بود.

حالا اینجا میگویند مگر روغن نخورد می - برسد، حالا هیچی گیرند، ما منتظران را که کردیم و رنج کشیدیم ولی حالا اصلا فری نکرده هر چی می بگویم کم است، این از شما می خواهم که سازمانها این رژیم برداشته شود و ما هم سروا می بکنیم.

من خودم ملکان میگویم و ما ملت - (کمونیست) را دارم و حالا شما می کنید تا خودتان را خوب نشان بدهند، حالا حکومت سخی است.

یعنی ما میگوئیم دیرت کمونیست است ولی من همیشه جواب میدهم من افتخار می دانم حرف، حرف حق است.

حالا شما میبینید روزی چقدر کشته داریم مردم را اینجا و حکومت از من می برد، در آخر موفقیت شما را از غذا و نم میخوام

ج - خ - از - م

مادر مبارز!

اگر کمپانی که در جهت پیشبرد هدفهای سازمان میکنند، بسیار خوشحالیم، باشد که دوش بدوش یکدیگر را بر فرازی جمهوری دمکراتیک خلق لحظه ای از پای ننشینیم.

بیروز باقی

نامه ای از رفقای هواداران شیراز

دروید به رفقای سازمان بیکار

با ایمان به راه سازمان بیکار، که راه مارکسیسم - لنینیسم و راه آزادی و ولتا ریایی - باشد، رفقا! نه میتوان نوشت و نه بیان کرد، که وقتی بیکار و وضع ما... بدستمان میرسد، چگونه شوق سراپای وجودمان را میگیرد، هر چه بیشتر از عمر بیکار میگذرانیم این امرشما هواداران را تقویت میکند، بیکار به حق بدون دره ای غلبه، با سازمان کراسی، هر چه بیشتر شده ما نزدیک میشود، بیکار هر روز که میگذرد، نیازهای جنش را بهتر تشخیص میدهند و در جهت حل معضلات جنش سریعتر حرکت میکنند، واقعا که کمونیستها، بکمترین نیروهای انقلابی هستند و تنها مدافع منافع بیولتاریا.

رفقا! آرزوی هر فرد آگاه این است که: بتواند کامی هر چند کوچک در جهت - سازآوری آگاهی بوده بردارد، این کامیها به شکلهای متفاوت برداشته میشود، فبالیست بکنیم... تا کمکهای مالی.

رفقا! دلمان میخواست که حداقل یک در - مدار بیرونیهای غارت شده را بکنیم، که در باک - های سرمایه داری انباشته اند در اختیار ما میبودن برای رهایی رنجکش از بند نظام سرمایه داری و استبداد امپریالسم، در اخبار سازمان قرار میدادیم، اما...

بحران فعلی جامعه، بیکار و کمی حقوق

جنگ و... مانع از برای رسانی به سازمان می - باشد، اما با این وجود قبول معروف، "قطره قطره جمع گردد و وانگهی دریا شود"، قطره ای نا - جبر (۲۰۰۰ ریال) را به رفقا تقدیم میکنیم، با امید است که در آینده بتوانیم، آنرا بیشتر و بیشتر کنیم تا سازمان با تکیه بر دریای توده ها، هر چه سریعتر در جهت رشد آگاهی و شکستن شوهر توده ها حرکت کند.

م. ا. شیراز

م - ج

رفقا!

اگر این همه شور و علاقه ای که نسبت به سازمان برادران است، احساس غرور و افتخار میکنیم و اگر کمپانی که در راه پیشبرد اهداف طبقه کارگر به سازمان شده اند، بسیار گواریم، رفقا! تلاش سازمان در این توده هر چه بیشتر با طبقه کارگر بدون نقش فعال هواداران امکان پذیر نیست پس بگوئیم با کثرت فعالیت انقلابی خود در راه آزادیهای طبقه کارگر به پیش رویم!

بیروز باقی

رفیق کارگرش - ر

نامه ای که قیاس داده بودی بدست ما رسید و از اینکه خبری در رابطه با جنگ ایران و عراق و عکس العمل کارگران نسبت به آن برای ما فرستاده بودی بسیار گواریم، رفیق! با رجوع به بیکار شماره ۷۷ در مورد گزارش نویسی از ناشر جنگ در میان کارگران، "خبرها و گزارشات را بدست ما رسانا

با درودهای رفیقانه

رفیق به - ه، د، د، کرج

نامه ها را رسید! با زهم تودا را ما گزارشات از موسسه، سام آرا روشن نکرده بودی و خلاصه نتوانستیم از ما جواب بخواهیم، گزارشات را با سبب طبق رهتو دهائی که در این توده در بیکار درج شده اند، تمهید کنید.

گزارش با بدخالد المقدور همها نشد، دقیق و کامل باشد، ام موسسه... حتما با بدروشن باشد اگر اسم آن نشاید آورده شود، می توانید در ریر آن بنویسید: فابیل درج نیست، با داخلی می - باشد و یا... ..

بیروز باقی!

رفیق کارگر "عباس" از مازندران

نامه محبت آمیزت که به زبان محلی ما رسید، را می نوشته بودی برایمان رسید، ما نیز با کارگران و رنجکشان عهد بسته ایم، تا نا - بوی سرمایه داری و استبداد روسا لیسیم می از با نشینیم.

بیروز باقی

رفیق ک!

رفیق نامه انتقاد آمیزت بدستمان رسید، هما نظور که شوکتی به دلایل فنی، بدلیل - بقیه در صفحه ۲۰



اعتصاب يك ميليون كارگر يونانی

طبقه کارگران یونان برای ۲۴ ساعت یونان را به لرزه درآورد. روز دوشنبه ۱۹ آبان بیش از یک میلیون کارگر به منظور افزایش دستمزد و حقوق و شرایط بهتر کار دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب سراسری، وسائل نقلیه عمومی صنایع، ارتباطات تلفنی، فعالیت های عام - المنفعه و بیمارستان ها را دربرگرفت. این اعتصاب عمومی تمام زندگی اقتصادی کشور را متوقف ساخت و نشان داد که طبقه کارگر چه نیروی عظیمی دارد. این اعتصاب که به انگیزه قدرت پولادین کارگران برپا شد، بلافاصله دولت سرمایه داران را وادار ساخت تا قول و قرارهای مبنی بر افزایش دستمزد کارگران و بهتر شدن شرایط کار بدهد. اما آیا بورژوازی به قول خود وفا خواهد کرد؟ هرگز! و آیا کارگران به مبارزات خود پایان خواهند داد؟ هرگز!

۱۰۰۰۰ کارگر در اسرائیل اعتصاب کردند

ده هزار کارگر در دلیل اعتراض به عدم پرداخت مقرری آنان از جانب شهرداری در تل-آویو اعتصاب کرده و تمام خدمات شهری را مختل نمودند. یزکان نیز که خواهان افزایش حقوق می - باشند و بحال کم کاری میگردند به اعتصابین پیوستند.

رژیم صهیونیستی و اشغالگران اسرائیل پیوسته کوشیده است تا از طریق تبلیغات شوونیستی و اعمال فشار و زور هر حرکت اعتراضی و مبارزاتی کارگران را خفه کند. اما تشدید بحران اقتصادی و ستمگری سیاسی، بیش از پیش کارگران را به میدان مبارزه مستقیم علیه بورژوازی حاکم میکشاند و کارگران اسرائیلی در مبارزه با خلق قهرمان فلسطین در مبارزه علیه صهیونیست های تجاوزکار دارای سرنوشتی مشترک هستند.

نظواهرات سرخپوستان آمریکا

چندی پیش نمایندگان قبایل سرخپوست آمریکا بعنوان اعتراض علیه کشتار فاشیستی

دستجمعی سرخپوستان توسط امپریالیسم جنایتکار آمریکا دست به راهپیمایی زده و حرکت اعتراضی خود را درواشگتن بی پایان رساندند. جنایتکاران یانکی پیوسته کوشیده اند تا از طریق قتل عام و کشتار سرخ پوستان، نسل آنان را نابود کنند، به همین خاطر نظامی ها هرگز نمیگذارند که راهپیمایی را "راهپیمایی برای بقا" نام گذاری کنند. نظامی ها هرگز نمیگذارند که خواستار آزادی رهبران زندانی خود و خاتمه دادن به مسایقه تسلیحاتی شوند.

خلق السالوادور میزند

مبارزات خلق السالوادور و انقلابیون آن علیه رژیم نظامی مزدور این کشور همچنان به پیش میرود. مبارزات مردم این کشور بخصوص در یکسال اخیر برای سرنگونی رژیم حاکم شدیدا اوج گرفته و در مقابل آن ارتجاع به خونین ترین سرکوبها و ترور و وحشیانه روی آورده است. در سال جاری حدود ۱۰ هزار نفر از مردم کشته و هزاران نفر زخمی شده اند، در همین یک هفته اخیر ۴۲ نفر توسط عوامل مستقیم و غیرمستقیم دولتی به قتل رسیده اند. در این قتلها از جمله یک گروه تروریستی - فاشیستی بنام "جوخه مرگ" که تحت کنترل دولت مبارزات شرکت دارد، لازم به یادآوری است که اخیرا امپریالیسم جنایتکار آمریکا ۵/۷ میلیون دلار "کمک" نظامی به رژیم حاکم کرده و در حال حاضر تعداد زیادی از مستشاران و افسران نظامی آمریکا در حال تعلیم دادن قوای نظامی السالوادور میباشند.

ریگان جنایتکار مسابقه نظامی را تشدید میکند

همانگونه که انتظار میرفت ریگان، نماینده جدید امپریالیسم آمریکا، در جهت افزایش بودجه نظامی و تشدید مسابقه و رقابت تسلیحاتی عمل نمود. پس از رسیدن به قدرت، ریگان از کنگره آمریکا مبلغ ۲۰ میلیارد دلار جهت افزایش بودجه نظامی درخواست کرد. در حال حاضر بودجه نظامی آمریکا ۱۹۵ میلیارد دلار میباشد که با توجه به درخواست ریگان این مبلغ به ۲۱۵ میلیارد دلار و یا بیشتر خواهد رسید. پرواضح است که کنگره آمریکا برای گسترش جنایات و تجاوزات در عرصه جهانی به این پیشنهاد رای مثبت خواهد داد. به طوریکه کنگره پس از انتخاب ریگان بخشی از پیشنهادات او را مبنی بر افزایش حقوق ارتشیان و ایجاد یک ارتش ذخیره یک میلیونی، مجهز به مدرنترین سلاحها و دارای قابلیت رزمی برای نبرد در کوتاه ترین زمان را، مورد قبول قرار داده است. در حال حاضر نمایندگان سوداگران مرگ و اسلحه در کنگره آمریکا، راجع به تشکیل یک ناوگان ۶۰۰ واحدی و گسترش موشک های هسته ای "ام-۱" یک بحث میکنند. بعلاوه

همانطور که میدانیسم ریگان مخالف پیمایش "محدود کردن سلاحهای هسته ای (بالت - ۲)" می - باشد و جمهوری خواهان اعلام کرده اند که مانع از تصویب آن خواهند شد. علت مخالفت جمهوری خواهان با این پیمان اینست که سوسیال امپریالیسم شوروی دارای کلاهکهای هسته ای بسیار زیاد میباشد. بر این اساس نمایندگان جدید امپریالیسم آمریکا با تصویب این قرارداد مخالف بوده و خواهان تشدید مسایقه تسلیحاتی میباشد.

چین رویونیست رژیم مزدور پاکستان را مسلح میکند

بر اساس یک قرارداد نظامی که اخیرا منعقد شده، چین رویونیست هواپیماهای جنگنده و موشکهای زمین به هوا به پاکستان تحویل می - دهد. اولین دسته از هواپیماهای جنگنده از نوع "فانتان" یا "جانی - ۶" به رژیم مزدور پاکستان تحویل گشته و قرار است بزودی به اسکادران دیگر از این نوع هواپیماها به این کشور ارسال گردد. بر اساس این قرارداد مجموع جنگنده های فانتان خریداری شده ۶۵ فروند میباشد. این هواپیماها، جنگنده ضربتی بوده و دارای سرعت ۲/۳۵ مایه میباشد. رژیم آمریکائی غیاء الحق اولین رژیمی است که از چین بورژوازیونیست این جنگنده ها را دریافت میدارد. رویونیست های خائن حاکم بر چین هر روز گام تازه ای در راه خیانت به خلقهای جهان برمیدارند. آنها رژیم مزدوری را مسلح میکنند که کاملاً وابسته به امپریالیسم آمریکا بوده و سرنیزه - هایش پیوسته سینه توده های زحمتکش را نشانه رفته است. چین ضد انقلابی با فروش این تسلیحات میروند تا فعالانه به یک سوداگر بین المللی مرگ تبدیل گردد.

مانورهای نظامی امپریالیسم آمریکا در مصر

در سال ۱۹۷۲ تعداد ۱۷۰۰۰۰ مستشار نظامی سوسیال امپریالیسم، مصر را ترک کرده و بدنبال آن روابط "حسنة میان" مصر و شوروی پایان میپذیرد. از آن پس صادرات خائن دست به امپریالیسم دیگری گشته و هر چه بیشتر میکوشد تا نفوذ آمریکا در مصر تقویت و گسترده شود. امپریالیسم خونخوار آمریکا با توجه به اهمیت استراتژیک مصر، بخصوص پس از سقوط سلطنت شاه خائن، حضور و نفوذ خود را در این کشور تحکیم مینماید. و جگیری جنبشها در منطقه، اهمیت منابع نفتی موجود در آن و تشدید رقابت با شوروی امپریالیستی، امپریالیسم یانکی را به آن داشته تا فعالیت های خود را در منطقه و از جمله در مصر گسترش بخشد. در همین رابطه قرار است -

یاسخ..

پیروز باشی

خواستار انتشار مجدد این مصالحه بصورت جزوه‌ای جداگانه شده است. ما ضمن تشکر از این خواننده گرامی، به او دیگر رفقای که درباره این مصالحه و انتشار مجدد آن به ما نامه نوشته‌اند اطلاع می‌دهیم که این مصالحه را همچون دیگر مطالب تبلیغی و ترویجی بصورت جزوه جداگانه در اختیار کارگران و زحماتکنان میهن‌مان قرار خواهیم داد.

— رفیق زلیلا — م، س، ر
— قاسم — کریم — س، م، ر — رفیق کارگرا طری ساز
— هواداری ازخلخل — د، د، ب، ح، ج — سعید ح

(۵) - لنین - گرایش قهقرایبی دروس سال

تبدیل به پایگاهی نموده که امپریالسم امریکا
ایستاده است. بته اندتگاه ذات آتش خود را تحقق بخشد.

سوسپال دموکراتیک است ۰)، اما بی معنا خواهد بود که از این امر نتیجه گیری کنیم که ۰۰ تا ۰۵ سال دموکراتها باید خود را

نمایند. برای انجام این مأموریتها که "ستاره درخشان" نامیده میشود، تابحال اولین گروه از متباینان امیکاش با ای تمرینات آ، مایش



زندانیهای شاه هم کفاف رژیم جمهوری اسلامی را نمی دهد!

جناب آقای قدوسی
دادستان کل انقلاب اسلامی ایران

سندشماره ۲

مدت زیادی است که فرزندان انقلابی ما در زندان هستند. فرزندان که در رژیم شاهنشاهی لحظه ای از مبارزه بر علیه آن وابستگان امپریالیستی دست برنداشته و حتی پیر از قیام پرشکو، بهمن شاه به مبارزات خود برای حفظ دستاوردهای انقلاب ادامه داده اند.

این فرزندان لایزال عشق به توده هستند. و هم اکنون نیز فقط به دم دفاع از عقاید خود در بدترین دردتین و کمترین امکانات به فاصله دوری از شهر و خانواده ای خود بسرم برند. از روی مدت حکمیت آنان و از روی توانایی و در دادگاههای تعیین شده است که این فرزندان مبارز از داشتن طبیعی ترین حق خود یعنی داشتن وکیل و دادگاههای علنی و غیر متفق محروم بوده اند و این درست کار نیست. ۳۵ قانون اساسی است که معتقد است * در همه دادگاهها محکومین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند ... *

ما خانواده های این زندانیان از دادستان کل انقلاب اسلامی تقاضا داریم که در مدت حکمیت این زندانیان مبارز و در زندان تجدید نظر به عمل آورده و هر چه زودتر اقدام نموده و خانواده ها را از نگرانی و اضطراب برهانند.

با تشکر احترامات
خانواده های زندانیان سیاسی لالی و مسجد سلیمان

روژنه دادستان کل انقلاب اسلامی
روژنه کیهان ۵۹۵ / ۲ / ۱۹

کمونیستهای و انقلابیون نشاندهنده استیصال و درماتنگی رژیم جمهوری اسلامی در قبال رشد جنبش توده ای و فعالیت آگاهانه کمونیستهای و دیگر نیروهای انقلابی است. اما اگر رژیم جمهوری اسلامی سرا سر خاک ایران را به زندان و سیاه چال تبدیل کند، باز هم توده های آگاه به همراه کمونیستهای و انقلابیون و بهر هری حزب طبقه کارگر، با برقراری جمهوری دموکراتیک خلق، ناقوس مرگ رژیم را در هر کارخانه و مزرعه و کوچه و خیابانی به صدا در خواهند آورد!

بخاطر اعتراض به دستگیری فرزندان نشان، دستگیری و مدتی در بازداشت به سر برده اند.

در جریان محاکمه سعادتی مجاهد در قاضی روزهای ۸/۱۳ تا ۸/۱۴، ۷۵ نفر از هموادران مجاهدین دستگیر و روانه زندان میشوند.

سندشماره (۲)، نامه خانواده های زندانیان سیاسی لالی و مسجد سلیمان به قدوسی دادستان کل رژیم میباشد. این نمونه ها به همراه هزاران مورد دستگیری

رشد مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان و خلق های قهرمان ایران، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را وادار نموده است تا علاوه بر سرکوب جنبش توده ای و تروریستهای را انقلابیون و بویژه کمونیستهای زندانیهای خود را برای در سندان مخوف اوین که در دوران قیام بدست توده های مردم فتح شد، با کمبود جا و بر و گشته است. سندشماره (۱) که مربوط به سال ۵۸ می باشد، همچنین استیصال رژیم را از سرکوبی جنبش روبه احتمالی توده ای نیز نشان میدهد.

دادستانی کل
جمهوری اسلامی ایران
تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۹
شماره: ۶۱۸۰

بخشنامه

به استحضار کلیه دادسراهای انقلاب اسلامی میرساند که از اتمام محکومین به زندان اوین به علت کمبود جا خودداری نمایند مگر در مواقع اضطراری که در این موارد نیز باید قیلا دادسرای اتمام کننده با دادستانی انقلاب اسلامی تهران از حیث پذیرش مکاتبه نمایند.



اگرچه این سند مربوط به سال ۵۸ میباشد، اما رشد مبارزات توده ها در این یک سال آمار هائی از دستگیری انقلابیون، گواه این حقیقت است که هم اکنون هم رژیم با مشکل کمبود زندان روبروست.

طبق اخبار رسیده از تعداد کل زندانیان زندان اوین که ۱۰۲۵ نفر میباشد، ۱۳۲ نفر ساواکی، ۶۸۰ نفر نظامی و بقیه در حدود ۷۸۰ نفر سیاسی هستند.

رفقای پیکارگر، منوچهر نیک اندام، محمد اشرفی، شکرا الله دانشیار به جرم آگاهی دادن به زحمتکشان بدست رژیم دمنش جمهوری اسلامی شیرباران میشوند و رفیق حسنعلی شهریساری کارگر مبارز و زکا ندیدی سازمان در آغا جاری به ۱۵ سال و رفیق حسین رهگذر شیراز به جرم کمک به جنگ زندگان به ۱۰ سال زندان محکوم میگرددند.

روژنه مکیهان مورخ ۸/۲۰ خیر از دست گیری ۲۰ دانش آموز دختر همدان را سازمان مجاهدین میدهد خبر دیگر حاکمیت که گروهی از مادران مجاهدین

زندانی سیاسی انقلابی آزاد باید گردد

بقیه از صفحه ۱ جنگ...

گرائی نفت و بنزین در افزایش تورم و فشار آن بر روی زحمتکشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رژیم جمهوری اسلامی، سبزه‌پا افزایش قیمت بنزین از لیتری ۱۰ ریال به ۲۰ ریال عملاً کارگران و زحمتکشان را به فلاکت و گرسنگی هرجه بیشتر می‌گشاند. رابطه‌گران شدن بنزین با گران شدن روزافزون کالاهای مصرفی و مواد غذایی را میتوان در شام جوانان زندگی زحمتکشان مشاهده نمود. افزایش قیمت بنزین یعنی ماده سوختنی برای تهیه کالاهای مصرفی و غذایی، جزو هزینه‌های تولید کالا محسوب شده و باعث افزایش مستقیم قیمت کالا میگردد. افزایش قیمت بنزین همچنین باعث بالا رفتن هزینه‌های مربوط به حمل و نقل و توزیع کالا و مواد غذایی میگردد که این هزینه‌ها به قیمت کالاها اضافه میشود. بدین ترتیب می‌بینیم افزایش قیمت بنزین از چند جنبه باعث بالا رفتن سریع قیمت کالاهای مصرفی و مواد غذایی می‌گردد. و تنها زحمتکشانند که باید برای تهیه حداقل مایحتاج خود چنین قیمت‌های کم‌ترشکن را بپردازند.

بعلاوه رژیم جمهوری اسلامی با اخذ ۲۰ ریال اضافی بابت هر لیتر بنزین از زحمتکشان زحمتکش میخواهد حران اقتصادی شدت یافته از جنگ را تخفیف دهد و با حبس پرچک با رژیم ارتجاعی عراق ادامه دهد، وعده با برپا داشت ۲۰ ریال اضافی هم‌دروغ و فریبی بیش نبوده و وعده‌ای است که هرگز عملی نخواهد شد.

همزمان با شدت‌یابی این فشارهای اقتصادی بر زحمتکشان، سردمداران رژیم عراق، قریباً تمام کارگران و زحمتکشان را به "تحمیل مشقات" و "روژه گرفتن" دعوت میکنند. یعنی اینکه سرمایه‌داران و سردمداران رژیم در رفاها باشند، اما زحمتکشان روژه بگیرند!

رژیم جمهوری اسلامی اکنون با برقراری مقررات حیره‌بندی مایحتاج عمومی، میخواهد آخرین شیره‌جان زحمتکشان را کشیده و با این حيله کلیه عوارض فشار اقتصادی ناشی از جنگ با عراق را بطور کامل بر زحمتکشان تحمیل کند. میدانیم در شرایطی که برخی از موسسات اقتصادی مخصوص صنایع نفتی بمباران شده و در شرایطی که رژیم به سلاح‌های جدید و قطعات یدکی شدیدا احتیاج دارد تا به جنگ ادامه دهد، تا میسر امکانات اقتصادی و مالی امر مهمی برای رژیم بشمار می‌آید. حیره‌بندی مواد غذایی، گران‌سازی کالاهای مصرفی، افزایش مالیات‌ها و... از جمله راه‌حلهایی برای این منظور است. از آنجا که اقتصاد ایران وابسته است رژیم مجبور است کالا وارد کند و از آنجا که ارتجاع خواهان ادامه جنگ ضد مردمی است، رژیم نیاز به سلاح و مهمات نظامی دارد.

بنابراین رژیم با بدیهه‌طرز بیکی امکانات مالی فراهم‌آورد، فشار بر توده‌ها را با اجلاس برای هیأت حاکمه است. رژیم از طریق حیره‌بندی گران‌سازی، افزایش مالیات و... توده‌ها را به

گرسنگی و مرگ تدریجی میکشاند. تا به اهداف خود برسد. رژیم برای اینکه به جنگ ارتجاعی خود ادامه دهد میکوشد تا توده‌ها را در گرسنگی و فقر نگاه دارد. رژیم برای انجام حیره‌بندی و رسیدن به اهداف خود دست به تشکیل "سناد بسیج اقتصادی" زده است. سبزه‌پا و زیر سر مشاورد را موراجراشی درباره هدف این سند میگوید:

"ما باید مردم را متقاعد کنیم تا شرایط حساب دوران جنگ را درک کرده و مصرف خود را بسد حداقل ممکن برسانند. هدف دیگر این سند ستاد دندانی و پروپاگاندای برای کاهش هزینه‌های دولت و همزمان با آن افزایش درآمد - های آن می‌باشد." (اطلاعات ۱۸ آبان). مطلب بعد کافی روشن است. کاهش هزینه‌های دولت و نیز افزایش منابع درآمدی دولت تنها از طریق افزایش قیمت‌ها، مالیات‌ها و در گرسنگی قرار دادن و افزایش استثمای زحمتکشان امکان پذیر است. حزب جمهوری اسلامی از این هم‌پا

روزیونیستهای فدایی (اکثریت) و خیانتی دیگر!

طبق اطلاعات موثقی که بدست ما رسیده است اخبار در بیروت بین محمد علی فرخنده - کشتگر نماينده سازمان جریکهای فدائی (اکثریت) و یونا ماریوف یکی از ایدئولوگهای حزب رومیونیست شوروی ملاقاتی صورت گرفته است. یونا ماریوف در این جناحی از رومیونیستهای شوروی است. سیاست این جناح از سوسیال امپریالیسم شوروی بر آن است تا با اشتقاق دهرخی از تزه‌های رومیونیستی رسوا شده خروشچ و از آنجمله تر "راه رشد غیر سرمایه‌داری" - سوسیال امپریالیسم را حفظ کرده و هر مریب - کارانه برای نفوذ بیشتر در جنبش‌ها بدست آورد. اگر جناح سوسیول و سوزف همچنان بر هم - سیاستهای گذشته با فشار می‌کنند، این جناح می‌کند در شرایط رشد جنبشهای آزادیبخش در عرصه‌های طاهر "چپ" بخود گرفته و بدین ترتیب قدرت ما و نیرو عوام فریبی بیشتر تا مین‌سازد اما حقیقت آن است که این جناح همانند جناح سوزف جناحی امپریالیستی میباشد، با این تفاوت که میکوشد تا با عوام فریبی‌های نویسن جنبش خلق را به انحراف بکشد. رومیونیست - های فدائی که خود را هم‌مشی با این جناح رومیونیستی می‌بینند، میکوشند تا با سیاست نزدیکی با آن برقرار کرده و بیش از پیش حرکت خود را در انطباق با جناحی از سوسیال امپریا - لیسم قرار دهند. لازم به تذکر است که میزبان رومیونیستهای شوروی و ایرانی "سازمان کار کمونیستی" لبنان بوده است که خود سازمانی رومیونیستی و طرفدار جناح یونا ماریوف همچون سازمان جریکهای فدائی (اکثریت) است.

رافرا ترک‌گذاشته و بشمارا نه میگوید: "وظیفه انقلابی خود را ندانیم که تولید را افزایش و مصرف را کمتر کنیم." (شماره زیر صفحہ روزنامه جمهوری اسلامی).

مرتجعین، کارگران و زحمتکشان را به تسن دادن به استثمای هرجه بیشتر تحت شعار "تولید بیشتر" و "تحمیل گرسنگی زیر عنوان" مصرف کمتر" دعوت میکنند. آنها به مردم میگویند با "تولید بیشتر" حبس سرمایه‌داران را برای خرید سلاح و سایر بزرگ نظامی برکنند. و اگر با یحنا چ زندگی روزمره شما فراهم نیست، اگر مواد غذایی مورد نیاز موجود نیست، با "مصرف کمتر" عوارض این جنگ ارتجاعی را نیز تحمل کنید.

رژیم جمهوری اسلامی، کارگران و زحمتکشان را تنها در میدانهای جنگ گوشت دم‌توب خود قرار نمیدهد، بلکه شیره‌جان آنها و خانواده‌ها را به یحنا رادرا خارج از میدان جنگ یعنی در کارخانه، کشتزار، رفا و ده و محل کار و رستخزنا آخرین قطره میکشد. مگر این جنگ جز کشته شدن توده‌ها در زیر بارش آنها، آوارگی و بی خانمانی و گرسنگی و قحطی و بیماری و در مجموع فلاکت و بدبختی هرجه بیشتر چه نفعی برای کارگران و زحمتکشان مادارد؟ آری "خبرات" این جنگ برای سرمایه‌داران، بردن جیب آنهاست و برای کارگران گرسنگی و مرگ و بیماری و بدبختی دیگر. کارگران و زحمتکشان میدانند که اگر آنها در گرسنگی بسر می‌برند، اما سرمایه‌داران و حار بازار مواد از قبیل قند و شکر، برنج و روغن و تخم مرغ و... را احتکار کرده اند و در رفا زندگی میکنند. هرگاه این جنگ جنگی بود که کارگران و زحمتکشان برای دفاع از منافع طبقاتی و آرمان انقلابی خود را برپا میکردند، آنوقت آنها تمام مشقات و سختی‌ها و کمبود مواد غذایی ناشی از جنگ را نیز بپذیرا میشدند. چون ادامه چنین جنگی تا پیروزی، با تمام مشقاتش بفع کارگران و زحمتکشان تمام خواهد شد. اما جنگ ایران و عراق نه خواسته کارگران و زحمتکشان، بلکه خواسته سرمایه‌داران و بفتح آنها میباشد بهمین جهت جنگ سرمایه‌داران جز فلاکت برای کارگران و زحمتکشان نتیجه‌ای ندارد و به همین خاطر توده‌ها از این جنگ بیزارند.

هنوز دوماه از گذشتن جنگ نگذشته است، اما با گذشتن هر روز، قیمت‌ها بنحوشکندند و بالا می‌روند و آثار قحطی و گرسنگی محسوس تر میگردد. بدون شک با طولانی شدن جنگ، مردم زحمتکش ما به یک قحطی و گرسنگی و بیماری و مرگ و میر تمام عیار دچار خواهند شد و مسئول تمام این جنایات رژیم حاکم است.

البته فلاکت و گرسنگی ناشی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق تنها گریبانگیر زحمتکشان ایرانی نیست. زحمتکشان عراق نیز به تحمل فشار اقتصادی و گرسنگی ناشی از جنگ محکوم شده‌اند. آری، فقر و فلاکت متوجه خلقهای ایران و عراق است، اما مطمئن باشیم که مبارزات رشدیابنده توده‌ها نیز متوجه رژیم ایران و عراق خواهد بود.

زندگینامه یک کمونیست، پیکارگر شهید، رفیق حسین نورائی

نام: حسین
تاریخ تولد: ۱۳۲۷
شهرت: نورائی
محل تولد: بوشهر
ایدئولوژی: مارکسیست لنینیست، عضو سابق اتحادیه دانشجویان ایرانی در پاریس (هوادر)
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (عضو فعال سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در اهواز)
شهادت: ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح چهارشنبه هفتم آبان ۵۹، هنگام کندن سنگ

می پردازد، ماهیت رژیم های فئودالیستی و دیکتاتور را برای زحمتکشان اهواز افشا می کند. فعالانه به یاری جنگ زندگان میشتابد و علاوه بر تبلیغات و کار سیاسی در میان زحمتکشان، در کارهای مبارزاتی جنگ برای آنان مصیبت ها می کشد. رفیق حسین در طی این مدت با یکتاری وصف ناپذیر هموادی های سازمانی را با کار می بست و در زیر خیمه ها و ترکش توپ های دشمن و در کنار توده های جنگ زده به وظایف انقلابی عمل می کرد. در روز ۷ آبان، هنگام میکشیدن در یکی از محلات اهواز مشغول حفرتنگر، برای ساختن پناه برای زحمتکشان در مقابل خیمه های ارتش ضد خلقی عراق بود، به شهادت رسید. همانطور که زندگی رفیق در راه های توده ها گذشت، شهادت نیز به هنگام خدمت به خلق بود. شهادت رفیق حسین در جبهه و شیربان سه رفیق پیکارگر شهید دانشیار، نیک اندام و شرفی برای سازمان ما افتخاری بزرگ محسوب می شود، چرا که این رفیقان در گرامی نمیدانستند. عادلانه کنونی، مصیبت ها به آلمان سرخ زحمت کشان و فاجعه را مانده و دوشا دوش دیگر رفیق کشان پیکارگر در خوزستان جنگ زده، آتی از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی توده ها غافل نمادند. شرکت فعال سازمان ما به منظور تبلیغات افشاگرانه سیاسی و مادی دویاری به توده های جنگ زده تنها با فداکاریها و جانبازیهای دلآوانی چون رفیق حسین ممکن بوده است. اکنون پرچم سرخ رفیق حسین را پیکارگران و مبارزان دیگر بدوش خواهند کشید و تا طلوع خورشید کمونیسم به پیش خواهند داشت. یادش گرامی باد

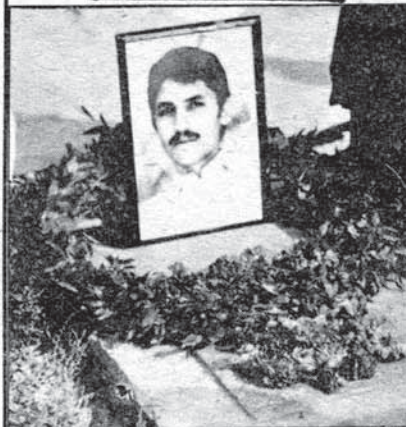
رفیق حسین در یک خانواده متوسط و مذهبی بدنیا آمد، تحصیلات ابتدائی را در جزیره قشم به پایان رساند، با انتقال پدرش به اهواز تا آخر دوران تحصیلی در اهواز اقامت داشت، حسین در زمان شاه خائن، بعنوان یک دمکرات انقلابی فعالانه در جهت سرنگونی رژیم شاه مبارزه می کرد. رفیق در قیام ۲۲ بهمن در تهران، فعالانه شرکت داشت و در هنگام تصرف پادگان عشرت آباد شجاعت فراوانی از خود نشان داد و در خط اول آتش، جانبازانه در فتح پادگان شرکت جست. بعد از قیام برای ادامه تحصیل به پاریس میروید و در آنجا با مارکسیسم - لنینیسم یگانگانه ایدئولوژی رها سازنده طبقه کارگر آشنا میشود و پس از مدتی به عضویت اتحادیه دانشجویان ایرانی در پاریس (هوادر سازمان پیکار) در می آید. رفیق که در خارج از کشور کمونیست می شود، از ادامه تحصیل صرف نظر کرده و راهی ایران میگردد تا شور انقلابی و ایمانش به زحمتکشان را بصورت نیروی مادی با انقلاب توده ها درهم آمیزد. رفیق در اواخر تابستان ۵۹ برای همیشه به میهنش باز میگردد، جاشیکه می با یست پیکار غرق درخوشی را در بر بگیرد.

رفیق در طی مدت کوتاهی که در اهواز بود، به عضویت سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در می آید و فعالانه و با تمام توان خویش به نبرد برای رهایی زحمتکشان می پردازد. چندی از مدتها به ایران نگذاشته بود که جنگ ارتجاعی اخیر درگیر می شود. رفیق حسین در طی این مدت فعالانه همراه دیگر رفقای پیکارگر به افشاکری جنگ غیر عادلانه کنونی

- افروزیه اعدام محکوم شدند...

پیام پس از ازشاره عشق آتشین رفقای شهید به آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و کینه عمیق و انقلابی آنان نسبت به دشمن تجاری که آنها را به بندهای پیمودن راه پرفراز و نشیب مبارزه از خود بجای گذاشته اند چنین میفرماید: "امروز با نشانهای گل بر مزار شهیدان - ما را یکبار دیگر پیما می بیند که در راه آزادی

شاخه های گل بر مزار شهیدان



در بزرگداشت چهارمین سالگرد شهادت رفقا بهرام آرا و محمد حاج شفیعی جمعاً از رفقا و هواداران سازمان، روز جمعه ۲۳ آبان ماه در بهشت زهرا گرد آمدند، و از رفقای شهید و انقلابیون دلیری که در یکی از سیاهترین دوران های تاریخ سیاسی ایران همچون ستاره هایی تابناک در آسمان میهن ما درخشانند و امید تلاش در راه رهایی زحمتکشان، پس از املها مبارزه در اروپا و روسیه و بسته و خونخوار شاه، جان خویش را فدا کردند، تجلیل بعمل آوردند، به پیما سازمان که بدین مناسبت تهیه شده بود گوش فرادادند و بر مزار تک رفقای شهید بخش منتهب از س. م. خ. ا. که در بهشت زهرا بیش از ۲۰ نفر از آنها قبرشان بر ما معلوم است، شاخه های گل نشان کردند و یکبار دیگر پیما را وفاداری به آلمان شهیدان را که تا بودی سلطه امپریالیسم و مبارزه در راه رهایی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است تکرار نمودند.

در این مراسم ما در مجاهد شهید هوشمند خامنه ای نیز حضور داشت و دو قطعه شعرا که بمناسبت شهادت بهرام آرا و محمد سزوده بود بر مزار آنان قرائت کرد، رفقا نسبت به مجاهد شهید هوشمند و دیگر شهیدان خلق نیز ادای احترام کردند. در پایان قسمت هایی از پیام سازمان را می آوریم: "...خاطر شهیدان عزیزمان را در شرايطی گرامی میداریم که امکان برگزاری مراسمی در خور آنان فراهم نیست و کاروان شهیدان از پی هم آوازه دارد: از رفقای شهید مسعود مالحی راد و طیب نجم الدینی که در تبریز بدست خدا انقلاب ترورشند تا کاک عطا پیرا زنده که در کردستان به دیگر پیشمرگه های شهید راه رهایی خلق کرد و کلیه خلقهای ایران پیوست و تا رفقای شهید محمد شرفی نفتگر کمونیست، منوچهر نیکاندام معلم کمونیست و شکرا الله دانشیار که در خوزستان در بیدارگاه خلیفانی و به حکم سرما به داران جنگ

طبقه کارگر در راه رهایی خلقهای ستمدیده ایران بر جاده سرخ انقلاب دمکراتیک خدا میریالستی ایران و بسوی جامعه سوسیالیستی مصممانه راه بسیاریم. ما بلشویک واریا دشمنان طبقه کارگر خواهیم جنگید و از دشواریهای راه هرگز نخواهیم ترسید و چراغ راهمان را به نایبمان اندیشه جهان شمول مارکسیسم لنینیسم را همواره همراه خود نگه خواهیم داشت."

عقب نشینی تاکتیکی رژیم در برابر مبارزهٔ معلمان اخراجی

بدنبال اخراج انبوه معلمان متعهد و انقلابی توسط کمیته‌های با صلاح پاک‌سازی، جنبش اعتراضی کارکنان اخراجی ابعـداد گسترده‌ای بخود گرفت. افشاگریهائی سازمان‌های انقلابی و مبارزه اخراجیان، رژیم‌سوار را رسوا تر کرد. سردمداران رژیم مقابل امواج مبارزاتی معلمان و برای ساکت کردن معلمان مبارز و فریب آنان دست به حیلـه‌ای جدید زد. کمیسیون اصل ۹۰ "مجلس شورای اسلامی" طی نامه مورخه ۵۹/۷/۱۲ به نخست‌وزیر مکتبی کلیه تصمیمات کمیته‌های پاک‌سازی را پس از ۶ شهرتور مرتجع که سردمدار تصفیه و اخراج معلمان آگاه و مبارز بود طی حکمی به موسسات دولتی اجرای دستور "مجلس" را خواستار شده است. ولی تاکنون هیچکدام از مقامات آموزش و پرورش آنرا اجرا نکرده‌اند و معلمان را همچنان سر می‌دوانند. مسئولین آموزش و پرورش با رها گشته اندکـه معلمان "چی" (یعنی مبارز، انقلابی و متعهد) را بهیچوجه بازمیگردانند. مبارزه معلمان برای لغو حکام "اخراج" علیرغم تشبثات و توطئه‌های سردمداران رژیم همچنان ادامه دارد. علاوه بر اخراج شدگان، وزارت آموزش و پرورش از استخدا ملیسانسـه‌هایی که قبلا تعهد خدمت سـپرده اند خودداری می‌نماید و چون با کمبود دبیران مواجه است برای تدریس دروس دبیرستانها از دبیلجه‌های "مکتبی" که از انجمن اسلامی یا "حجت الاسلامی" و یا حزب قراکیر معرفی نامندارند استفاده می‌نمایند. بویژه در مورد زنان معلم سختگیری بیشتری اعمال میشود و این از دید بسیار رعب‌ناهنده این عناصر "مکتبی" نسبت به زنان و مشکلات آنان ناشی میشود. عنصر مرتجعی بنا حکمی مسئول مدارس را هـمـا شـی در آموزش و پرورش ناحیه ۱۰ مرکز که در مورد استخدا همه‌کاره است علنا گفته است که معلم زن استخدام نمی‌کنیم!

هم‌اکنون نهاد تهران بیش از ۱۲۵ لیسانسیه برای گرفتن حقوق حقه خود مبارزه میکنند.

بقیه از صفحه ۲۷ جرخش...

کودکان "هستند (یعنی مردان برای "شهادت" در مناطق جنگ زده‌ها اند!) کمک و یاری رسانند. بهر حال امکانات محدودی که رژیم بطور اجباری در اختیار آوارگان جنگ گذاشته و نیز دستور پرداخت ۲ حقوق آنها (که از سوی جانی صادر شده است)، تنها و تنها در شرایط زده و و افشای گری زده‌های زحمتکش جنگ زده و نیروهای کمونیست بدست آمده و نشانده وحشت عمیق ارتجاع ارگسترش امواج اعتراضی مردم زحمتکش و اثر بخشی مبارزات افشاگرانه کمونیستها میباشد.

سوار ما شینهائی خود شده و از سرکه فرا میکنند. پس از آن، دانشجویان مترقی نظراتی بر علیه فعالیتها و نظرات باندهای ارتجاعی برپا میکنند و طی درگیری با پلیس ۱۲ نفر از دانشجویان دستگیری شوند. ساعت ۲ بعد از ظهر حدود ۶۰۰ نفر از دانشجویان برای اعتراض به دستگیری ۱۲ نفر و آزادی بدون قید و شرط آنها دست به تحن میرند که در نتیجه آن تا ساعت ۱۰/۵ شب هم تـر و تـمـا مـد دانشجویان دستگیر شده آزاد میگردند. جالب اینکه در همان روز کمتر از ۱۰۰ نفر از دانشجویان فالانژ و عناصروا بسته به رژیم جمهوری اسلامی نیز ظواهر برای برهم زدن نظرات بختیارها و دیگران رودسته‌های مرتجع شرکت داشتند. اما بیشتر شعارهایشان بر علیه نیروهای کمونیستی و انقلابی بود. لازم به یادآوری است که رژیم جمهوری اسلامی عوامفریبا نه وجود این عده محدود در محصل نظرات را مستحکم قرار داده و برورانه فعالیتهای انقلابی دانشجویان مترقی را به حساب این عده کارشکن و خرابکار گذاشت. کمیته‌های همگی دانشجویان پس از اعلام موفقیت دانشجویان در جلوگیری از فعالیت عتـنا صـر ارتجاعی در آن روز، اطلاع میدهند که از این بعد نیز هرگونه حرکت ارتجاعی از طرف این عناصر خائن با مقاومت شدید دانشجویان انقلابی و مترقی روبرو خواهد شد.

بزرگداشت ۱۳ آبان در صومعه سرا

در سالگرد ۱۳ آبان، روز دانش آموز، رژیم در کلیه شهرها اعلامرا هیبتا ش کرد. در شهر صومعه سرا نیز ما موران دست نشانده رژیم میسر کردیم تا بزرگداشت و تهدید یوده‌های مردم و دانش‌آموزان را بدنبال خود بظواهرات بکشند ما دانش‌آموزان انقلابی هنرستان صنعتی زیر با زور و ترس و با مف مستقل و با شعارهای انقلابی به خیابانها میریزند که با استقبال مردم زحمتکش روبرو شده و توده‌های آگاه شهر به آنها می‌پیوندند. ارتجاع و وحشت میافند و با هجوم به صفوف مردم برای پراکنده ساختن آنها بروال همیشگی دست به شلیک زدند. در این واقعه هواداران مجاهدین با برخورد سازگارانه و فداشانی (اکثریت) با برخورد خائنه سعی میکردند مردم رزمند را به سازش با ارتجاع بکشانند. هواداران فداشانی (اکثریت) با لجن پراکنی بر علیه مبارزات توده‌های زحمتکش و نیروهای انقلابی بویژه هواداران سازمان "پیکار"، نوکری خود را به رژیم جمهوری اسلامی بنمایش گذاشتند ولی توطئه‌هایشان در مردم مبارزکارگر نیا فتاد.

بدنبال این نظرات پرتکوه، مزدوران رژیم مذبحخانه به تعطیل دومرسه اقدام کردند. بی‌خبر از اینکه نمیتوان با این دسائش رشت انقلابی توده‌های آگاه و شرافکارا گاهی بخش را "تعطیل" نمود. خلاصه شده از اعلامیه‌های "کمیته گیلان" سازمان پیکار

دانشجویان انقلابی، تظاهرات باندهای ارتجاعی در برلین را برهم زدند

حدود سه هفته قبل طرفداران باندهای ارتجاعی بختیار روایلیزبان و اوپسی در شهر هامبورگ اعلامیه‌ای بخش کردند. آنها در این اعلامیه ضمن تشریح نظرات و برنامه‌های خود، تشکیل جلسه‌ای را به اطلاع ایرانیان رسانیده بودند. بلافاصله پس از بخش این اعلامیه، کمیته‌های همگی متشکل از دانشجویان هوادار سازمان ما و اقلیت سازمان چریکی فداپی و مجاهدین خلق و دیگر نیروها موضع گرفته و اعلام نمودند که هرگونه فعالیت از طرف این باندهای خائن با مقاومت و برخورد شدید دانشجویان انقلابی و مترقی مواجـه خواهد شد. جلسه با دنده انجام گرفت و تا اینکه در روز جمعه ۵۹/۸/۹ با رد دیگر اعلامیه‌ای از طرف باندهای ارتجاعی و ضد خلقی در دانشگاه برلین پخش شد. در این اعلامیه تشکیل جلسه‌ای بعنوان "مجمع عمومی سازمان دانشجویان ایرانی" اطلاع داده شده بود. این اعلامیه با اسامی مختلف از قبیل جبهه ملیان سیونالیست‌های ایران "یا" جبهه آزادیبخش ملت ایران "امضا شده بود.

همانروز کمیته‌های همگی با برگزاری جلسه‌ای تصمیم به تشکیل جلسه‌ای مرکب از تمام ایرانیان مترقی میگرفتند تا با مطلع نمودن فعالیت تمام ایرانیان مترقی، از تجمع باندهای ارتجاعی جلوگیری نمایند. هنگام شب حدود ۱۵۰ نفر از دانشجویان مترقی و انقلابی به هتل محل تشکیل جلسه باندهای ارتجاعی حمله کرده و با حدود ۴۰ نفر از طرفداران ارتجاع مواجـه می‌شوند. دانشجویان به محض ورود به سالن هتل، عکس پسران را (که بنا بر فاشا گبیردو م نامیده شده بود) پاره کرده و با طرفداران باندهای ضد خلقی درگیر شدند. در این زد و خورد و نفر از دانشجویان انقلابی بطور سطحی زخمی گردیدند. درگیری بعد از مدتها خلع پلیس و دستگیری چهار نفر از دانشجویان و دوشن از عوامل ارتجاع خاتمه یافت چهار دانشجوی زندانی بعد از ۲۴ ساعت آزاد شدند اما طرفداران ارتجاع بحریم اقدام به قتل دانشجویان و زدن پلیس هنوز در بازداشت بسر می‌برند.

پس از این درگیری، کمیته‌های همگی به ایرانیان مترقی تمام شهرهای آلمان خبر داده و خود را برای مقابله با نظراتی که باندهای ضد خلقی قرار بود روز یکشنبه ۱۱ آبان برپا کنند آماده نمود.

روزی که شنبه دانشجویان مترقی و انقلابی سادرست داشتن پلاکاردهائی به محل شروع تظاهرات باندهای ارتجاعی وارد شده و از انجام تظاهرات جلوگیری میکنند. طرفداران ارتجاع که از طرف پلیس حمایت می‌شدند با کمک پلیس

«ملاحظات کوتاه»

تاسیه روی شود هرکه در او غش باشد

درباره فرماندهان ارتش شاهنشاهی که به آمریکایک شبه "ملمان و انقلابی و حشر" شدند و از طرف آیت الله خمینی و دیگر مسئولین پس از قیام مورد بیشترین حمایتها و تمجیدها قرار گرفتند، ما با رها افشاکری کرده ایم و نشان داده ایم که وجود یک ارتش ضد خلقی برای رژیم جمهوری اسلامی نهایت ضرورت را دارد. مادر پیکا ر شماره ۶ مورخه ۱۴ خرداد سال گذشته تیمسار رفیرد رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی را با استناد به کتابی که او تحت عنوان "عصر استعمار زده ای" نوشته افشا کردیم و گفتیم که او از ابتدای انتهای کتاب دو خط را دنبال میکند یکی طرفداری از امپریالیسم آمریکا و دیگری مداحی از رضا شاه. و حالا پس از ۱/۵ سال به زاد - نیوی مشاور نخست وزیر اورا ضد انقلابی و فراموشگر مینامند! (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ آبان) وقتی ما و دیگر کمونیستها و انقلابیون افشاکری میکنیم سروصدای آقایان بیرون می- آید که "شما خدا انقلابی" "ارتش را تضعیف میکنید" "شاید پراکنی میکنید"، "آمریکائی هستید" و غیره ولی وقتی گند قفا با در آمد، وقتی ضد انقلابی های ساواک و ارتش و وابسته به رژیم سابق توطئه ها شان بر ملا شد، سران جمهوری اسلامی به قطره ای از دریای سازشهای خود اعتراف میکنند. اما آیا این اعترافات آنها نرا از خشم خلق های ما که روز بروز آگاهتر میشوند و به صحت سخنان و مواضع کمونیستهای میبرند نجات خواهد داد؟ و سازشکاران و خائنان به خلق چون "غش" دارند "سیره ای" اند.

موزن از اول کور نبود!

دو هفته پیش در پیکار ۲۹ داستان حقه بازارانه کوری سرگرد (سرهنگ شده) مو' دن و "فیلمی که رژیم در آورد" را افشا کردیم. بد نیست از بنی - صدر که همکار و هم دست همینها بوده و هست بشنود که در "کارنا مهر رئیس جمهور" مندرج در انقلاب اسلامی ۱۸ آبان میگوید:

"کسانی نیز یافت میشوند که از راه شعبه - بازی، ترس خودشان را در قالب شجاعتهای مصنوعی از داستانهای قلابی می پویندند. از جمله آنها سرگردی است که من نمیخواهم از او نام ببرم. این شخص ادعا کرده که در جنگ کور شده و طبیبی به من اطلاع داده که در چشم او هیچ بیماری نیست و میگوید که شما بنویسید که من برای معالجه با دیده انگلستان بروم و...."

می بینید که این بار "شاهد زغیب" نرسیده بلکه از خود رژیم رسیده است!

فعال بودند و گذشته از طرحهای کاریکا تسوری روزنامه های لیبرالی سر مقابل انقلاب اسلامی نوشته غضنفریور که دوباره در روزنامه شان چاپ شد و مقابل طولانی کپیها ۲۱ آبان در مورد خائنین رویزونیست اکثریت فدائیان، از مقوله همان تعرض لیبرالها برای "اثبات حقانیت" خویش و زمینه سازی جا معه برای بیشتر دسیسهایشان بوده است.

لیبرالها و ترس از کمونیسم

لیبرالها که در تعرض خود تنها به مآهیدین برخورد نکرده اند، (و در حقیقت با انعکاس دادگاه سعادت بنحو مطلوب حتی خواسته اند دل مآهیدین را نیز بیشتر بدست آورند). شدیداً به کمونیسم کمونیستها و رهبران کبیرش لنین و استالین حمله ور شده اند.

لیبرالها خوب میدانند، دشمن اصلی شان کیست. آنها میتوانند با حزب جمهوری اسلامی و با رویزونیستهای خائن خروشچفسکی و کارگران سوسیال امپریالیسم در وحدت بسر برند، اما هرگز نمیتوانند، از وحدت کمونیستها برخورد نلرزند. سلامتین در مجلس به دوزدوانی گفت فقط لیبرال ایسم متعلق به کمونیستها و استالین است در مقابل انقلاب اسلامی ۱۷ آبان و مقابل الفای ایدئولوژی غضنفریور و مقابل روزنامه میزان (۲۰ آبان) تحت عنوان "مارکسیسم و سازشکاری"، لیبرالها شدیداً به کمونیستها حمله ور شده اند، "میزان خائنان کمونیستها را نیز سازشکار مینامد و با آوردن چند جمله از لنین کبیر (جزوه بیماری چپ روی) میگوید دشمنان بوشاندن ما هیت خائنان شایسته کمونیستها شدیداً حمله کنند، میزان میگوید استالین کمونیستها سازشکار هستند، مثل این است که بگوئیم جنا پیکاران با انصاف هستند یا نه... تلاش لیبرالها در این است که بگویند، لیبرال ایسم ساخته دست کمونیستهایست و نیروهای مانند حزب جمهوری شایسته از آن استفاده کنند، علاوه بر آنها، لیبرالها در تعرض خود به حزب طبقه کارگر و دیکتاتوری پرولتاریا (مقاله غضنفریور) شدت حمله کرده و کوشیده اند تا به خیال باطل خود، توده ها را نسبت به آلترنا تیو کمونیستها بدبین سازند. تعرض لیبرالها به مآهیدین ما را کمیسیم و بخصوص حزب طبقه کارگر و دیکتاتوری پرولتاریا، نشانه هراسی است که آنها از دشمنان طبقه خود دارند، آنان نشانندگان آن طبقه ای که وظیفه دارد بورژوازی را در گور کند خوب می شناسند بهر صورت جنگ تبلیغاتی لیبرالها بر علیه آلترنا تیو، دو آلترنا تیو ارتجاعی (حزب جمهوری و رویزونیستهای خروشچفسکی) و یک آلترنا تیو انقلابی (کمونیست) در هفته گذشته شدت بیشتری گرفت، چرا که لیبرالها مترصد آنند تا قدرت بسیار بیشتری را در حاکمیت بیچنگ آورند و رقیب را به پذیرش نظرات خود وادارند، ضمن آنکه آلترنا تیو روسی را دفع

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۲۸ لیبرالها...

حزب جمهوری نیز مشهود بود لیبرالها به تائید و تحسین اقدامات بنی صدر در جبهه پرداخته و برایش در مجلس امتیاز جمع کردند.

بنی صدر و دیگر لیبرالها نیز بر سر مسئله ارتش دست به تعرض زدند و به حزب جمهوری و بخصوص مآهیدین انقلاب اسلامی در مورد نظراتشان نسبت به ارتش شدیداً حمله ور شدند. بنی صدر مقابل سخنان خامنه ای که گفته بود اگر بحر ف روحانیون گوش میدادند، خر مشهر سقوط نمیکرد به آنها که تخصص ندارند و سخن میگویند حمله کرد بنی صدر در مورد جزوه مآهیدین انقلاب اسلامی در مورد ارتش که برخی از فرماندهان را خائن خوانده بودند، هشتاد و دو آنرا برای روحیه ارتشیان نامناسب خواند.

تعرض سیاسی لیبرالها به حزب بر سراسری - ترین مسئله مورد اختلاف، یعنی سرکردگی در ارتش و سیاست خارجی نیز همچنان ادامه دارد. طبیعی است از آنجا که این دو جناح ارتجاعی بر سر شیوه بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته اختلاف دارند. (در عین وحدت در مقابل انقلاب) این دعوا به این زودیهاییان نگرفته و بسیار او جگیری جنبش توده ها و توانیهای رژیم ابداً دوسیمتری نیز بخود نخواهد گرفت. مسأله طبقاتی زحمتکشان در بابین با لاینها را بیشتر بجان هم خواهند داخت.

لیبرالها و انعکاس جنگ تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس

حزب توده که پیش از قیام لیبرالهای چون شریعتمداری، مقدم مراغه ای، بازرگان، حاج سید حوادی و... را تبلیغ میکرد (را دیوپیک و نواید) و پس از قیام نیز به رنگ آمیزی لیبرالهای از قماش بازرگان و دفاع از حاکمیت دولت موقت می - پرداخت، اگر چه حزب توده در چهار رجب سازش فعلی جهانی امپریالیسم غرب و سوسیالیسم امپریالیسم در مقابل انقلاب خلقها (هر چند با حفظ تفاذهای درویشان) اکنون نیز به دفاع از بنی صدر میپردازد و در مقابل انقلاب، خود را ملزم به حفظ همین حاکمیت و لیبرالهای درون آن میدانند، اما در چهار رجب تفاذهای جهانی، تفاذهای شخصی نیز با این هیت حاکمه و بخصوص لیبرالهای درون آن دارد. حزب توده که ابتدا با مهندس بازرگان میخواست راه رشد غیر سرمایه داری و سوسیالیسم روسی برپا دارد، اکنون تقریباً از لیبرالها نا امید شده و به استناد بنی حزب جمهوری اسلامی شتافته است. (اگر چه حزب جمهوری نیز در مجموع به امپریالیسم غرب قرا بت بیشتری دارد تا سوسیال امپریالیسم بدین ترتیب حزب توده (ویس از کارا ۱۵۹ اکثریت فدائیان) هم غم خود را در تقویت جناح حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت صرف میکنند. بدین ترتیب، چند ماهی است که ما شاهد مخالفت حوئی میان لیبرالها و رویزونیستهای خروشچفسکی هستیم. لیبرالها در هفته گذشته در این عرصه نیز

رهنمود به هواداران درباره فلاکت جنگ و جنبش توده‌های

۲ - افشای یکی از اهداف ما، می‌رژیم در برابر این جنگ یعنی سرکوب جنبش و انقلاب (سرکوب جنبش کردستان، اقدام کمونیست‌ها، دستگیری انقلابیون...) و افشای تبلیغات ارتجاع علیه آوارگان جنگ و حمایت از جنبش ارتجاع علیه ۳ - افشای رابطه جدایی‌ناپذیر جنگ با تشدید گران، کمبود و قحطی، رابطه جنگ با افزایش بیکاری فقر و فلاکت توده‌ها، افشای گران، بزه‌بین و ناشر این گران در تمام ابعاد زندگی مردم.

۴ - افشای احتکار و قحطی مصنوعی توده‌ها، سرمایه‌داران، بازاریان و عوامل رژیم حاکم و افشای سوده‌های کلانی که دولت و سرمایه‌داران به جیب می‌زنند.

۵ - افشای سازش رژیم ایران و امپریالیسم آمریکادری حیوون جنگ و تسلیحات امپریالیستی و چهره فریبکارانه "فدا میربا لیتی" رژیم.

۶ - افشای ماهیت و اهداف اپوزیسیون‌های ارتجاعی نظیر باندهای ضد خلفی بختیار و اویسی و... در همین ارتباط افشای رادیکال‌های ضد-انقلابی.

۷ - افشای همه‌جانبه نیروهای سازشکار و خائن نظیر سازمان چریک‌های فدایی (اکثریت) و حزب ورشکسته توده در میان توده‌ها و افشای هر نیروی سازشکاری که در شرایط کنونی آب به آسیاب رژیم حاکم میریزد.

رفقا در هر کجا که توده‌ها هستند، دست به افشاکری انقلابی بزنید، در هر کجا که حرکت اعتراضی موجود است، تراش را زما بدهی نموده و جهت دهید، در هر کجا که جنبش مبارزاتی جریان دارد، آن را به یک حرکت عمومی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل نمایید.

رفقا! با راضی‌های ناشی از این جنگ غیر عادلانه را به سکو گسترش هر چه، بیشتر انقلاب تبدیل نماید.

★ ★ ★

میشدند و... رژیم که با واقعیت تلخی روبرو بود و در برابر توده‌ها هزار آواره جنگ که با موضوع دیگری خصماً نه رژیم در مقابل حکومت قرار می‌گرفتند و صحت گفته‌های انقلابیون و بویژه کمونیست‌ها در عمل برایشان ثابت میشد، نمیتوانست بی تفاوت بماند و با وحشت از افروزی امواج اعتراضی توده‌های آواره و جنگ مجبور به عقب نشینی شده و در واقع حرف‌های خرد را پس گرفت. موضعگیری‌های اخیر سردمداران جمهوری اسلامی بیش واپس‌گرا یا نه و تحقیقات می‌رژیم را نسبت به توده‌ها بویژه زنان، نیز نشان داد آنان از مردم می‌خواهند که بعنوان "ما" به "آواره‌ها" جنگ که بر عزم آنان فقط "زندان و

بقیه در صفحه ۲۴

هم اکنون جنگ ارتجاعی، بحران اقتصادی - سیاسی جامعه را شدت فزاینده‌ای بخشیده و جامعه ما را بسوی یک انقلاب رتوده‌ای سوق می‌دهد. گران، کمبود مواد غذایی، افزایش سرمایه و ورشکست کالاهای مصرفی، گران شدن بیمه‌های بیمه‌ای، کمپای شدن تخم مرغ، گران شدن ودها مواد دیگر، طولانی شدن بیش از پیش صف‌های نان و گوشت... همه و همه موجب اوجگیری اعتراض توده‌ها میگردد. رژیم جمهوری اسلامی نیز برای رهایی خود از این بحران اوجگیرنده و برای ادا به جنگ در جهت تأمین منافع خود، بیش از هر زمان دیگر، کارگران و زحمتکشان ما را تحت فشار سنگین فلاکت اقتصادی قرار میدهد. حیره‌سندی مواد غذایی و بویژه افزایش چشمگیر قیمت برنج هم این فشار اقتصادی را سنگین تر و عمیق تر خواهد نمود. امروز توده‌های باز قحطی و گرسنگی ناشی از بحران و جنگ عرصه‌های مختلف زندگی زحمتکشان را در بر گرفته است.

رفقا! با پدیدار این شرایط بسودگسترش انقلاب بهره‌جست، باید با راضی توده‌ها را به سطح یک مبارزه انقلابی علیه حکومت ارتجاع بخشید. تحقق این هدف بیش از هر زمان دیگر ملزم به شرکت هر چه فعلاً لانه تر رفقا در جنبش‌ها و حرکت‌های اعتراضی توده‌ها می‌باشد. کارآگاه - کارانه حول این جنگ ارتجاعی... در میان توده‌ها، بسیج و سازماندهی حرکات اعتراضی آنها بیش از هر زمان دیگر بر سر کوشش‌ها ضرورت می‌یابد. ما باید در میان توده‌ها، هر کجا که هستند، برویم و به حول این جنگ ارتجاعی به افشای ارتجاع بپردازیم.

سفا مین کار تبلیغی و ترویجی ما چگونه باید باشد

۱ - افشای سیاست‌هایی که به این جنگ منجر شده، ماهیت جنگ و اهداف دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق.

تحمیلی کنونی کمونیست‌های پیگیر با افشای ماهیت این جنگ ارتجاعی مردم زحمتکش را از عواقب و مصیبت‌های این جنگ آگاه می‌سازد و توده‌ها را به مبارزه و توان خودیاری مردم جنگ زده آوارگان این جنگ خائن برانداخته و شادمان می‌سازد. آوارگان زحمتکشی که بدون کوچک ترین امکاناتی راهی بیابانها و شهرها میگشتند به عوارض ناشی از آن جنگ پی برده و توهم آنها نسبت به هیئت حاکمه و بویژه ماهیت این جنگ ریخته و با نفرب و انزجار از این جنگ در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار می‌گرفتند آنها به بوجی تبلیغات عوام‌فریبانه و تشویشیستی سردمداران رژیم بیشتر پی برده و در مقابل خواست‌های عادلانه‌شان با انبوه‌سازی‌ها و دشنام‌ها و برچسب‌های دولتمردان روبرو و

چرخش در سیاست رژیم نسبت به توده‌های جنگ زده

دوروزهای اخیر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در برخورد به مردم جنگ زده آواره، موضعی کاملاً مغایر با آنچه که در هفته‌های نخست جنگ می‌گرفتند، اتخاذ کرده‌اند. اینان که مردمی - دفاع منافع جنگ زده را تشویق میکردند که در زیر باران بمب‌ها و راکت‌ها و خمپاره‌ها بمانند و "شهید شوند" اینان که با صدور بخشنامه‌های تبلیغی، کارکنان غایب مناطق جنگ زده را مضیل "قوانین زمان جنگ" قلمداد میکردند، اینان که کودکان بیگناه را به مدارس کثافت‌نشین و به انفجار بمب‌ها و گلوله توپ‌ها بهلاکت برسانند اینان که افراد آگاه را تشویق کردند تا بر صورت آوارگان جنگ "تف" بپاشند، اینان که در تبلیغات ارتجاعی‌شان بدترین تهمت‌ها و ناسازها را از قبیل "وطن فروشان بزدل"، "فراریان بی وطن"، "جاسوسان آمریکایی"، "و... نشان مردمیکه در جستجوی سرپناهی بوده و با تحمل مشکلات فراوان خانه و کارخانه خود را رها کرده و آواره‌ها را می‌گشتند، میگردد، اینان که کوچکترین کمکی به اسکان آوارگان جنگ نگرفته و قدمی در راه نجات جان‌شان بر نمی‌داشتند، اینان که... ناگهان به فکر کمک به "مدها هزار" آواره جنگ که با ازدست دادن عزیزان بیشمار، هستی از دست داده و خانه و زندگی خود را رها کرده و آواره‌ها و شهرها و بیابانها شده‌اند، افتاده - اند و از مردم می‌خواهند که به آستان پناه داده و لباس و خوراک در اختیار آنان بگذارند. اما مردم زحمتکش ما از خود می‌پرسند چگونه شد که دولتمردان جمهوری اسلامی "لطف و عنایت" اسلامی "راجا یگزین آن فحش‌ها و ناسازها را کردند؟ مردمیکه حمله‌های آیت الله دستگیرها آیت الله طاهری‌ها، خامنه‌ای‌ها و... هنوز کوشان را آزار میدهند علت "دلجویی"‌های آیت الله منتظری و دیگران را از خود می‌پرسند. مردم جنگ زده خرمشهر از خود سؤال میکنند که چطور شد "نما بیده" خرمشهر در مجلس بیکبار هر روز ۱۸ آبان یا دوش می‌افتد که به مسئولیتی که "مهاجرین جنگ زده را متهم به فرار از مناطق خود کرده بودند" اعتراضی کند و بگوید "هیچ مکتبی این مسئله را قبول نمیکند که آقا شما در خانه‌ها بنشین و اگر نا بودی تورا به عنوان شهید به حساب می‌آوریم" (کیهان ۱۹ آبان)

از اولین روزهای جنگ تجا و زگران و

لیبرالها: تعرض سیاسی

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

میزان، انقلاب اسلامی و کیهان یاران غمگسار امپریالیسم آمریکا

جنگ به تنهایی نفاذهای درون هیئت حاکمه را کاهش نداد، بلکه جنگ قدرت را وارد مرحله جدید ترواجادتری نمود. لیبرالها با انگار ارش کوشیدند مواضعی را که در هنگام آغاز کار مجلس و انتخاب رجایی بعنوان نخست وزیر از دست داده بودند، ترمیم بخشند. اما در عوض مدام زیر حملات حزب جمهوری اسلامی قرار داده و به عقب نشینی‌هایی نیز دست زدند. حزب جمهوری اسلامی با در دست داشتن مجلس و کابینه پی‌ریزی موفقیت‌های بیشتری به جنگ آورده و از نظر سیاسی نیز به لیبرالها تعرض کرده و با رشک در جنگ را بدوش ارتش و لیبرالها می‌انداخت. جنگ بر سر تسلط بر رادیو، تلویزیون، جنگ قدرت را اسبعا دو سیمتری بخشید. حمله لیبرالها بسا مواجبه قطب زاده در تلویزیون شبکه ۲ به ضد حمله حزب جمهوری اسلامی و دستگیری قطب زاده انحامید و این حمله نیز با غوغای تبلیغاتی لیبرالها و فشار بازبان و روحانیون لیبرال و... ختمی شد.

جنگ ایران و عراق و اهمیت یافتن بیش از پیش ارتش، نیاز به سلاح و وسائل بدکسی آمریکا، نیاز به سیستم سرمایه داری و وابسته به عادی تر شدن روابط با امپریالیسم و لنسو تحریم اقتصادی که خواست رژیم ایران از آمریکا است در کنار حل مسئله گروگانها در مجلس با نازل ترین شرایط ممکنه، شرایط مناسبی را برای تعرض لیبرالها فراهم کرده است.

رویتامه‌های زیر سلطه لیبرالها یعنی کیهان یزدی میزان با زرگان و انقلاب اسلامی بنی صدر یکمدا با یکدیگر و رسمینای یک خط واحد به رنگ آمیزی امپریالیسم آمریکا، حمله به سوسال امپریالیسم شوروی و مزدورانش (البته از موضع منافع امپریالیستهای غرب و نه از موضع توده‌های میهن)، تعرض به "سی قانونیها و قدرت طلایی‌های جناح رقیب" و بخصوص حمله به کمونیستها پرداخته اند.

سوزاندن پرچم آمریکا آتش یحان لیبرالها

لیبرالها که همواره در جهت بازسازی کا ملتر سرمایه داری وابسته، خواهان بهود و گسترش سریع روابط با امپریالیسم آمریکسا

بوده اند، در هفته گذشته، بیش از پیش برای حصول به چنین امری، دست به تعرض زدند. انقلاب اسلامی ۲۵ آبان در تحلیل خود در مورد آمریکا، گروگانها و انتخابات، ضمن دفاع از حزب دموکرات آمریکا، اعلام کرد که "در انتخاب ریگان ایران مقصود بوده است."! انقلاب اسلامی معتقد است که اگر دست به اقدامات "بی رویه و نادرستی" زده نمیشد، ریگان انتخاب نمی گردید. با وجود اینکه این روزنامه لیبرالی به ادا و اطوارهای دروغین "فدا میریالیستی" جناح رقیب (حزب جمهوری اسلامی) اشاره دارد، اما بعین آنگار است که لیبرالها روحیه فدا امپریالیستی توده‌ها را نشانه رفته و گذشته از تعرض به جناح مقابل و افشای حرکات دروغین آنان، در واقع خواهان روابطی عادی و صحنه با امپریالیسم هستند و برای این، با تعرض به جو روحیه فدا امپریالیستی توده‌ها، میکوشند زمینه "ماه عمل" رژیم را با امپریالیسم آمریکا پدید آورند. لیبرالهای انقلاب اسلامی که معمولاً زیرگانه سخن میگویند اینک آنگار به تبلیغ جناحهای مشخصی از

تاکنون ۷ پیکارگر قهرمان در خوزستان جنگ زده بشهادت رسیده اند

در شبرد غیرعا دلانه کنونی، رفقای قهرمان سا زمان ما دلورا نه در کنارتوده‌ها به تبلیغات و امداد دویاری به جنگ زدگان می پردازند، علاوه بر رفقای شهید محمد شرفی، منوچهر نیک اندام، شکرالله دانشار، حسین نورائی و حمید رحمانیور که جریان شهادتشان را در شماره‌های گذشته آوردیم. دور فقیق پیکارگر قهرمان دیگر رفیق غلام قاط و بهرام شاهوران از رفقای سا زمان پیکار در جبهه جنگ هنگام انجام وظایف سازمانی بشهادت رسیدند.

ما زندگینماه این رفقای قهرمان را در شماره آینده خواهیم آورد. حضور دلورا نه رفیقانمان در جبهه‌های جنگ نشانه منق خورشید سازمان ما با زحمتگشان ایران است

امپریالیسم آمریکا دست زده، خشم خود را از عادی نبودن روابط با امپریالیسم آمریکا پنهان نمی دارند. آنها در حالیکه اهداف رقیب خود، در دادن شمارهای دروغین فدا امپریالیستی را میثنا سند و میدا تند که در پس اقدامات حزب جمهوری، نه تلاش برای مبارزه با امپریالیسم بلکه فریب توده‌ها و حفظ منافع امپریالیسم نهفته است، با این تهمه خشم خود را آتش زدند. پرچم آمریکا، کشور معبود خود پنهان نمیدارند. انقلاب اسلامی میگوید: "متوسل شدن به شیوه‌های تنجیده و کودگانه‌ای چون پرچم‌سوزی و حمل زباله در پرچم‌ملتی که پرچم خود را مقدس ترین سمبل و نشانه ملیت خود میپندارند..." و بدین ترتیب انقلاب اسلامی بعین به رنگ آمیزی جهره گیره امپریالیسم آمریکا میبرد از.

درست است که جناح حزب جمهوری اسلامی نیز در حفظ و حراست منافع امپریالیسم با لیبرالها همراه بوده، اما به شیوه خویش و در این راه برای فریب توده‌ها به دشنام گوئی به امپریالیسم نیز پرداخته است. تعرض لیبرالها در این زمینه دارای دو جنبه اساسی است: ۱- ز یکسویقا بسا روحیات فدا امپریالیستی توده‌ها و از سوی دیگر نشان دادن محنت نظراتش در مورد بازای سرمایه داری وابسته به جناح مقابل تا آنها را وادار به پذیرش نظرات خود نماید. لیبرالها برای رسیدن به اهداف خود فعلا با سه آلترنا تیر و روبرو هستند.

لیبرالها و جنگ قدرت با حزب جمهوری اسلامی

یک آلترنا تیر، حزب جمهوری اسلامی است در ده هفته گذشته تعرض سیاسی به جناح رقیب وارد مرحله جدیدتری شد و آن مبارزه بر سر بدست گرفتن رادیو و تلویزیون بود، پیروزیهای حزب در مجلس، تعرض لیبرالها را در مواجبه تلویزیونی قطب زاده بدشمال داشت و این دستگیری خود پنهانهای فراهم کرد، تا لیبرالها دست به تبلیغات وسیعی برای بهود وضعیت خود بزنند. عنصر لیبرال و خاشنی چون قطب زاده به عرش اعلای برده شد و حزب جمهوری اسلامی وادار به عقب نشینی گشت. فرباد "اقانون اساسی" بلند شد و لیبرالهای خاشنی چون با زرگان و بنی صدر که در کنارتولادان حزب جمهوری اسلامی دستشان به خون هزاران کارگر، زحمتکش و کردو ترکمن آغشته است، صحبت از آزادیها و قاننون کردند. نمایندگان لیبرال مجلس اعتراض کردند و اشرافی و نووری و با زرگان و یزدی و دیگر لیبرالهای شناخته شده در انقلاب اسلامی و کیهان و میزان به تاخت و تاز پرداختند، تنها هم لیبرالها در زمینه دفاع از بنی صدر در مقابل بقیه در صفحه ۲۴

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست